



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میرزا محمد شمس الدین

دفتر مستقیم

به کوشش

مهدی مهریزی علی صدرایی خونی

نہ سہارا



پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۶

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱ - ، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: دفتر بیستم / به کوشش مهدی مهریزی و علی صدراایی خویی. - قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸.
۵۶۷ ص. (پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۶)

ISBN : 978 - 964 - 493 - 455 - 1

چاپ اول: ۱۳۸۸.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. حدیث شیعه - مجموعه‌ها. ۲. احادیث شیعه - مجموعه‌ها. الف. صدراایی خویی، علی، ۱۳۴۲ - ، گردآورنده

همکار. ب. عنوان.

۹م ۹م/۴/۱۰۶ BP

میراث حدیث شیعه / ۲۰

به کوشش: مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی

تحقیق: مرکز تحقیقات دارالحدیث
امور اجرایی: مهدی سلیمانی آشتیانی
ویراستار: قاسم شیرجعفری
صفحه‌آرایی: سید علی موسوی‌کیا



ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: اول / ۱۳۸۸

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، نبش کوی ۱۲ پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۷۱ / ص.پ.

۳۷۱۸۵ / ۴۴۶۸

نمایشگاه و فروشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم): ۰۲۵۱ ۷۷۴۰۵۴۵

فروشگاه شماره «۲» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام صحن کاشانی) تلفن: ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۳» (مشهد مقدس، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه همکف)

تلفن: ۰۵۱۱ ۲۲۴۰۰۶۲ - ۳

فروشگاه شماره «۴» (مشهد مقدس، میدان تختی، خیابان شهید اسدالله زاده، نرسیده به چهارراه پل خاکی، سمت چپ، ساختمان

کوثر) تلفن: ۸۴۲۶۳۳۲

<http://www.hadith.net>

hadith@hadith.net

ISBN : 978 - 964 - 493 - 455 - 1

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است *



حاشیه‌ی صحیفه‌ی السجادیة

محمّد بن منصور بن ادريس حلی (۵۹۸ق)

تحقیق: سید محمد حسین حکیم

درآمد

سیر تاریخی صحیفه‌پژوهی تا سده ۱۲ هجری

ارج و شهرت مجموعه نیایش‌نامه‌های امام زین العابدین علیه السلام آن چنان است که هر گونه توصیف و عبارت‌پردازی درباره آن گزاف و زیاده به نظر می‌آید. من نیز در این جا سر آن ندارم که در باب خصوصیات معنوی و بعد اخلاقی - تربیتی صحیفه و یاد دیگر ویژگی‌ها و اهمیت آن سخن بگویم.

این چند صفحه فقط گزارشی گذرا از مجموعه کارهایی است که پیرامون صحیفه سجادیه تا پایان سده ۱۲ق انجام گرفته، که آنها را به سه دوره تقسیم می‌کنم:

۱. دوره روایت (از ابتدای انشای صحیفه تا ۵۱۶ق).
۲. دوره رواج نزد خواص (از ۵۱۶ق تا زمان محمدتقی مجلسی).
۳. دوره رواج عام (از ح ۱۰۲۰ق و رؤیای مجلسی اول به بعد).

۱. دوره روایت (از ابتدای انشای صحیفه تا ۵۱۶ق)

از آن جا که بهاء الشرف در سال ۵۱۶ق صحیفه را از ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار روایت کرده است، این سال را به عنوان پایان دوره روایت در نظر گرفتیم.

سیادت و شیخیت بهاء الشرف، از یک سو و کثرت دانشمندانی که صحیفه را از او روایت کرده‌اند،^۱ از سوی دیگر، موجب گردید که نام بهاء الشرف به عنوان راوی اصلی *الصحيفة الكاملة* در ابتدای سند آن قرار بگیرد و نیازی به ذکر نام راویان پس از وی نباشد.

در واقع نسخه‌های صحیفه کامله به روایت بهاء الشرف صورت تواتر یافت و همچون کتب متواتر دیگر نیازمند ذکر سلسله اسناد و اجازه نبود.^۲

علاوه بر این، سند هیچ یک از روایت‌های دیگر صحیفه تا سال ۵۱۶ ق ذکر نشده است.

روایت بهاء الشرف و تمامی روایت‌های دیگر موجود از صحیفه به متوکل بن هارون بر می‌گردد.^۳ او ضمن قضیه مفصلی که در ابتدای

۱. برای نام و مشخصات ۱۳ نفر از کسانی که صحیفه را از بهاء الشرف روایت کرده‌اند، ر. ک: *الصحيفة السجادية الجامعة*، سید محمد باقر موحد ابطی، قم، مؤسسه الإمام الهادی، پنجم، ۱۴۲۳ ق، ص ۶۱۳-۶۱۵.
۲. اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله، منصور پهلوان، علوم حدیث، س ۴، ش ۲، پی در پی ۱۲، تابستان ۱۳۷۸ ش، ص ۴۶.

۳. با این همه در اسناد و اجازات صحیفه سه طریق دیگر را برای روایت صحیفه بر شمرده‌اند، اما متأسفانه تا این زمان دست‌نوشته‌ای از آنها پیدا نشده است:

الف. طریق ماجد بن محمد حسینی دشتکی، از پدراناش و در نهایت از محمد بن زید، از زید بن علی از امام سجاد علیه السلام، ر. ک: *بحار الأنوار*، ج ۱۰۷، ص ۹۵.

ب. سید مرتضی زبیدی، از پدراناش که منتهی می‌شود به امام هادی علیه السلام و دیگر امامان تا امام سجاد علیه السلام، ر. ک: *إتحاف السادة المتقين*، ج ۴، ص ۴۸۰.

به این دو طریق در دیگر مآخذ اشاره شده است، اما تاکنون از طریق سوم کسی یاد نکرده بود:
ج. شیخ مفید، که آن را از مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

قال أخبرني أبو الحسن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، قال: حدثني أبي، قال: حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، قال: سألت أبا عبد الله جعفر بن محمد علیه السلام أن يعلمني دعاء أدعو به في المهمات، فأخرج إليّ أوراقاً من صحيفة عتيقة، فقال: انتسخ ما فيها فهو دعاء جدي علي بن الحسين زين العابدين علیه السلام للمهمات، فكتبت ذلك على وجهه، فلما كتبت شي قط وأهمني إلا دعوت به، ففرج الله همّي وكشف غمي وكرهني، وأعطاني سؤلي، و هو: اللهم هديتني فلهوت...

الأمالي شيخ مفيد، تحقيق: حسين استاد ولی و علی اکبر غفاری، لبنان، دار المفید، دوم، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۳۹-۲۴۴ (مجلس ۲۷ به تاریخ دوشنبه ۹ رمضان ۴۰۹ ق).

صحیفه آمده است، کتاب را از یحیی بن زید و امام صادق علیه السلام می‌گیرد و برای فرزندش عمیر بازگو می‌کند.
 بنا بر آنچه تاکنون می‌دانیم، شش نفر، بی‌واسطه صحیفه را از عمیر روایت می‌کنند که تفصیل چگونگی روایت و دست‌نویس‌های آنها بدین قرار است:

۱/۱. ابن اعلم (علی بن نعمان اعلم)

روایت ابن اعلم همان روایت مشهور صحیفه سجادیه است که با روایت ابن مطهر آمیخته شده. حضور ابوالمفضل محمد شیبانی در سلسله راویان هر دو سند، علت این امر است.

از روایت مستقل ابن اعلم از طریق شیبانی دو نسخه می‌شناسیم:

۱. کتاب‌خانه کاخ موزه گلستان، ش ۲۱۰۵، نسخ و ثلث ممتاز، به خط خوش‌نویس مشهور یاقوت بن عبد الله مستعصمی، ۹۴ق در میافارقین، این نسخه قبلاً در خزانه شمس المله و الدین عبد الله بن حاکم محمد بن سلیمان ابن مجلی بوده و بعداً به کتاب‌خانه سلطنتی ایران رسیده، با تاریخ ثبت ۱۲۸۲ق در کتابچه کتاب‌خانه و سجع مهر ناصر الدین شاه در پشت برگ اول، دارای تزئینات و جدول و حواشی، نسخه ۵۱ دعا دارد و سند آن چنین است:

حدَّثنا الشيخ أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني، و أملاً علينا أوله في مسجد الشرقية يوم الثلاثاء تست^۱ ليال خلون من ذي الحجة سنة خمس و ثلاثمئة، و قرأنا عليه باقيه في داره بمرعة خاقان و نسخه من كتابه، قال: حدَّثنا الشريف أبو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن أمير المؤمنين....

۱۶۶ برگ ۱۲ سطر. ۲.

۱. در فهرست چنین است و شاید «لست» یا «تسع» باشد.

۲. فهرست کتب دینی و مذهبی خطی کتاب‌خانه سلطنتی، بدری آتابای، تهران، کتاب‌خانه سلطنتی، ۱۳۵۲ش، ۴۰

۲. کتابخانه ایاصوفیا استانبول ترکیه، ش ۱۹۴۶، نسخ زیبا، ۷ ربیع الاول ۱۲۹۷ ق، در مدینه السلام بغداد، نام کاتب پاک شده، نسخه سلطنتی است و برای خزانه یکی از بزرگان نوشته شده ۵۴ دعا، ۱۲۴ برگ، ۱۰ سطر.^۱

از رویان شاخص صحیفه سجاده از ابن اعلم، ابو المفضل محمد بن عبد الله شیبانی است که این کتاب را برای ۵ نفر روایت کرده.^۲ بجز صحیفه مشهور، از این روایت‌ها اکنون دست‌نویس‌های سه طریق، شناسایی شده‌اند:

یکی طریق ابن غضائری که مسیر روایت ابن ادريس از او می‌گذرد و در قسمت دیگر این یادداشت، مفصلاً ذکر آن خواهد آمد.

دیگری طریق ابن اشناس که این نسخه‌ها را از آن می‌شناسیم:

۱. مجموعه فخر الدین نصیری امینی در تهران، رساله اول مجموعه، ص ۱۵۸-۱، نسخ، محمد بن محمد عبد القهار شیرازی، رمضان ۷۶۱ ق، به همراه ترجمه فارسی زیرنویس که در همان تاریخ نوشته شده است. عکسی از آن به شماره ۵۶ در کتابخانه محقق طباطبایی قم موجود است.^۳

۲. کتابخانه محمد کاظمینی یزد، ش ۴۳۴، نسخ، عبد الرحیم بن

ص ۷۸۷-۷۸۹.

۱. فهرست نسخه‌های خطی، سید عبد العزیز طباطبایی، نسخه خطی محفوظ در کتابخانه آیه الله مرعشی، ص ۷۴، ش ۴۱۷۲.

۲. آنها عبارت‌اند از: محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، حسن بن محمد بن اشناس، حسین بن عبید الله غضائری، ابو الحسین محمد بن هارون تلعلکیری، ابو منصور محمد بن محمد عکبری معذل (روایت صحیفه مشهور از همین طریق نقل شده است).

در مورد شاگردان شیبانی و روایاتشان ر.ک: صحیفه سجاده: روایت حسین بن اشکیب، مقدمه: سید احمد سجادی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمی اصفهان، ۱۳۸۳ ش، ص ۳۴-۳۶.

۳. المحقق الطباطبائي في ذكره السنوية الأولى، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۴۴۵ و گنجینه خطوط علما و دانشمندان، فخر الدین نصیری امینی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۰۳۸-۱۰۳۹.

شمس خلوتی تبریزی مشرقی، ۷۹۱ق، عناوین داخل کتیبه و سرخ، با ترجمه زیرنویس کهن، ۱۵۴ برگ، ۱۰ سطر.^۱

درباره ترجمه این دو نسخه در ادامه توضیحاتی خواهد آمد.

۳. کتاب خانه افشین عاطفی کاشان، ش ۸۲، نسخ معرب، محمد تقی بن رفیع الدین بن علی غفاری قاسانی، ۱۰ جمادی الثانی ۱۰۴۹ق (پایان ملحقات) و ۱۷ جمادی الآخر همان سال (پایان اوراد)، با ترجمه زیر سطور به سنگرف، تصحیح شده، با امضای بلاغ در پایان و یادداشت مقابله از خلیل طیب، ۲۰۲ برگ، ۹ سطر.^۲

۴. آستان قدس رضوی، ش ۳۲۱۴، نسخ، جمادی الثانی ۱۰۸۶ق، با تزئینات، به همراه ترجمه فارسی بین سطور، ۲۲۳ برگ، ۱۴ سطر.^۳

۵. کتاب خانه آیه الله حسین خادمی اصفهان.

سند صحیفه به روایت ابن اشناس این گونه آغاز می شود:

أخبرنا أبو علي الحسن بن محمد بن إسماعيل بن أشناس البزاز، قرأته عليه فأقرّ به، قال: حدّثنا أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني، قال: حدّثنا الشريف أبو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن...

از روایت ابن اشناس، میرداماد^۴، افندی^۵ و سید علی خان مدنی^۶

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۲۱.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه افشین عاطفی (کاشان-ایران)، سید صادق حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵ش، ص ۷۱.

۳. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، محمد وفادار مرادی، مشهد، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۵، ص ۳۵۱-۳۵۲.

۴. حاشیه‌ی الصحیفة السجادية، میرداماد، تحقیق: سید مهدی رجایی، به سعی و اهتمام سید محمود میردامادی، اصفهان، مهدیه میرداماد، ۱۴۰۶ق، ص ۴۶-۴۷.

۵. الصحیفة السجادية الثالثة، میرزا عبد الله افندی اصفهانی، قم، مکتبه الثقلین القرآن و العترة، افست از چاپ سنگی، ۱۴۰۰ق، ص ۱۲.

۶. ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، تحقیق: سید محسن حسینی امینی، قم، جامعه مدرسین

یاد کرده‌اند.

و در نهایت روایت محمد بن محمد عکبری که یک نسخه از آن در دست داریم:

در کتاب‌خانه غربی جامع کبیر صنعای یمن، ش ۵۳/تصوف، نسخ، عبد الوهاب بن صلاح المديخي الشرفي، چهارشنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۰۵۹ ق، ۱۵۴ برگ، با این آغاز:

أخبرنا الشيخ أبو منصور محمد بن محمد بن عبد العزيز العکبري في صفر سنة سبع و ستين و ثلاثمئة، قال: حَدَّثَنَا أَبُو المفضل محمد بن عبد المطلب الشيباني

این نسخه با دعای ۴۲ صحیفه رایج پایان می‌یابد.^۱

۱/۲. ابن مطهر (محمد بن احمد بن مطهر)

تنها دست‌نویس مستقل این روایت به شماره ۳۶۸۵ در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نگهداری می‌شود.^۲

نسخ معرب، حسین بن محمد حسنی شیرازی، جمعه ۱۱ ربیع الآخر ۶۹۵ ق در موصل، به رسم خزانه شرف الدین حسین، عناوین دعاها زرین، در حاشیه تصحیح شده است، تملک فرهاد میرزا در ۱۳ ربیع الاول ۱۲۹۲ ق روی برگ اول آن به چشم می‌خورد، ۷۳ برگ، ۹ سطر.^۳ این نسخه ۴۱ دعا دارد و سند آن این گونه است:

قال أبو المفضل: حَدَّثَنَا محمد بن الحسن بن روزبه بن أبو بکر

۱. حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۵۴.

۲. فهرس مخطوطات المكتبة الغربية بالجامع الكبير بصنعاء، احمد محمد عيسوى و محمد سعيد المليح، یمن، مجلس القيادة الهيئة العامة للأثار و دور الکتب، ۱۳۹۸ ق، ص ۳۷۴.

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره این روایت ر. ک: صحیفه سجاده، روایت حسین بن اشکب، ص ۳۰-۳۲.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، قم، کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۰، ص ۸۱-۸۲.

المدائنی الکاتب نزیل الرحبة فی داره، قال: حدّثنی محمد بن أحمد بن مسلم المظهری، قال: حدّثنی أبی، عن عمیر بن المتوکل بن هارون البلخی، عن أبیه المتوکل بن هارون، قال: أملى علی سیدی الصادق جعفر بن محمد، قال: أملى جدّی علی بن الحسین علی أبی محمد بن علی بمشهد منی، قال: وکان من دعائه إذا ابتدأ بالدعاء بدأ بالتحمید لله عزوجل.

۳ / ۱. ابن مالک (علی بن مالک)

شیخ طوسی نخستین کسی است که از این روایت یاد کرده^۱ و بقیه بزرگان به نقل گفتار او بسنده کرده‌اند.^۲ ظاهراً تا پیش از یافتن دست‌نویس‌های کتاب، تنها میرزا عبد الله افندی اصفهانی دست‌نوشته‌ای از آن را در بحرین دیده بود.

در هر صورت از روایتی که مدت‌ها مفقود بود در سال‌های اخیر چهار دست‌نویس یافت شده است:

- ۱ - آستان قدس رضوی، شماره ۱۲۴۰۵، رساله چهارم مجموعه، ۷۷۸-۳۹۵، نسخ، حسن بن ابراهیم بن محمد زامی هیصمی، شوال ۱۴۱۶ق، این نسخه حاوی ۳۸ دعا با این سند است:

قال الأستاذ أبو بکر محمد بن علی الکرمانی رحمته الله: أخبرنا بندار بن یحیی بزوزن، قال: أخبرني أبو الحسن محمد بن یحیی بن سهل الرهني، قال: حدّثنا أبو علی محمد بن همام بن سهیل الإسکافي.

۱. رجال الطوسي، تحقیق: جواد فیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۵ق، ص ۴۳۴.

۲. از جمله رجال ابن داود، ابن داود حلی، تحقیق: سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ق، ص ۱۴۰؛ جامع الرواة، محمدعلی اردبیلی، مکتبه المحدثی، ج ۱، ص ۵۹۶؛ نقد الرجال، مصطفی بن حسین نفرشی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۹۱؛ طرائف المقال، سید علی اصغر بروجردي، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۰۹؛ معجم رجال الحديث، آیه الله خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ص ۱۲۵.

قال: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَالِكٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ عَمِيرِ بْنِ الْمُتَوَكِّلِ بْنِ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْمُتَوَكِّلُ، قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ....

در برگ ۸۰b سلسله سند کاتب نسخه تا راوی اول چنین آمده است:
أَجَازَ لِي أَخِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلْمَةَ الْفَرَاهَاذِجِيِّ -
سَلَّمَ اللَّهُ - أَنْ أُرَوِيَ الصَّحِيفَةَ بِتَمَامِهَا عَنْ أَبِي بَكْرِ الْكَرْمَانِيِّ رحمه الله
بروایتی عن رجاله كما كتبناه صح.

در صفحه عنوان (برگ ۳۹b) نام کتاب چنین آمده است:
کتاب فی الدعوات من قِبَلِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ جَدِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الصادقِ أَبُو عَلِيٍّ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ - وَ يُسَمَّى كِتَابَ الْكَامِلِ؛ لِحَسَنِ مَا
فِيهِ مِنَ الدَّعَوَاتِ.^۱

۱. این یادداشت کهن ترین اشاره به وجه تسمیه «کامله» بودن صحیفه است. سید علی خان مدنی هم در ریاض السالکین (ج ۱، ص ۱۰۰) بدان اشاره می‌کند:

و وصفها بالکاملة، لکمالها فيما ألقت له، أو لکمال مؤلفها على حدّ «کل شیء من الجمیل جمیل».
این که بعدها آیه الله مرعشی وجود صحیفه ناقصه‌ای در میان زیدیان را توجیه کامله خواندن صحیفه مشهور عنوان نمود، ظاهراً باید با تردید همراه باشد:
و جه تلقب الصحیفه السجادیة بالکاملة، علی ما سمعته من السید جمال الدین الکوکیانی، أنه توجد عند الزیدية هذه الصحیفه، لكنها لیست بتامة، تنقص عن هذه و تقرب من نصفها، واشتهرت هذه بالکاملة فی قبال تلك، والله العالم.

صحیفه سجادیه با مقدمه: آیه الله مرعشی و سید محمد مشکات، به خط طاهر خوشنویس، با تصحیح و مقابله و انتشار: محمد آخوندی، تهران، ۱۳۶۱ق، ص کط؛ و باز چاپ آن در «مقدمتان توثیقیتان حول الصحیفه السجادیة»، مجله علوم الحدیث، س ۲، ش ۳، محرم - جمادی الآخر ۱۴۱۹ق، ص ۵۰-۵۱.
زیرا تاکنون نسخه‌ای که با نام «صحیفه ناقصه» عرضه شده باشد، سراغ نداریم. یک نسخه‌ای هم که بدون هیچ توضیح و ذکر آغاز و انجام با عنوان «الصحیفه السجادیة الصغری» در مکتبه آل الهاشمی در رجهان - صعدہ معرفی شده (ر.ک: مصادر التراث فی المکتبات الخاصة فی الیمن، ج ۱، ص ۳۸۱)، همان صحیفه سجادیه معروف است با سند شیخ طوسی و حواشی ابن ادریس که در پایان همین نوشته مفصلاً معرفی می‌شود و در واقع اشتباه فهرست‌نگار است.

در واقع صحیفه‌ای که در میان زیدیه رواج دارد همان است که با سند «حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُ نَجْمُ الدِّينِ بَهَاءُ الشَّرَفِ» آغاز می‌شود. یعنی از طریق شیعه امامیه و به طور خاص یا از طریق شهید اول. به این مطلب در چندین دست‌نویس که در یمن کتابت شده‌اند، اشاره شده است. از جمله در انجنامه نسخه ش ۱۷۳۶ مکتبه الغریبه جامع کبیر صنعاً چنین

کاتب متن صحیفه را از آغاز تا انتها با اسماعیل بن محمد قفال مقابله کرده است (برگ ۷۹a):

مقابل من أول الكتاب إلى هاهنا بالأصل بقراءة أخي إسماعيل بن محمد القفال أئده الله، بارک الله فيه لمن نظر فيه مستفيداً.

نسخه را امام ابو عبد الله احمد بن ابی عمر زاهد اندرابی با تولیت عمر بن محمد حامدی بر مدرسه شیخ خود امام ابو محمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام طحیری وقف نموده است (برگ ۸۰b)، وی نسخه را بر شیخ خود قرائت کرده و از او اجازه سماع دریافت کرده است (برگ ۷۲a). در همان برگ نام عالمان دیگری هم که در هنگام سماع حضور داشتند بدین ترتیب آمده است: ابو القاسم عبد الله بن احمد اندرابی، علی بن ابی نصر ملقب به نخبه، احمد بن عبد الرحمن شبشادی، علی جعفر نوذری، ابو محمد مظفر بن سعید محمدآبادی، احمد بن حسین بن جعفر طحیری، ابو منصور حسین بن اسحاق حاضینی، ابو الحسن عبد الرحیم بن محمد جزی. این سماع در یکشنبه ۱۰ رمضان ۴۲۷ق در همان مدرسه که از مدارس کرامی

«آمده است: «قال في الأم: نقلت هذه النسخة من نسخة بخط... احمد بن محمد بن صلاح... يذكر فيها ما لفظه نقلت هذه الصحيفة الكاملة الشريفة من خط... محمد بن مكي الشهير بالشهيد... و عارضتها ايضا بنسخة نقلتها منها و من غيرها». و همین طور در انجامه نسخه ۱۷۳۷ همان جا: «نقلت هذه الصحيفة من خط الشيخ احمد (؟ کذا) بن مكي الشهيد». ر. ک: فهرس المخطوطات اليمنية لدار المخطوطات والمكتبة الغربية بالجامع الكبير صنعاء، اعداد احمد محمد عيسوي و احمد يحيى النماری و...، قم، کتابخانه آية الله مرعشي و مرکز دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۸۹۷-۸۹۹.

حتی صحیفه‌ای که مؤسسه‌ی امام زید به چاپ رسانده، همانند نسخه شیعیان و با همان اسناد است که برای زیدی نشان دادن آن، در مقدمه تلاش کرده‌اند، تمامی راویان صحیفه از جمله بهاء الشرف و عکبری و ابن اعلم و شیبانی و... را زیدی معرفی کنند.

برای مشخصات نسخه‌های بیشتری از صحیفه متداول که در کتابخانه‌های یمن نگهداری می‌شود ر. ک: فهرس المخطوطات اليمنية لدار المخطوطات والمكتبة الغربية بالجامع الكبير صنعاء، ج ۱، ص ۸۹۷-۹۰۰ (نسخه)؛ مصادر التراث في المكتبات الخاصة في اليمن، ج ۱، ص ۲۴۹ و ۱۴۳ و ۳۸۱ و ۴۸۴ و ۴۴۵ (نسخه)، ج ۲، ص ۱۳۵ و ۱۹۹ و ۲۸۵ و ۳۰۲ (نسخه)؛ فهرس مخطوطات المكتبة الغربية بالجامع الكبير بصنعاء، احمد محمد عيسوي و محمد سعيد المليح، یمن، مجلس القيادة الهیئة العامة للآثار و دور الكتب، ۱۳۹۸ق، ص ۳۷۳-۳۷۴ (نسخه).

نیشابور بوده، پایان یافته است. در برگ ۳۳b هم اجازه سماع و قرائت دیگری آمده است.^۱

این نسخه تاکنون کهن ترین الصیفة السجادية دست نویس شناخته شده در جهان است.

۲. کتاب خانه آیه الله مرعشی قم، شماره ۱۹۸، نسخ، قرن دهم هجری، این نسخه با این سند آغاز می شود:

حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ بْنُ هَمَّامٍ بْنُ سَهْلٍ الْإِسْكَافِيُّ بِبَغْدَادَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَالِكٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ عَمِيرِ بْنِ الْمُتَوَكِّلِ بْنِ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْمُتَوَكِّلُ، قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى بْنَ زَيْدٍ بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ....

دارای ۳۸ دعا، بر فراز برگ ۲۱b نسخه چنین آمده است:

بلغ عند مستجمع العلوم شيخ الإسلام والمسلمين زين العلة والدين، مدّ ظله، وأيّده الله تعالى.

که ظاهراً مراد شهید ثانی (۹۶۰ق) باشد. در حاشیه تصحیح شده، ۷۸ برگ، ۱۱ سطر.^۲

۱. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۳۳۲-۳۳۸؛ چند نسخه خطی باقیمانده از یک مدرسه کرامیه نیشابور، محمدکاظم رحمتی، آینه میراث، دوره جدید، س ۴، ش ۴، پیاپی ۳۲، بهار ۱۳۸۵ش، ص ۱۶۷-۱۷۷.

صیفة سجادية از روی این نسخه دو بار چاپ شده است:

الف. با تقدیم و تحقیق کاظم شانچی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش، ۱۸۷ ص.

ب. با مقدمه و تحقیق سید احمد فهری، دمشق، مطبعة الشام، ۲۳۶ ص.

همچنین در مقاله های زیر از این نسخه و خصوصیات آن یاد شده است، رک: پژوهشی درباره کرامیه، محمدکاظم رحمتی، کتاب ماه دین، سال چهارم، شماره هفتم، پی در پی ۴۳، اردیبهشت ۱۳۸۰ش، ص ۶۶؛ نکاتی در مورد نسخه های کرامی مدفون در حرم رضوی، رحمت سیرجانی [محمدکاظم رحمتی]، آینه پژوهش، ش ۶۴، ص ۸۲-۸۳.

۲. فهرست نسخه های خطی کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۵۴ش، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۳. همان کتاب‌خانه، شماره ۱۲۹۰۹، نسخ، بهاء الدین محمد بن محمد تقی، غزّه ذی القعدة ۱۱۰۰ق در عبد العظیم، از روی نسخه‌ای که در ۴۹۶ق کتابت شده بود، با تصحیح در حواشی، سند آن مانند نسخه قبل است، ۶۳ برگ، ۱۴ سطر.^۱

۴. مرکز احیاء میراث اسلامی قم، شماره ۳۱۳۹، نسخ، سده ۱۱ق، کاتب نسخه را تصحیح کرده است، با این سلسله سند:

يقول فضل الله بن علي بن عبيد الله بن محمد الحسني، أخبرني الشيخ الإمام أبو جعفر محمد بن علي بن الحسن المقرئ النيسابوري قراءةً براوند، قال: أخبرني الشيخ الأديب الحسن بن يعقوب بن أحمد النيسابوري، قال: أخبرنا الحاكم العالم أبو القاسم عبيد الله بن عبد الله الحسكاني، قال: أخبرنا السيد أبو منصور الظفر بن محمد العلوي، قال: حدّثنا أبو القاسم عبد الله بن يحيى وأبو الحسين الطويل الكرمانی، قال: حدّثنا أبو الحسين بن محمد بن بحر الرهني، قال: أخبرني الحسن بن يعقوب، قال: أخبرنا الحاكم أبو القاسم أيضاً، قال: أخبرني أبو سعيد کرمان بن محمد بن عبد الله بن کرمان التاجر الكرمانی أنّ خاله أبا منصور يحيى بن أحمد بن شيرويه أخبره، قال: حدّثني أبو طاهر أحمد بن عبد الله البغوي بني ماسير، قال: حدّثنا أبو علي محمد بن همام بن سهيل الإسكافي ببغداد، قال: حدّثنا علي بن مالك، عن أحمد بن عبد الله، قال: حدّثنا محمد بن صالح، عن عمير بن المتوكل بن هارون....

۵۶ برگ، ۱۴ سطر.

۵. دانشکده‌ی الهیات تهران، شماره ۳۱۳د، نسخ، سده ۷ و ۸ق، عنوان و

« صحیفه‌ی سجادیه بر اساس این نسخه با تحقیق محمدجواد حسینی جلالی و مقدمه‌ی سید محمدحسین حسینی جلالی (قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰ش/۱۴۲۲ق، ۵۰۰ص) به چاپ رسیده است.
۱. همان، ج ۳۲، ص ۷۲۲-۷۲۳.

نشان شنگرف، ۷۸ برگ، ۲۱ سطر.^۱

سلسله اسناد این نسخه با اندکی تفاوت همانند نسخه پیشین است:
 أخبرنا الشيخ الإمام السعيد قطب الدين أبو جعفر محمد بن علي بن
 الحسين المقرئ النيسابوري رحمه الله، قال أخبرني الحسن بن يعقوب،
 قال أخبرني الأستاذ الأديب يعقوب رحمه الله، قال: حدّثنا الحاكم
 العالم أبو القاسم عبيد الله بن عبد الله الحسكاني، قال: أخبرنا السيد
 أبو منصور الظفر بن محمد العلوي، قال: حدّثنا أبو القاسم عبد الله بن
 يحيى وأبو الحسين الطويل الكرماني، قالوا: حدّثنا أبو الحسين محمد
 بن بحير الرهني رحمه الله، وأخبرني الحاكم أبو عبد الله أيضاً... (مانند
 پیشین).

میرزا عبد الله افندی اصفهانی نسخه‌ای از این روایت را در میان
 کتاب‌های شیخ سلیمان بحرانی (۱۰۷۵-۱۱۲۱ق) به تاریخ ۹۹۵ ق
 دیده بود. او از آن به عنوان روایتی غریب یاد می‌کند.^۲

۴. ابن فضل (ابو عیسی عبيد الله بن فضل بن محمد بن هلال نبهانی)

تنها دست‌نویس این روایت به شماره ۲۸۱۹ در کتاب‌خانه ایا صوفیه
 استانبول نگهداری می‌شود و به صورت عکسی چاپ شده است.^۳
 سند این نسخه این گونه آغاز می‌شود:

أخبرنا الشريف الجليل أبو ابراهيم أحمد بن القاسم بن الميمون، قال:
 حدّثني جدّي أبو القاسم الميمون بن حمزة بن الحسين الحسيني،
 قال: أخبرنا عبيد الله بن الفضل، عن عمر [عمير] بن المتوكل بن
 هارون البلخي، قال: حدّثني أبي، قال: لقيت يحيى بن زيد.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، سید محمدباقر حجتی، با
 تحقیق و نظارت: محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ش، ج ۱، ص ۶۰۵. در فهرست به این سند
 اشاره‌ای نشده است.

۲. الفوائد الطريفة، عبد الله افندی اصفهانی، محقق: سید مهدی رجایی، قم، کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵ش،
 ص ۵۱۲.

۳. الصحیفة السجادية: رواية عبيد الله بن الفضل، تقديم: محمدحسین حسینی جلالی، شیکاگو، The open
 scool، ۱۴۲۴ق.

از آن جا که همگی راویان این سند اهل مصر بودند و دور از مرکز شیعیان، از این روایت در هیچ یک از کتب شیعی نامی نیامده است.^۱

۵. ابن حمّاد (علی بن حمّاد بن العلاء)

از این روایت تنها در اجازه‌ی محمد بن شهاب الدین احمد بن نعمه الله بن خاتون عاملی به سید ابراهیم بن حسین حسینی همدانی یاد شده است.^۲

۶. ابن اشکیب (حسین بن اشکیب مروزی)

از میان پیشینیان فقط میرزا عبد الله افندی نسخه‌ای از این روایت را به خط ابن مقله مشاهده^۳ و دعای نوزدهم آن را در صحیفه‌ی ثالثه خود نقل کرده است.^۴

تا چندی پیش، از این روایت هیچ اثری موجود نبود، تا این که در سال ۱۳۸۳ش بر اساس نسخه‌ی منحصر آن در کتابخانه‌ی آیه الله سید محمدعلی روضاتی به چاپ رسید.^۵

این دست‌نویس به خط محمدباقر حسینی سلطانی شوشتری در ۱۲۳۱ق استنساخ شده و سید امیر ذوالفقار، آن را به شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) تقدیم کرده است. در ۱۳۸ برگ ۹ سطری.

روایت ابن اشکیب ۴۴ دعا دارد و سلسله سند آن این گونه است:

قال: حدّثني محمد بن الوارث، قال: حدّثنا الحسين بن إشکيب، عن

عمير بن هارون بن المتوكل البلخي، قال: حدّثني أبي

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک: صحیفه‌ی سجادیة: روایت حسین بن اشکیب، ص ۴۲-۴۴.

۲. برای متن آن ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۶، ص ۱۰۵.

۳. الصحیفه السجادیة الثالثة، میرزا عبد الله افندی اصفهانی، ص ۱۱.

۴. همان، ص ۸۵۸۴.

۵. صحیفه‌ی سجادیة: روایت حسین بن اشکیب، مقدمه: سید احمد سجادی، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۳۸۳ش، ۲۱۹ ص. به همراه نسخه برگردان دست‌نویس کتابخانه‌ی علامه روضاتی.

اخیراً نسخه مذهب و نفیس دیگری از این روایت در کتابخانه کاشف
القطای نجف شناسایی شده است.

۲. دوره رواج نزد خواص (از ۵۱۶ ق تا زمان محمدتقی مجلسی)

پس از آن که روایت به هم آمیخته ابن اعلم و ابن مطهر، به نقل از بهاء
الشرف، به گونه‌ای فراگیر مورد توجه قرار گرفت؛ نزدیک به ۵ قرن
این کتاب تنها نزد خواص و بزرگان رایج بود.

عمده فعالیت‌ها در این دوران بر محور کتابت و استنساخ و مقابله
نسخه‌های صحیفه می‌گردد. و بسیاری از بزرگان به رونویسی و
نسخه‌برداری از صحیفه سجاده روی آورده‌اند. در این روند
صحیفه‌نگاری، هر دانشمندی نسخه دانشمند پیشین خود را معتمد
قرار داده و اساس کتابت خود را بر آن می‌نهاده است، به گونه‌ای که
هیچ کتاب دیگری را نظیر صحیفه سجاده نمی‌توان یافت که تا این اندازه
«عالمان کتابتگر» داشته باشد.^۱

نخستین کسی که در این دوره به کتابت صحیفه پرداخته محمد بن
ادریس حلی (۵۹۸ ق) است که در رجب ۵۷۰ ق الصحیفه الکامله را به
خط خود کتابت نمود. وی همچنین در حاشیه نسخه خود به درج
معانی لغات مشکل پرداخت و آن را به صورت رساله جداگانه‌ای
درآورد. در مورد فعالیت‌های ابن ادریس پیرامون صحیفه در ادامه
بیشتر خواهیم نوشت.

پس از ابن ادریس، ابو الحسن علی بن محمد سکونی حلی معروف به
ابن سکون (ح ۶۰۶ ق) از دانشمندانی بود که صحیفه را از بهاء الشرف
نقل و به کتابت آن پرداخت.

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: عالمان صحیفه‌نگار، ابو الفضل حافظیان، سفینه، س ۲، ش ۷، تابستان ۱۳۸۴ ش.
ص ۱۱۵، ۱۰۹.

نسخه‌ی وی را عمید الرؤساء هبة الله بن حامد بن احمد بن ایوب قرائت و تصحیح کرد. او نیز مانند ابن سکون از جمله کسانی است که صحیفه را از بهاء الشرف روایت کرده. عمید الرؤساء بر همین نسخه اجازه قرائتی برای ابو جعفر قاسم بن حسن بن محمد بن حسن بن معینه در آخر ربیع الاول ۶۰۳ ق نگاشت.^۱

نسخه ابن سکون بعدها پایه‌ای برای سدید الدین علی بن احمد حلّی شد تا صحیفه را از آن استنساخ کند. ابن سدید نسخه خود را در ذی الحجة ۶۴۳ ق با نسخه ابن سکون و در ذی القعدة ۶۵۴ ق با نسخه ابن ادریس مقابله کرد.^۲

اما محمد بن مکی عاملی، شهید اول (۷۸۶ ق) دو بار در سال‌های ۷۷۲ و ۷۷۶ ق صحیفه را کتابت کرد. تا چندی پیش اولین نسخه شهید در کتاب‌خانه ممتاز العلماء سید محمد تقی بن حسین نقوی نصیرآبادی لکهنوی نگهداری می‌شد.^۳ اما اکنون دیگر در این کتاب‌خانه نیست.^۴ کتابت این نسخه در ۱۱ شعبان ۷۷۲ ق پایان یافته و شهید آن را به فرزندش ضیاء الدین علی هدیه کرده بود. وی تصریح می‌کند که

۱. برای متن اجازه ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۲۶-۲۷ که علامه مجلسی آن را از نسخه‌ای به خط حسین بن حسن بن حسین بن محمد قصبانی به تاریخ ۳۳۳ ق (ثلاث و ثلاثین و ثلاثه که احتمالاً ۸۳۳ صحیح و ثمانه تصحیف شده باشد) نقل کرده است.

کهن‌ترین جایی که می‌توان متن این اجازه را یافت، برگ آغازین صحیفه سجادیه به شماره ۱۳۱۴۰ در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی مورخ ۸۵۳ هجری است. برای اطلاعات بیشتر در مورد این دست‌نویس و مشخصات دیگرش ر. ک: فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی نجفی، با همکاری میر محمود موسوی، قم، کتاب‌خانه آیه الله مرعشی، ۱۳۸۴ ش، ج ۳۳، ص ۲۷۱-۲۷۳.

۲. برای یادداشت‌های ابن سدید درباره مقابله نسخه‌اش ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۵، ص ۱۳۴.

۳. الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۹؛ صحیفه المکتبه، عبدالحسین امینی، نجف، مکتبه الإمام امیر المؤمنین العامة، ۱۳۷۳ ق، ش ۲، ص ۳۲. سید اعجاز حسین (۱۲۸۶ ق) هم موفق به دیدار این نسخه شده بود. ر. ک: کشف الحجب و الأستار، ص ۳۶۷-۳۶۹.

۴. ظاهراً هم اکنون به یکی از کتاب‌خانه‌های سوریه منتقل شده است. نسخه تصویری آن در کتاب‌خانه آیه الله گلپایگانی، ش ۲۹ و مرکز احیاء میراث اسلامی، ش ۳۸۳۸ نگهداری می‌شود.

صحیفه خود را از خط ابن سدید نقل کرده است (برگ ۱a):

نقلت هذه الصحيفة من خط علي بن أحمد السديد، و فرغت في
حادي عشر شعبان سنة اثنتين و سبعين و سبعمئة.

و پس از مقابله در همان صفحه می نویسد:

عارضتها بأصلها المذكور، و فيها مواضع مهمة التقييد، فنقلتها على
ما هي عليه، والحمد لله و صلواته و سلامه على سيدنا محمد و آله، و
كتب محمد بن مكّي.^۱

شهید ظاهراً ملحقاتی هم برای دعاهاى صحیفه ترتیب داده بود که
نسخه‌ای از آن در مجموعه‌ای شخصی در مشهد موجود است. این
دعاها در ۷ برگ با عنوان «مما ألحق بعض الصحيفة من ملحقات الشهيد
الأول» نوشته شده‌اند.^۲

بنا به تصریح علامه مجلسی، شمس الدین محمد بن علی جبعی
(۸۸۶ق) جد پدر شیخ بهایی از نسخه شهید رونویسی تهیه کرد. این
کتابت بر اساس نسخه اول شهید (۷۷۲ق) صورت گرفت و با نسخه
دوم او (۷۷۶ق) مقابله شد.^۳

نسخه جبعی در شنبه اول ماه رمضان ۸۵۱ق به پایان رسیده و در انجام
آن تمامی یادداشت‌های نسخه شهید نقل گردیده است.^۴

۱. برای معرفی این نسخه ر. ک: پژوهشی در نسخه شهید اول از صحیفه سجاده، سید حسن موسوی بروجردی،

ترجمه محمود نظری، سفینه، س ۲، ش ۷، تابستان ۱۳۸۴ش، ص ۱۰۸۶۳.

۲. اطلاع من از این مجموعه به لطف دوست گرامی آقای عبد الله غفرانی حاصل شد.

۳. دو دست‌نویس رونویس و مقابله شده با نسخه جباعی را با این مشخصات می‌شناسیم: ۱. مرکز احیاء میراث
اسلامی، ش ۱۱۷۰، ابوالمعالی خانیساری (خوانساری)، ۱۴۰۱ق، نظام الدین قرشی ساوجی آن را با نسخه محمد بن
علی بن حسن جبعی مقابله و تصحیح کرده است، با نشانی بلاغ و نقل یادداشت‌های آن نسخه. فهرست نسخه‌های
خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸۰ش، ج ۳، ص
۴۱۹ - ۴۲۱. ۲. آستان قدس رضوی، ش ۳۲۱۳، محمدصادق تبریزی، در ۱۰۷۱ق از روی آن کتابت شده است.

فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۳۴۳.

۴. برای متن آنها ر. ک: بحار الآثار، ج ۱۰۷، ص ۲۱۱-۲۱۲.

او این نسخه را بر علی بن علی بن محمد بن طی خوانده و پس از پایان در ۴ رمضان ۸۵۱ ق اجازه‌ی روایت آن را دریافت کرده است.^۱

نسخه‌ی جبعی تا سال‌ها در خاندان او باقی ماند به گونه‌ای که در اوایل سده ۱۱ ق در اختیار شیخ بهایی قرار گرفت. وی نیز آن را به محمد تقی مجلسی سپرد و پس از او به دست پسرش محمد باقر و بعدها نواده‌اش محمد حسین خاتون‌آبادی رسید.

محمد باقر مجلسی به هنگام یادکرد طریق و جاده‌اش در روایت صحیفه به این سخن اشاره می‌کند:

فأما من طريق الوجدادة، فإني وجدتها بخط والدي العلامة - قدس الله روحه - وقد نقلها من خط الشيخ صاحب الكرامات والمقامات شمس الدين محمد جد شيخنا البهائي - قدس الله أرواحهم - وقد يسر الله لي هذه النسخة الشريفة، وعرضت أنا أيضاً نسختي عليها و هي الآن عندي، ونقلها هو من خط الشيخ السعيد الشهيد محمد بن مكّي نور الله ضريحه.^۲

از آن جا که بعدها این نسخه اساس نسخه‌ی مجلسی اول و دوم قرار گرفت، همه‌ی نسخه‌هایی که در اوایل سده ۱۱ ق کتابت شدند در واقع نسب بدان می‌برند و به تعبیری مادر نسخه‌ی تمامی کتابت‌های بعدی صحیفه است.

محمد حسین خاتون‌آبادی، سبط علامه‌ی مجلسی که نسخه‌ی جباعی در اختیار او قرار گرفته بود،^۳ در این باره می‌نویسد:

۱. برای متن ر. ک: همان، ج ۱۰۷، ص ۲۱۳.

۲. ملحقات صحیفه‌ی سجادیه، محمد باقر مجلسی، کتاب‌خانه‌ی مجلس شورای اسلامی، ش ۹۹۶۲، برگ ۱۷۰۵. مجلسی در ابتدای آن نوشته که طرق روایت خود را به تفصیل در جلد ۲۵ بحار الأنوار و الفرائد الطریفه ذکر کرده است، بنا بر این در این جا برترین و مطمئن‌ترین آنها (اعلاها وأوثقها) را می‌آورد.

۳. مناقب الفضلاء، میر محمد حسین خاتون‌آبادی، تحقیق جویا جهان‌بخش، در میراث حدیث شیعه قم، دار الحدیث، ۱۳۷۸ ش، ج ۴، ص ۵۰۳.

و بدان که دست‌نوشته‌های صحیفه مشهور که در میان مردمان است، برگرفته از دست‌نوشته شیخ بهایی است و آن دست‌نوشته به خط نیای دانشور زهدپیشه‌اش، صاحب کرامات و مقامات، شیخ محمد بن علی بن حسن جبای است.^۱

او همچنین ملحقات مشهور صحیفه سجاده را در سال‌های ۸۵۱-۸۵۲ در مجموعه‌ای از نوشته‌هایش کتابت کرده که دست‌نویس آن به خط خودش در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۸۹۳۲ موجود است.^۲

ملحقات با عنوان «مِمَّا الْحَقَّ بَعْضُ نَسَخِ الصَّحِيفَةِ»، شامل این دعاهاست: مِنْ تَسْبِيحِهِ ﷺ با آغاز سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَحَنَانِيكَ، دعاؤه تَمْجِيد لَهُ ﷺ، فِي التَّذَلُّلِ، فِي ذِكْرِ آلِ مُحَمَّدٍ، فِي الصَّلَاةِ عَلَى آدَمَ، فِي الْكَرْبِ وَالْإِقَالَةِ، مِمَّا يَخَافُهُ وَيَحْذَرُهُ، دعای ایام هفته.^۳

با این که بسیاری از دست‌نویس‌های صحیفه این چند دعا را در انتهای متن اصلی آورده‌اند، هنوز مشخص نیست در چه زمانی و به دست چه کسی تهیه شده است. اما از آن جا که نسخه جبعی مبنای استنساخ‌های دوره صفویه بوده و همه نسخه‌های بعدی آنها را با همان نام و ترتیبی که جبعی نوشته بود، ذکر کرده‌اند، می‌توان به اطمینان مأخذ شیوع و گسترش آن را نسخه جبعی دانست.

۱. همان.

۲. الشریعة إلى استدراک الذریعة، سید محمد طباطبایی بهبهانی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳ ش، ج ۱، ص ۲۵۲.

۳. مجموعه جبای، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۹۳۲، ص ۵۰-۵۵. همچنین در مجموعه دیگرش که هم اکنون به شماره ۶۰۴ در کتابخانه ملک تهران نگهداری می‌شود چند دعا از امام سجاد نقل کرده است. ر. ک: دست‌نویس مجموعه جبای، کتابخانه ملک، ص ۱۸۱، ۲۹۹-۳۱۰ و ۳۳۱-۳۳۰. برای معرفی کل مجموعه ر. ک: فهرست کتب خطی کتابخانه ملک، ج ۵، ص ۱۰۵. مجموعه سومی هم از او می‌شناسیم که در کتابخانه مدرسه آیه الله بروجردی نجف نگهداری می‌شده و آقا بزرگ تهرانی آن را معرفی کرده است. ر. ک: الذریعة، ج ۲۰، ص ۷۷-۷۹.

پیش از دست‌نوشته‌ی جمعی در سال‌های میانی سده‌ی نهم هجری (۸۵۱-۸۵۲) هیچ نشانی از این مجموعه دعا‌های الحاقی در دست نیست.

ابراهیم بن علی کفعمی (۹۰۵ق) مؤلف پرکار نیایش‌نامه‌ها و مجموعه‌های دعایی شیعی نیز در ۳ مورد به صحیفه‌ی سجادیه توجه خاص داشته است:

۱. تمامی متن آن را در انتهای کتابش *البلد الامین و الدرع الحصین گنجانده و حواشی تحقیقی مفصلی بر آن نگاشته که بسیار خواندنی و پرفایده است. وی در ۸۶۵ق از این کار فراغت یافته و آن را التوائد الشریفة فی شرح الصحیفه خوانده است. ۱* کفعمی در پایان، فهرست مفصلی از منابع خود را به دست داده که به گفته‌ی خودش بسیاری از آنها را نه گوش‌ها شنیده و نه دست‌ها لمس کرده است. این فهرست در پایان نسخه‌ی کاشف الغطاء هم تکرار شده است.^۲

۲. هم اکنون دو دست‌نویس صحیفه‌ی سجادیه را به خط او سراغ داریم که یکی از آن دو در کتاب‌خانه‌ی ناصریه‌ی لکهنو^۳ و دیگری در کتاب‌خانه‌ی عمومی کاشف الغطاء در نجف اشرف نگهداری می‌شده است.

۱. ر.ک: الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۴۶ و ج ۱۶، ص ۳۴۳ و ۳۴۷. علاوه بر نسخه‌های البلد الامین نسخه‌ای از این حواشی به صورت جداگانه در آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. برای مشخصات آن ر.ک: فهرست کتب خطی کتاب‌خانه‌ی آستان قدس رضوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۴۴ش، ج ۶، ص ۲۷۴.

۲. ظاهراً کفعمی به کتاب‌خانه‌ای وسیع و نفیس دسترسی داشته است. وی در کتاب‌های دیگرش هم به این مطلب اشاره کرده است. مثلاً در پایان *مجموع الفرائد و موضوع الغائب*، که کشکول مطالب پراکنده‌اش بوده، می‌نویسد: «جمعت من کتابنا الکبیر الذی لیس له نظیر و جمعت من الف مصنف و مؤلف».

ر.ک: *مجموع الفرائد و موضوع الغائب*، تحقیق: سید مهدی رجایی، تهران، مؤسسه انصار الحسین، ۱۴۱۲ق. و برای نسخه‌های خطی آن فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدرا یس خویی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۴ش، ج ۵، ص ۴۲۳.

۳. تاریخ صحیفه‌ی سجادیه، میرزا احمد حسن صاحب‌قبله کاظمینی، لکهنو، ۱۹۵۱م، در مقدمه‌ی صحیفه‌ی سجادیه به اردو. به نقل از عالمان صحیفه‌نگار، ص ۱۱۲. برای ابیات میر محمد عباس و احمد علی حسینی اعرجی در وصف صحیفه‌ی کفعمی به همین منبع رجوع کنید.

۳. کفعمی را می‌توان اولین کسی دانست که کوشش‌هایی برای تصحیح صحیفه به گونه انتقادی انجام داد. او در حواشی خود بر صحیفه سجادیه به نقل تمامی اختلافات می‌پردازد و گاهی یکی از آنها را با ذکر دلیل ترجیح می‌دهد. برای مثال در «دعاؤه علیه السلام لولده» ذیل عبارت «والمجازین من الظلم بعدلک» می‌نویسد:

و فی نسخه ابن إدريس «المجازین» من المجازاة و فی نسخه ابن السکون «المجارین» من الإجارة و هو أنسب؛ لتأكيد ذلك بقوله علیه السلام و العافین من البلاد برحمتک. منه ره.^۱

و یاد در همان دعا ذیل عبارت «علیک المعوّدین بالتعوّذ بک» چنین نظر می‌دهد:

و فی نسخه ابن إدريس «المعوّذین» بالذال المعجمة و هو أحسن من الدال المهملة كما فی نسخه ابن السکون؛ لدخوله فی أجناس الاشتقاق. منه رحمه الله تعالى.^۲

و موارد متعدد دیگری از این دست.

در همین دوران نزدیک به کفعمی، ابن ابی جمهور احسائی (ح ۹۰۹ ق) صحیفه کامله را به کتابت در می‌آورد که نسخه‌اش در کتاب‌خانه ناصریه لکهنو موجود بوده است.^۳

آخرین عالم بزرگواری که در سده دهم هجری به استنساخ صحیفه روی آورد زین الدین بن علی عاملی، شهید ثانی (۹۶۵ ق) بود. او در ۵ شعبان ۹۳۰ ق نسخه‌اش را به اتمام رساند و درباره خصوصیات آن چنین نوشت:

قوبلت هذه النسخة و ضبطت من نسخة شيخنا و مولانا السعيد أبي

۱. البلد الأمين والدرع الحصين، کفعمی، دست‌نویس کتاب‌خانه آیه الله گلپایگانی، ش ۱۴/۶۸۳۴، ۱۱۰۳ ق، برگ ۳۱۹b.

۲. همان.

۳. عالمان صحیفه‌نگار، ص ۱۱۳.

عبد الله الشهيد محمد بن مکی و تتبع ما فيها و علیها من الضبط و النسخ و الإعراب إلّا مواضع یسیره تحقّق وقوعها سهواً علی الخطاء. فضبطناها علی الصواب و هو کتب نسخه من خط الشيخ سدید الدین علی بن أحمد الحلبي و الشيخ سدید الدین نقل نسخه من خط ابن السکون و قابلها بنسخه الشيخ محمد بن إدريس و کل ما علی هامشها من حکایه سین و نسخه خ سین فإنه عن ابن إدريس و كذلك بین السطور، و أمّا ما کان من نسخه بلا سین فمنها ما کان هو بخط ابن السکون، و منها ما یكون بخط ابن إدريس ؑ، و ذلك مرّات متعدّدة أولها سنة تاریخ الكتاب، و الثانية سنة أربع و أربعین، و الثالثة سنة أربع و خمسين و تسعمئة.^۱

متأسفانه نسخه شهید ثانی امروزه در اختیار ما نیست و آنچه در فهرست دو کتابخانه مشهد به خط شهید نسبت داده‌اند، در واقع رونویسی از نسخه اوست که در سده ۱۱ ق تحریر و با آن مقابله تصحیح شده است.

این نسخه جزو کتاب‌های وقفی فاضل‌خان در سال ۱۰۶۵ ق بر مدرسه فاضلیه مشهد بوده که به هنگام خرابی آن مدرسه در سال ۱۳۱۰ ش به مدرسه نواب انتقال یافت و بعدها در سال ۱۳۶۳ ش به آستان قدس رضوی منتقل گردید و به شماره ۱۳۹۸۵ در کتابخانه آن نگهداری می‌شود.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۵، ص ۱۳۵-۱۳۶.

۲. ابن مطلب نادرست ابتدا در فهرست کتب کتابخانه مدرسه فاضلیه، حاج میرزا مهدی عماد فهرستی و میرزا محمود عاملی، مشهد، مطبعة خراسان، ۱۳۰۹ ش، ص ۱۶۲-۱۶۳، ش ۱۵ و فهرست نسخه‌های خطی دو کتابخانه مشهد، کاظم مدیر شانه‌چی و عبد الله نورانی و تقی بینش، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۱ ش، ص ۵۵۳ آمد و از آنها به منابع دیگر راه یافت. از جمله الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۹؛ نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادیه، از نگارنده، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۷؛ عالمان صحیفه‌نگار، ص ۱۱۳؛ نسخه‌پژوهی، ج ۲، ص ۲۴۷.

شناسایی صحیح این دست‌نوشته را مرهون دقت محمد وفادار مرادی در فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۳۳۹ هستیم.

۲/۱. ترجمه‌های فارسی صحیفه در این دوره

با توجه به این که پیش از قرن دهم فقط سه مجموعه دعای شیعی به پارسی برگردان شده،^۱ وجود چند ترجمه فارسی از صحیفه سجادیه در همین دوره نشانگر آن است که این کتاب تا چه اندازه در فضای فکری فارسی زبانان مورد اقبال و توجه بوده است.

نخستین آنها دست‌نویسی مورخ ربیع الاول ۵۱۶ق در مجموعه سید محمدباقر طباطبایی در کربلاست با ترجمه زیر سطور به فارسی که از چند و چون آن چیزی نمی‌دانیم.^۲

پس از آن کهن‌ترین گزارش‌های صحیفه به فارسی از سده هشتم هجری است. از این تاریخ این چند دست‌نویس را می‌شناسیم:

۱. این سه مجموعه عبارت‌اند از:

الف. ذخیره الآخرة، علی بن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی سبزواری (زنده در ۵۳۳ق)، تصحیح و تحقیق: سید محمد عمادی حائری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۳ش، ۲۸۹ص.

ب. نزهة الزاهد، از مؤلفی ناشناخته در سده ۶ق، به کوشش رسول جعفریان، تهران، اهل قلم و دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶ش، ۳۶۳ص.

ج. ترجمه کهن مختصر مصباح المتهجد، از مترجمی ناشناخته در سده ۶ق، برای دست‌نویس‌های آن رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید احمد حسینی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ج ۳، ص ۶۵ و ج ۱۵، ص ۳۶۰ و ج ۲۳، ص ۹۰؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، رضا استادی، قم، مسجد اعظم، ۱۳۶۵ش، ص ۸۲؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، علی صدراپی خویی، زیر نظر: عبدالحسین حائری، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش، ج ۸، ص ۳۵؛ نشریه نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۷۴۵؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم، محمدتقی دانش‌پژوه، قم، آستانه مقدسه قم، ۱۳۵۵ش، ص ۸۸-۸۹.

محمد بن علی ناموسی بخاری (سده ۸ق) هم در همین زمان‌ها کتابی در دعا به فارسی نوشته بود که هم اکنون جزو کتب مفقود است. افندی در الصحیفه السجادیة الثالثة چند دعا از امام سجاد را از این کتاب نقل می‌کند و می‌نویسد که او معاصر فخرالدین محمد پسر علامه حلی (۷۷۱ق) بوده است. رک: الذریعة، ج ۸، ص ۱۸۴؛ الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، تحقیق علی نقی منزوی، قم، انتشارات اسماعیلیان، بی تاریخ، ص ۱۹۶.

۲. مخطوطات السيد محمدباقر الطباطبائي في كربلا، سلمان هادی آل طعمه، کویت، معهد المخطوطات العربية، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۹-۱۰۸.

سرنوشت این نسخه پس از حمله آمریکا به عراق هنوز مشخص نشده است. این جانب در پرسشی که از جناب آقای سلمان هادی آل طعمه (نگارنده پرتلاش فهرست کتاب‌خانه طباطبایی و معرفی‌کننده این نسخه) داشتم ایشان هم از آن ابراز بی‌اطلاعی فرمودند.

۱. کتاب‌خانه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی قم، ش ۷۷۴، با تاریخ ۷۵۴ ق^۱، نسخه از آغاز (در اسناد) و انجام افتادگی دارد.

آغاز ترجمه دعای اول: «سپاس مر خدای را که اولی است بی اولی که بوده پیش از او و آخری است بی آخری که باشد پس از او، آن که کوتاه شد از دیدنش چشم‌های ... ناظران و عاجز شد از صفتش و هم‌های صفت‌کنندگان، بدید آورد به قدرت خویش خلق را بدید آوردنی و از نو بدید کرد ایشان [را] بر خواست خود از نو بدید آوردنی. پس راه داد به ایشان راه به خواست خویش و برانگیختشان در راه‌های دوستی خویش».

انجام ترجمه صحیفة: «خداوند کسی که صبح کرد مر او را اعتمادی یا امیدی هست غیر تو، پس به تحقیق صبح کردم من و تویی اعتماد من و امید من در کارها همگی. پس حکم کن برای من بهترین آنها از روی انجام، رهایی ده مرا از گمراه کنندگان فتنها، به رحمت خود ای مهربان‌ترین مهربانان و رحمت کناد خدای بر خداوند ما محمد که رسول خداست و برگزیده و بر آل او که پاکانند».

انجام ترجمه ملحقات صحیفة: «و این که تمام کنی احسان خود را در آنچه باقی مانده است از زندگی من چنان که احسان کرده‌ای در آنچه گذشته است از آن ای رحیم‌ترین رحم‌کنندگان».^۲

۲. مجموعه فخر الدین نصیری امینی تهران، محمد بن محمد عبد القهار شیرازی، رمضان ۷۶۱ ق، به همراه ترجمه فارسی زیرنویس در همان تاریخ. مشخصات این نسخه و نسخه بعد در ذیل نسخه‌های ابن

۱. تاریخ کتابت نسخه می‌باید سده ۱۲ و یا ۱۳ هـ باشد. این تاریخ در پایان نسخه یا مربوط به نسخه‌ای است که کاتب از آن استنساخ کرده و یا برای کهن نشان دادن بدان افزوده‌اند. در هر صورت ترجمه هم باید بررسی شود که با زبان و نوشتار سده ۸ هـ تطابق می‌کند یا خیر!؟

۲. نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفة سجادیة، ص ۴۸۴۷.

اشناس به تفصیل آمده است.

آغاز ترجمه دعای اول: «سپاس خدای را آنک پیش از همه در هست بی‌پیشی که بود پیش از او و بازپسین همه بی‌پسین که باشد پس او. آنک کوتاه شد از دیدن او چشم‌های نگرندگان و عاجز گشت از صفتش و هم‌های صفت‌کنندگان».

انجام ترجمه [دعاؤه فی التذلل، دعای ۵۳ صحیفه مشهور]: «ای خداوند من ببخشای بر من در گرد کردن من و زنده باز کردن من و بکن در آن روز با دوستان تو در ایستادنگاه من و در میان دوستان تو بازگشتن من و در همسایگی تو جای من، ای پروردگار جهانیان».

۳. کتاب‌خانه محمد کاظمینی یزد، ش ۴۳۴، نسخ، عبد الرحیم بن شمس خلوتی تبریزی مشرقی، ۷۹۱ق، با ترجمه زیرنویس کهن.^۱
آغاز ترجمه دعای اول: «سپاس آن خدایی را که اول است بی‌اول که بود یا باشد پیش از او و آخرست بی‌آخری که باشد پس از او. آنک کوتاه شد از دیدنش چشم‌های نگرندگان و عاجز شد از صفتش و هم‌های وصف‌کنندگان».

انجام ترجمه [دعاؤه فی التذلل، دعای ۵۳ صحیفه مشهور]: «و ببخشای مرا در گرد آوردن من و زنده باز کردن من و بکن در آن روز با دوستان تو در ایستادنگاه من و در میان تو بازگشتن من و در همسایگی تو جای من، ای پروردگار جهانیان».

چندین اطلاع پراکنده دیگر هم در مورد ترجمه‌های صحیفه سجاده به فارسی در این دوره در دست داریم:

از جمله ترجمه یک صفحه از صحیفه در پایان شرح قصیده برده مورخ ۸۴۳ق در دانشگاه تهران، که به نظر نمی‌رسد مربوط به زمان کتابت

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه میرزا محمد کاظمینی، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۲۱.

نسخه باشد و جدیدتر است.^۱

و نسخه‌ای از قرن ۹ ق با ترجمه زیرنویس در کتابخانه مجلس شورای اسلامی^۲ و دیگری در کتابخانه ملی^۳ هم متعلق به همین دوره‌اند که باید دقیق‌تر بررسی شوند.

آنچه هم در مجموعه علی علومی در یزد با عنوان «مناجاة العباد مع المعبود» نگهداری می‌شود مناجات‌های هفتاد و یک ایشان است. این نسخه به خط محمود بن حاجی محمد بن حاجی یوسف طیبی در دوشنبه ۱۲ ذی حجه ۸۳۲ ق کتابت شده است.^۴

از این مناجات‌های پانزده گانه تنها یک نسخه کهن‌تر می‌شناسیم که در مجموعه‌ای که برای خزانه شمس الدین محمد بن سیف الدین ایدمر جویاتی تدوین شده، موجود است.^۵ این مجموعه در نیمه‌های شوال ۷۲۲ ق به خط غازی بن علی بن قتلغ جویاتی کتابت شده و در برگه‌های b۱۱۶-b۱۲۷ در «فصل فی المناجات من کلام زین العابدین (ع)» مناجات‌های هفتاد و یک ایشان درج شده است.

نکته عجیب و قابل تأمل این است که مجموعه این دعاها پانزده گانه در هیچ یک از کتب روایی و دعایی شیعه پیش از دوره صفوی نقل

۱. فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش، ج ۱۲، ص ۲۵۵۷.

۲. فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۲۷ ش، ج ۱۰، ص ۲۹۰-۲۹۱.

در باره تاریخ این نسخه دقت بیشتری باید به عمل بیاید.

۳. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، رضا خانی‌پور، با همکاری حبیب‌الله عظیمی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ ش، ج ۲۱، ص ۱۲۹.

۴. نشریه نسخه‌های خطی، زیر نظر: محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ ش، ج ۴، ص ۴۴۳. و عکس آن در دانشگاه تهران به شماره ۲۴۵۱، ر.ک: فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش، ج ۱، ص ۶۹۵.

۵. اصل این مجموعه در کتابخانه عمومی آنکارا به شماره ۳۲۴۱ شرقی است و عکس آن با شماره ۸۸ در دانشگاه تهران در فهرست میکروفیلم‌های این دانشگاه، ج ۱، ص ۳۷۵ معرفی شده.

نشده است.

یک نسخه دیگر مورخ ۸۹۹ق در کتابخانه آیه الله مرعشی با ترجمه زیر سطور نگهداری می شود که درباره تاریخ آن تردید دارم. آن گونه که به هنگام رؤیت به نظر آمد متعلق به سده ۱۱ و ۱۲ق است و ترجمه هم متأخر است.^۱ احتمالاً رقم نسخه ای که از آن کتابت صورت گرفته را در این نسخه هم وارد کرده اند و بعداً ترجمه را بدان افزوده اند.

۳. دوره رواج عام (از حدود ۱۰۲۰ق به بعد)

گسترش صحیفه سجاده در میان عموم شیعیان، مرهون تلاش های علامه بزرگ محمدتقی بن مقصود علی مجلسی (۱۰۷۰ق) است. فعالیت های دامنه دار مجلسی و تکاپوی صحیفه دانی او در پی رؤیای صادقه ای بود که مجلسی اول در خواب به حضور حضرت صاحب الزمان علیه السلام شرفیاب شد و صحیفه سجاده را از ایشان گرفت و بعد از آن در مدت زمانی حدود ۵۰ سال بیشتر عمر علمی خود را بر سر تصحیح و ترویج آن گذاشت.^۲

خود مجلسی در چندین کتاب و اجازه اش این رؤیا را گزارش کرده است. از میان آنها مفصل ترینشان در روضة المتقین به هنگام معرفی متوکل بن عمیر بن متوکل، راوی صحیفه، است:

در اوایل بلوغ در مقام مَرْضات خدای تعالی بودم و در طلب خشنودی اش می کوشیدم و جز به یاد خدای تعالی مرا قرار نبود تا

۱. همان ترجمه ای که احتمالاً از آن آقا حسین خوانساری (۱۰۹۸ق) است و آن را در نسخه های خطی شروح و ترجمه های صحیفه سجاده، ص ۴۵-۴۷ معرفی کرده ام.

۲. پسر بزرگوار او محمدباقر حشر و نشر پدرش با صحیفه را حدود ۵۰ سال می داند که با توجه به وفات محمدتقی در ۱۰۷۰ق، آغاز فعالیت های او درباره صحیفه و تکاپوی به دست آوردن آن به سال های آغازین جوانی اش (ح ۱۰۲۰ق) باز می گردد. ر.ک: الفرائد الطریفة فی شرح الصحیفه الشریفة، تحقیق: سید مهدی رجایی، اصفهان، مکتبه العلامة المجلسی، ۱۴۰۷ق، ص ۵.

آن که در میان خواب و بیداری دیدم که صاحب الزمان - صلوات الله علیه - در اصفهان، در جامع قدیم، نزدیک به باب تالار که هم اکنون درسگاه من است، ایستاده. بر آن حضرت سلام کردم و خواستم پایش را بوسه دهم که نگذاشت و مرا گرفت. پس بر دست امام علیه السلام بوسه دادم و مسائلی چند را که از برایم مشکل می بود از آن حضرت پرسیدم... سپس گفتم: ای سرورم! همواره مرا میسر نیست که به خدمت شرفیاب گردم، مرا کتابی ده که پیوسته بر آن کار کنم. آن حضرت علیه السلام فرمود: از برای تو کتابی به مولانا محمد تاج داده ام و من او را در خواب می شناختم. پس آن حضرت فرمود: برو و آن را از او بستان. از آن در مسجد که پیش روی امام علیه السلام بود به جانب دار البطیخ^۱ - که محلی است از اصفهان - بیرون شدم. هنگامی که به آن شخص رسیدم، چون مرا دید به من گفت: صاحب الزمان علیه السلام تو را به سراغ من فرستاده است؟ گفتم: آری. پس از جیب خود کتابی دیرینه به در آورد. چون آن را گشودم دانستم که کتاب دعاست. بوسیدمش و بر دیده نهادم و از وی رخ تافته روی به صاحب الزمان علیه السلام آوردم که بیدار شدم، و آن کتاب با من نبود. به خاطر از کف دادن آن کتاب تضرع و گریه و زنهارخواهی آغازیدم تا آن بامداد دمید.

پس چون از نماز و تعقیب پرداختم، مرا در خاطر بود که مولانا محمد همان شیخ [شیخ بهاء الدین محمد عاملی] است و «تاج» نامیدنش به سبب بلند آوازی او در میان عالمان است. هنگامی که به درسگاهش رسیدم که در مجاورت مسجد جامع بود، او را مشغول مقابله صحیفه دیدم و آن که می خواند سید صالح امیر ذو الفقار جربادقانی^۲ بود. دمی نشستم تا از آن کار برداخت و گویا در

۱. همان که تربت نظام (مرقد منسوب به خواجه نظام الملک طوسی)، محله پانچنار، کوجه نظام الملک و دالبتی خوانده می شود و امروزه در خیابان احمد آباد قرار گرفته است. مزارات اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، تصحیح و تعلیق: اصغر منتظر القانم، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲ش، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲. برای اطلاعات بیشتر درباره وی ر. ک: دو گفتار، سید محمدعلی روضائی، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و

سند صحیفه بودند، لیک به سبب اندوهی که داشتم سخن او و آنان را در نمی‌یافتم و می‌گریستم.

پس به نزد شیخ رفتم و رؤیای خویش را در حالی که به خاطر از دست دادن آن کتاب گریان بودم بدو گفتم. شیخ گفت: تو را مژده علوم الهی و معارف یقینی باد و هر آنچه تاکنون پیوسته در طلبش بودی؛ و [پیش از آن] بیشترین سخن من با شیخ در باب تصوف بود که خود بدان تمایل داشتم. با این همه، دلم نیارمید و گریان و اندیشه‌ناک بیرون شدم تا آن که به دلم افتاد به همان جانب روم که در خواب رفتم. وقتی به دار البیطیخ رسیدم مرد صالحی را دیدم که آقا حسن نام داشت و ملقب بود به «تاجا». چون بدو رسیدم و سلامش دادم، گفت: فلانی! کتاب‌های وقفی نزد من هست، هر یک از طلاب که آنها را می‌گیرند، به شروط وقف عمل نمی‌کنند و تو عمل می‌کنی؛ بیا و بدین کتاب‌ها بنگر و هر کدام را که حاجت داری برگیر. با او به اتاق کتاب‌هایش رفتم. نخستین کتابی را که به من داد، همان کتاب بود که در خواب دیدم. گریه و زاری آغازیدم و گفتم: مرا بس است. به یاد ندارم خواب را بدو گفتم یا نه. [آن کتاب نسخه‌ای از صحیفه سجاده بود].^۱

↔ ایران، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲-۱۴.

در مفتاح الفلاح نسخه ش ۶۷۳ مجموعه طباطبایی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی رونوشت اجازه روایتی از شیخ بهایی به سید ذوالفقار حسینی درج شده که ظاهراً همین امیر ذوالفقار گلپایگانی باشد. ر. ک: فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، سید محمد طباطبایی بهبهانی، با نظارت و مقدمه: عبدالحسین حائری، تهران، کتاب‌خانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱ ش، ج ۲۴، ص ۴۱۵.

در صفحه اول نسخه روایت ابن اشکیب هم دست‌نوشته‌ای از ذوالفقار آمده که احتمالاً همین فرد مورد نظر باشد. ر. ک: صحیفه سجاده روایت ابن اشکیب، ص ۵۴.

۱. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۱۹ - ۴۲۱. به نقل از کوشش‌های مجلسی اول و دوم رحمتهما در راه ساماندهی متن انتقادی صحیفه سجاده و ترویج آن، جويا جهانبخش، پیام بهارستان، س ۵، ش ۵۴، آذر ۱۳۸۴ ش، ص ۳۵-۳۶. برگردان فارسی گفته‌های مجلسی را از این مقاله برگرفته‌ام.

گزارش‌های دیگر مجلسی از این واقعه را می‌توان در پیش‌گفتار شرح عربی‌اش بر صحیفه، در بحار الانوار (ج ۱۰۷، ص ۴۳ و ۶۰) یافت.

مجلسی سپس به مقابله نسخه تازه یاب خود با نسخه نیای پدر شیخ بهایی و ترویج آن در اصفهان پرداخت:

به نزد شیخ آدم و شروع کردم به مقابله آن با نسخه او که نیای پدرش از روی نسخه شهید نوشته بود... و نسخه‌ای که حضرت صاحب الزمان علیه السلام به من اعطا فرمود نیز از روی خط شهید نوشته شده و با آن نسخه به غایت همسان بود، حتی در نسخه بدل‌هایی که بر هامش آن کتابت شده بود. پس از آن که از مقابله بپرداختم، مردمان من نزد من آغاز به مقابله کردند و به برکت عطای حضرت حجت صحیفه کامله در همه شهرها مانند خورشید در هر خانه تابیدن گرفت، و به ویژه در اصفهان که بیشترین مردمان چند صحیفه دارند و بیشترین‌شان مردمانی شایسته و نیایشگرند و بسیاری‌شان مستجاب الدعوه و این از آثار معجزه صاحب الزمان علیه السلام است.

بدین ترتیب مجلسی اول از نسخه نیای پدر شیخ بهایی رونوشتی به خط خود استنساخ کرد و پس از آن مخصوصاً در ماه رمضان به مباحثه و تدریس این کتاب می‌پرداخت.^۱ و نسخه مجلسی در میان مردم اشاعه یافت.

جای دیگری در اهمیت تلاش مجلسی در ترویج صحیفه این گونه نوشته بودم:

امروزه فقط ۲۷ نسخه از صحیفه سجادیه مربوط به قبل از قرن دهم وجود دارد... و این در حالی است که در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری بر اثر اقدامات علامه مجلسی نسخه‌های صحیفه آن قدر فزونی یافت که هم اکنون^۲ فقط حدود ۱۱۰۰ نسخه از صحیفه سجادیه در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی ایران مربوط به این دو قرن

۱. مناقب الفضلا، محمدحسین خاتون‌آبادی، در میراث حدیث شیعہ، ج ۴، ص ۵۰۳.

۲. آمار مربوط به دست‌نویس‌های شناخته شده تا سال ۱۳۸۲ش است. بعد از این تاریخ دست‌نویس‌های بسیار بیشتری مربوط به این زمان در فهرست کتابخانه‌ها معرفی شده است.

وجود دارد. همچنین وضعیت نگارش شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادیه نیز به همین نسبت در قرن ۱۱ ق فزونی می‌گیرد و نهضت ترجمه‌ای گسترده‌ای پیرامون این کتاب به وقوع می‌پیوندد. به گونه‌ای که از دوران مربوط به قبل از وفات محمد تقی مجلسی در سال ۱۰۷۰ ق فقط ۱۴ شرح و ترجمه باقی مانده و بقیه آثار پس از این زمان به نگارش درآمده‌اند.^۱

البته اگر این شروح را تا حوالی سال ۱۰۲۰ ق محدود کنیم، فقط این ۵ اثر را درباره صحیفه خواهیم یافت و این، اهمیت فعالیت‌های مجلسی را افزون می‌کند:

- حاشیه علی الصحیفه الکامله، ابن ادريس حلی (۵۹۸ ق).

- الحدیقه الهلالیه، شیخ بهایی (۱۰۳۰ ق)، تألیف در جمادی الآخر ۱۰۰۳ ق.

- شرح الصحیفه السجادیه، مؤلف ناشناخته، تنها دست‌نویس آن در کتاب‌خانه وزیری یزد در ۱۰۱۵ ق، به شماره ۲/۲۴۹۳.

- ملحقات الصحیفه السجادیه، محمد تقی بن مظفر صوفی زیابادی قزوینی (قرن ۱۱ ق) تألیف در ۲۵ صفر ۱۰۲۳ ق.

- حاشیه الصحیفه السجادیه، میرداماد (۱۰۴۱ ق).^۲

از مجلسی اول دو شرح هم بر صحیفه باقی مانده است: اول شرحی به فارسی با نام ریاض المؤمنین و حدائق الصالحین و فقه الصالحین که فقط مقدمه آن درباره دعا نوشته شده است.^۳

دوم شرحی به عربی که آن هم ناتمام مانده و تا اوایل دعای سوم آن موجود است. تنها دست‌نویس آن به خط مؤلف در کتاب‌خانه مرکزی

۱. نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادیه، ص ۱۴.

۲. برای مشخصات و دست‌نویس‌های آنها ر.ک: مأخذ پیشین.

۳. ر.ک: نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه سجادیه، ص ۱۱۳-۱۱۵.

- دانشگاه تهران به شماره ۱۸۴۹ نگهداری می‌شود.^۱
- اما کتابی که با نام ریاض العابدین فی شرح صحیفة زین العابدین در فهرست کتاب‌خانه مجلس به او نسبت داده‌اند مسلماً از آن بدیع الزمان قهپایی است.^۲
- در جلد سوم همان فهرست^۳ شرح فارسی دیگری به مجلسی نسبت داده‌اند که آن هم قطعاً از آن او نیست. این ترجمه و شرح در ۱۰۵۹ق در برهانپور هند تألیف شده و من جای دیگر به تفصیل درباره مؤلف آن نوشته‌ام.^۴
- خوشبختانه بسیاری از طرق روایی و اجازات صحیفة مجلسی در تألیف فرزندش بحار الاثوار آمده است^۵ که بر آنها این موارد را هم می‌توان افزود:
۱. نسخه شماره ۵۰۵۰ع/کتاب‌خانه ملی مورخ ۷۶۸ق، که به رویت محمدتقی مجلسی رسیده است.^۶
۲. اجازه روایت صحیفة در اواسط ذی قعدة ۱۰۵۶ق به شیخ ابراهیم که نسخه آن در کتاب‌خانه آیه الله مرعشی؛ به شماره ۱۲۸۷۵ نگهداری می‌شود.^۷
۳. اجازه روایت به فرزندش عبد الله در غرة ذی قعدة ۱۰۵۸ق.^۸

۱. ر.ک: نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفة سجادیة، ص ۱۳۸-۱۳۷.

۲. فهرست کتاب‌خانه مجلس شورای ملی، سعید نفیسی، تهران، مجلس شورای ملی، ۱۳۴۴ش، ج ۶، ص ۲۰-۲۱؛ نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفة سجادیة، ص ۱۰۹.

۳. فهرست کتاب‌خانه مجلس شورای ملی، ابن یوسف شیرازی، تجدید نظر: عبد الحسین حائری، تهران، مجلس شورای ملی، ۱۳۵۳ش، ج ۳، ص ۵۴-۵۳.

۴. نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفة سجادیة، ص ۱۵۳-۱۶۰.

۵. تمامی آنها در الصحیفة السجادیة الجامعة، ص ۶۷۹-۶۴۳ نقل شده است.

۶. فهرست نسخ خطی کتاب‌خانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲۱، ص ۳۹-۳۸.

۷. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳۲، ص ۶۶۹-۶۶۸.

۸. مقدمان توثیق‌تان حول الصحیفة السجادیة، سید محمد مشکات، ص ۴۰.

۴. اجازه روایت صحیفه در ۱۰۶۷ق به محمد (ظاهراً فرزندش) بر روی نسخه شماره ۱۲۵ کتابخانه سریزدی یزد.^۱

۵. طریق روایت صحیفه به خط خودش، در نسخه شماره ۶۰۶۲ کتابخانه آیه الله مرعشی.^۲

پس از مجلسی اول، فرزندش محمدباقر راه پدر را در پیش گرفت. فعالیت‌های او در حول صحیفه سه جنبه را شامل می‌شد:

الف. اهتمام به ضبط نص و مقابله متن صحیفه: علامه نسخه صحیفه سجادیه متعلق به دو تن از بزرگ‌ترین دانشمندان شیعی را به خط خودشان در اختیار داشته و نسخه خود را با آنها مقابله کرده است: یکی ابن ادریس و دیگری شمس الدین محمد جبعی؛ چنانچه در پایان نسخه خود این چنین نوشته بود:

عروض علی نسخه کانت بخط الشيخ الأجل العلامة محمد بن إدریس الحلي - قدس الله روحه - وكان مكتوباً في آخرها: فرغ من كتابته في شهر رجب من سنة سبعين وخمسمئة محمد بن منصور بن أحمد بن إدریس العجلي وعلی النسخة التي کانت بخط [جد] شیخنا البهائي محمد بن علي بن حسن الجباعي رحمته الله، ولما كان مخالفاً لرواية ابن السكون كتب عليه «س» وكان أكثره موافقاً لما وجدناه في تلك. وكان بعضها إما غير مكتوب أو مخالفاً، فما كان على أحد الوجهين كتبنا عليه وأدرنا عليه حلقة ليمتاز عمّا وجدناه في النسخة البهائية، وكتب الفقير إلى الله الغني محمدباقر بن محمدتقي عفی عنهما، و الحمد لله وحده، و صلى الله على محمد وآله.^۳

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سریزدی (مسجد حظیره)، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۱۰۵.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۱۶، ص ۶۳۶۲.

۳. دست‌نویس صحیفه سجادیه، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۹۶۲، برگ ۱۶۵b. این نسخه با دست‌نویس علامه مجلسی مقابله شده و این یادداشت از دست خط ایشان در انجام آن نقل گردیده است. کار تصحیح و تحشیه به درخواست احمد بن فضل در نیمه جمادی الآخر ۱۱۱۸ق صورت گرفته است.

علاوه بر این، دست‌نوشته‌های دو روایت ابن‌اشناس و ابن‌شاذان هم در اختیار او بود که با سنجیدن آنها با نسخه‌ی خود مواضع اختلاف را در آن ثبت کرد.^۱

به همین دلایل خاتون‌آبادی نسخه‌ی مجلسی را از دیگر نسخه‌ها برتر می‌دانسته است:

دست‌نوشته‌ی من، مولا محمداق‌باقر، جامع‌تر و شامل‌تر بود؛ زیرا بعدها با دست‌نوشته‌ی ابن‌ادریس مقابله‌ی گردید و من نیز به خط خویش رونوشتی از آن برداشتم و در مقابله و تصحیح آن کوشیدم.^۲ این نسخه ظاهراً تا مدت‌ها در اختیار خاندان مجلسی بوده است. مثلاً خاتون‌آبادی در مناقب‌الفضلاء از آن یاد کرده است و چندی بعد هم سید عبدالباقی امام جمعه‌ی اصفهان از احفاد مجلسی که گوید:

و اجتمع عندي تلك النسخ الثلاث: البهائية، والتي بخط جدي المولى محمدتقی - طاب ثراه - وهي أكمل وأشمل؛ لمقابلتها مع نسخة ابن‌ادریس ثالثاً^۳ و صحیفتی ابن‌شاذان و ابن‌اشناس.^۴

اما امروز از نسخه‌ی علامه محمداق‌باقر مجلسی نشانی نداریم. تنها نسخه‌هایی هستند که با دست‌نویس او مقابله شده‌اند. از جمله دست‌نوشته‌ی صحیفه‌ی سجادیه به شماره‌ی ۹۹۶۲ در کتاب‌خانه‌ی مجلس شورای اسلامی که در ربیع‌الثانی ۱۱۱۵ق به دست محمد مهدی بن

۱. رسالة في الصحیفه السجادیة، چاپ شده در ضمن الرسائل الرجالیة، ابوالمعالی محمد بن محمد ابراهیم کلایسی، تحقیق: حسین درایتی، قم، دار‌الحديث، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۱۵. البته در آن جا سهواً نام دارنده‌ی نسخه محمدتقی مجلسی آمده است.

در نسخه سردار کابلی هم به نقل از نسخه‌ی مجلسی موارد اختلاف با روایت‌های ابن‌اشناس و ابن‌شاذان آمده است که در ادامه بیشتر درباره‌ی آن توضیح می‌دهم.

۲. مناقب‌الفضلاء، در میراث حدیث شیعه، ج ۴، ص ۵۰۳-۵۰۴.

۳. مسلماً نویسنده نسخه‌ی محمداق‌باقر مجلسی را به جای نسخه‌ی پدرش گرفته است؛ زیرا محمداق‌باقر دارنده‌ی صحیفه به خط ابن‌ادریس بود.

۴. الرسائل الرجالیة، ج ۲، ص ۶۱۵-۶۱۶. در اجازه به سید سند نجفی.

محمد هادی نصیری کتابت شده است.^۱

همچنین می‌دانیم که در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷ق، نسخه‌ای از خاندان مجلسی (به خط محمدرضا بن محمدصادق بن مجلسی) که تصحیحات و حاشیه‌نویسی‌های او را به دقت ضبط کرده بوده، در اختیار سردار کابلی قرار گرفته است.

وی دست‌نویس صحیفه ملکی خود را به دقت با این نسخه مقابله کرده و تمامی اختلافات آن را به همان سبک علامه با مرکب سیاه (نوشته‌های سدید) و سرخ (نوشته‌های شهید اول) در متن و حاشیه و در مواردی درون دایره‌ای (مقابله علامه مجلسی) نقل کرده است. این دست‌نویس که به شماره $\frac{۷۶}{۳۶}$ در کتابخانه آیه الله گلپایگانی نگهداری می‌شود، در چهارشنبه ۲۳ شعبان ۱۳۲۵ق مقابله‌اش آغاز و در دوشنبه ۷ رجب ۱۳۲۷ق به پایان رسیده است.

نسخه‌بدها با علامت‌های «س»، «خ ل»، «ء خ»، «خ س» و «س ل» در حاشیه ضبط شده‌اند و در جای‌جای آن به نقل از علامه از ضبط روایت‌های ابن‌اشناس و ابن‌شادان هم یاد می‌شود.

سردار کابلی در حواشی‌اش، با امضاهای حیدرقلی و کابلی، بسیار به مقایسه نسخه مجلسی و ترجیح و سنجش ضبط‌های مختلف می‌پردازد. برای نمونه چند مورد زیر را می‌توان نقل کرد:

پس از پایان دعای سوم دعای کوتاه «فی ذکر آل محمد» را در حاشیه آورده و چنین نوشته است:

بخط الشيخ حسين بن عبد الصمد نقلت هذه الزيادة من نسخة بخط الكفعمي، ونقلها هو من نسخة بخط الشهيد قدس الله روحه. [سپس]

۱. اطلاع و دست‌یابی من به این نسخه به لطف آقای ابو الفضل حافظیان صورت گرفت که یادکرد از آن در این جا کمترین شکرگذاری‌ها از ایشان خواهد بود.

در مجموعه اصغرزاده هم صحیفه‌ای دست‌نویس به تصحیح مجلسی معرفی گردیده است که ندانستم منظور، پدر است یا پسر. ر. ک: نشریه نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۷۷۰.

با قلم سرخ: [کذا وجدته مكتوباً في نسخة المجلسي].

در دعای چهارم (فی الصلاة على أتباع الرسل و مصدّقيهم) در عبارت «و لإخواننا الذين سبقونا بالإيمان و لا تجعل ... رؤوف رحيم خير جزائك للذين قصدوا» قسمت «و لا تجعل ... رؤوف رحيم» را مشخص کرده و در حاشیه با قلم سرخ نوشته است:

لم أجد هذه الزيادة في نسخة المجلسي، لكنها موجودة في بعض النسخ المعتبرة.

در دعای مکارم الاخلاق در عبارت «و أبتلي بدم من منعني» نوشته است: ابتلي. کذا في نسخة المجلسي مكتوب بالهامش بالحرمة من غير نسبة إلى نسخة.

در دعای ۲۱ (إذا أحزنه أمر) در کلمه «و أجر به في»:

و خذ به خ. کذا في نسخة المجلسي بقطع الهزة، ولم أجد في أصول اللغة من استعمل «أجرى به» في معنى «أجراه»، ولم يتعرّض له أحد من الشراح فيما أعلم. فليتأمل هاهنا، والظاهر أنه بحذف الموحدة. حيدرقلي.

در دعای ۳۰ (قضاء الدين) عبارت «من المال ما يحدث لي مخيلة أو تأدياً»:

مَخِيلَةً [با قلم سرخ]. کذا كان في نسخة المجلسي مكتوباً بالحرمة من غير نسبة إلى أحد. کابلی.

سردار کابلی در انتهای متن صحیفه این بلاغ را نوشته است:

بلغ قبلاً، و الحمد لله من أوّله إلى آخره، على نسخة مصحّحة بخط مولانا محمدرضا بن محمدصادق بن المجلسي، و بهامشها إجازة مولانا محمדתقي المجلسي بخط يده الشريفة لابن أخيه المذكور رحمهما الله تعالى. و ذلك في يوم الخميس السادس و العشرين من شهر جمادى الأخرى سنة سبع و عشرين و ثلاثمئة و ألف. و أنا العبد

الأقل حیدرقلی بن المرحوم المغفور نور محمد خان الکابلی غفر الله
لهما ولجميع المؤمنين آمین.

و در پایان ملحقات:

بلغ قبلاً من أولها إلى آخرها على نسخة المجلسي رحمته الله وعلى غيرها
من النسخ المصححة التي كانت عندنا إلا ما زاغ عنه البصر. واتفق
الفراغ من المقابلة يوم السبت السادس من شهر رجب سنة ۱۳۲۷، و
أنا العبد الأقل الراجي حیدرقلی الکابلی غفر عنه.

ب. شرح نویسی: شرح مختصری به نام الفرائد الطریفة فی شرح الصحيفة
السجادية که ناتمام مانده و فقط تا دعای چهارم آن نوشته شده است.^۱
ج. گردآوردن ملحقات: شامل ۱۱ دعا از ادعیه حضرت سجاد علیه السلام که در
صحیفه کامله نیامده و علامه دو دعای آن را از البلد الامین کفعمی و ۹ دعای
دیگر را به نقل از نسخه‌ای قدیمی از صحیفه - که سندی جز سند مشهور
داشته - آورده است.

این دعاها عبارت‌اند از: دعاؤه علیه السلام في الكرب و الإقالة (که فقط فقره
اول دعا ذکر شده)، في طلب السعادة (با آغاز: اللهم لا تخيب رجاء هو
منوط بك)، في الشكوى (با آغاز: اللهم قد أكدى الطلب)، في
الصلوات على النبي صلی الله علیه و آله، في الصلاة على آدم، في التحميد، في
استجابته و قبوله و إياه بالإسعاف، دعایي با آغاز: إلهي لك ترهب
المرهوبون، إذا أصبح، دعایي با آغاز: اللهم إني أعوذ بك أن تحسن في
لوامح العيون، بعد صلاة الليل، إذا عرضت له مهمة.^۲

۱. برای اطلاعات مفصل‌تر ر. ک: نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه سجاده، ص ۱۷۸-۱۸۲.
گفتنی است این کتاب در بعضی منابع با عنوان الفوائد الطریفة خوانده شده، که همین مسئله موجب بروز اشتباهی
برای شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة گردیده است. ایشان در ج ۱۶، ص ۱۳۸ (ذیل عنوان الفوائد الطریفة) آن را برای
محمدباقر بن محمدتقی مجلسی می‌داند؛ اما در همان جلد، ص ۳۴۷، الفوائد الطریفة را کتابی دیگر قلمداد کرده و آن
را به پدرش، محمد تقی مجلسی نسبت داده که قطعاً صحیح نیست.

۲. ر. ک: نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه سجاده، ص ۱۸۸ - ۱۹۰. و برای ترجمه ملحقات ➤

اقدامات مجلسی‌ها در رویکرد دیگر علما به این کتاب بسیار مؤثر افتاد و به این جهت بیشترین تألیفات در باب صحیفه را از این زمان سراغ داریم که شرح مفصل خصوصیات و دست‌نویس‌های آنها را در نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه‌ی سجادیه آورده‌ام.

علاوه بر آنها از صالح بن عبد‌الکریم بحرانی (۱۰۹۸ق) می‌توان یاد کرد که در این زمان در شیراز به سماع و روایت صحیفه پرداخت، ولی در مطالعات صحیفه‌پژوهی قدرش مجهول مانده است.^۱

از وی چهار دست‌نویس صحیفه با اجازه سماع و روایتش می‌شناسیم:
۱. به فرزندش ملا محمدباقر، در کتاب‌خانه‌ی آیه الله مرعشی، ش ۲.۱۲۰۳۲

۲. اجازه سماع و روایت در ۱۰۶۸ و ۱۰۷۰ق به مالک نسخه؟، در کتاب‌خانه‌ی آیه الله مرعشی، ش ۱۲۸۹۷.^۲

۳. به قوام‌الدین عبد‌الله که صحیفه را از دعای عرفات تا آخر در رمضان ۱۰۷۳ق از او شنیده بود، در کتاب‌خانه‌ی ملک، ش ۹۷.^۳

۴. به میرزا محمد مهدی، او نسخه‌ای نفیس از صحیفه را در تملک خود داشته و آن را نزد استادش شیخ صالح بحرانی خوانده و در ۲۱ رمضان ۱۰۷۸ق اجازه گرفته است. در مرکز احیاء میراث اسلامی قم، ش ۵.۱۱۳۷

۱. از محمدحسین بن محمد صالح خاتون‌آبادی ر.ک: همان، ص ۴۹-۵۰.

۲. به نحوی که حتی نامش در «شجره‌ی آسانید الصحیفه‌ی السجادیة الکامله» در کتاب الصحیفه‌ی السجادیة الجامعة هم نیامده است.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه‌ی بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳۰، ص ۳۹۲.

۴. همان، ج ۳۲، ص ۷۰۶-۷۰۵.

۵. فهرست کتاب‌های خطی کتاب‌خانه‌ی ملک، ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، کتاب‌خانه‌ی ملک، ۱۳۵۲ش، ج ۱، ص ۴۸۲.

۶. فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی، قم، مرکز احیاء میراث اسلامی، ۱۳۸۰ش.

ابن ادریس و صحیفه سجادیه

ابن ادریس^۱ از نخستین دانشمندانی بود که به تهیه نسخه‌ای از صحیفه سجادیه به خط خود پرداخت. نسخه او که در رجب ۵۷۰ ق کتابت شده بود، بعداً در دست سه تن از دانشمندان شیعی قرار گرفت:

اول. سیدی؛

وی در ذی القعدة ۶۵۴ ق نسخه خود را با آن مقابله کرد و تمامی اختلافات آن را با علامت «س» در حاشیه و بین سطور دست‌نویس خود ثبت کرد. او همچنین یادداشت پایانی ابن ادریس بر نسخه‌اش را چنین نقل می‌کند:

بلغ العرض بأصل خير الموجود وبذل فيه الجهد والطاقة إلا ما زاغ عنه النظر وحسر عنه البصر.

دوم. شهید اول؛

به نوشته محمدتقی مجلسی، شهید دست‌نوشته صحیفه خود را از نسخه عمید الرؤسا و ابن سکون کتابت و با نسخه ابن ادریس مقابله کرد. این مقابله، هم با واسطه بود و هم بدون واسطه؛^۲ به این معنی که یک بار اختلاف نسخی را که سیدی پس از مقابله با نسخه ابن ادریس در حاشیه نسخه‌اش نوشته بود با مرکب سیاه به نسخه خود انتقال داد و دیگر بار بر اساس اصل دست‌خط ابن ادریس به مقابله بدون واسطه پرداخت (با مرکب سرخ).

۱. ج ۳، ص ۳۷۲. چاپ شده در اجازات شیخ صالح بحرانی، سید جعفر حسینی اشکوری، در میراث حدیث شیعه، ج ۱۰، ص ۵۳۰.

۲. برای زندگانی ابن ادریس مفصل‌ترین و تحقیقی‌ترین تئنگاری: زندگی و اندیشه‌های ابن ادریس، از علی همت بناری، قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱ش، ص ۳۷۶ است.

۳. روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۱۲۴: «و کتب الشهد نسختها من نسخة عمید الرؤساء و ابن سکون و قبلها مع ابن ادریس بواسطة او بدونها».

محمدباقر مجلسی هم در یادکرد طرق روایی‌اش از صحیفه به این مطلب تصریح کرده است:

و أقول قد عرض الشهيد نسخه على النسخة التي كانت بخط ابن إدريس، و كتب موضع الاختلاف الهامش أو في الأصل بالحمرة و كتب عليه «س».^۱

سوم. علامه محمدباقر مجلسی؛

که به درخواست او این نسخه را از شیراز به اصفهان آوردند تا با نسخه خود مقابله کند. او اختلافات نسخه ابن ادريس را با حلقه‌ای گرد آن کلمات مشخص کرد تا از آنچه سیدی و شهید اول در مقابله نسخه مشهوره با دست‌نویس ابن ادريس کرده‌اند، ممتاز باشد.

مجلسی تصریح می‌کند که این نسخه به دست او رسیده و صحیفه خود را با آن مقابله کرده است:

وقد یسر الله لي هذه النسخة أيضاً، و عرضت صحيفتي عليها أيضاً.^۲
محمدحسین خاتون‌آبادی، نواده علامه، در این باره چنین می‌نویسد:

آن صحیفه به خط شریف وی در دار العلم شیراز موجود است. نیای من، علامه مجلسی - که خداوند آرامگاهش را پاک و پاکیزه گرداناد - به اهل شیراز، نامه نوشت و ایشان آن دست‌نوشته ارجمند را [به نزد وی] فرستادند. وی نسخه خود را با آن مقابله کرد و مواضع دگرسانی را معین ساخته، حلقه‌ای برگرد آن نسخه‌بدها رسم کرد تا از آنچه سیدی و شهید در مقابله نسخه مشهوره با دست‌نوشته ابن ادريس کردند ممتاز باشد. تفصیل این مطلب از این قرار است که: نخست، سیدی - که خاک‌جایش پاکیزه باد - نسخه مشهور

۱. در پایان دست‌نویس صحیفه سجادیه، کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۹۶۲، بری ۱۸۰b.

۲. همان. همچنین در اجازه به یکی از شاگردانش در مشهد ر. ک: بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۱۶۲.

صحیفه را با دست‌نوشته ابن ادریس برسنجید و مواضع دگرسانی را با مرکب سیاه در هامش صحیفه مکتوب ساخت و حرف «س» را بالای آن دگرسانی‌ها کتابت کرد تا خواننده بداند آن ضبط در دست‌نوشته ابن ادریس چنان بوده است. وی حتی به گزارش سند آن دست‌نوشته نیز پرداخت و اسناد ابن ادریس را در هامش برگ نخست صحیفه نوشت.^۱ پس از آن، شهید اول هم صحیفه مشهور را با دست‌نوشته ابن ادریس برسنجید و آن را جز در مواردی چند مطابق مقابله سدید یافت. پس به آن موارد پرداخته، آنها را در هوامش نسخه کتابت کرد و با حرف «س» مشخص ساخت لیک با مرکب سرخ نوشت تا از آنچه سدید ثبت کرده بود ممتاز باشد. سپس نیایم، پس از یک چند، آن نسخه را با دست‌نوشته ابن ادریس مقابله کرد که پیش‌تر اهل شیراز به اصفهان فرستاده بودند. مواضعی چند از دگرسانی یافت و آنها را معین ساخته در هوامش برگ‌ها نوشت و حلقه‌ای برگرد هر یک از آن نسخه‌بدل‌ها رسم کرد تا از آنچه دو شیخ پیشین - که خدایشان در غرفه‌های بهشت سکنی دهداد - کرده بودند، ممتاز باشد. من خود آن دست‌نوشته را نزد نیایم دیده بودم و حتی گاه خود طرف مقابله و برسنجیدن آن بودم.^۲

برخی مبنای استنساخ نسخه ابن ادریس و ضبط‌های خاصش را اجتهاد و اعمال نظر می‌دانند،^۳ در صورتی که با توجه به دو نکته زیر به

۱. چون نسخه مجلسی اساس استنساخ‌های بعدی صحیفه شد، این اسناد در حاشیه بسیاری از دست‌نویس‌های بعدی آمده است.

۲. مناقب الفضلاء، میر محمدحسین خاتون‌آبادی، در میراث حدیث شیعه، ج ۴، ص ۵۰۳، ۵۰۲.

۳. الصحیفه السجادیة: روایة أبي علي محمد بن همام بن سهل الإسكافي المتوفى ۳۳۲ق عن علي بن مالك عن الإمام زين العابدين، تحقیق: محمدجواد حسینی جلالی، مقدمه: سید محمدحسین حسینی جلالی، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰ش/۱۴۲۲ق، ص ۷۰. و هم ایشان در دراسة حول الصحیفه السجادیة، ص ۶۳.

جدولی هم که ایشان در ص ۹۴، ۸۱ به عنوان مقایسه نسخه ابن ادریس با صحیفه مشهور آورده، با روایت ابو علی طوسی سازگار نیست. وجود تفاوت‌های بسیار، پذیرش ضبط‌های آن به عنوان نسخه ابن ادریس را بسیار مشکل و حتی غیر ممکن می‌کند.

روشنی مشخص می‌شود که او بر روایت ابو علی حسن پسر شیخ طوسی اعتماد داشته است:

۱. اسناد روایتی ابن ادریس

ابن ادریس صحیفه‌ی سجادیه را از سه تن نقل می‌کند که همه آنها با واسطه به ابن الشیخ می‌رسند:

الف. ابو محمد عربی بن مسافر عبادی، او از دو طریق صحیفه را روایت می‌کند: بهاء الشرف^۱ و ابو علی حسن بن محمد طوسی.^۲

ب. عماد الدین ابو جعفر محمد بن ابو القاسم طبری نویسنده کتاب بشاره المصطفی. علاوه بر یادکردهای مکرر مجلسی در اسناد خود به این روایت،^۳ افندی در ریاض العلماء هم به آن اشاره می‌کند.^۴ عماد الدین طبری صحیفه را از ابو علی حسن بن محمد طوسی، ابن الشیخ نقل کرده است.

ج. ابو علی حسن بن محمد طوسی، ابن الشیخ (۵۲۱ق). در اسناد صحیفه بارها به این روایت اشاره شده است^۵ اما با توجه به طبقه و زمان این دو، سماع ابن ادریس از ابو علی بدون واسطه ممکن نبوده است. چنان که علامه پس از آن که می‌گوید نسخه ابن ادریس در اختیار من است، در خصوص روایت او از ابو علی طوسی این گونه می‌نویسد:

وكان مشايخي يزعمون أنَّ جامع هذه الصحيفة هو ابن إدريس وهو يروي عن أبي علي بلا واسطة، مع أنَّ ابن إدريس لا يروي عن أبي

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۸۱-۸۲ و ۵۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۵، ص ۱۶۱ و ۱۶۳، ج ۱۰۷، ص ۵۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۵، ص ۱۶۱، ج ۱۰۷، ص ۴۶ (به اشتباه ابو القاسم محمد بن ابو القاسم طبری یاد شده) و ۶۵-۶۶ و ۸۱، ج ۱۰۴، ص ۲۱۴.

۴. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبد الله افندی اصفهانی، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، مطبعة الخيام، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۳۲.

۵. همان، ج ۱۰۷، ص ۶۵ و ۸۱ و موارد متعدد دیگر.

علي فيما رأينا إلا بواسطة أو بواسطة، وكانوا يقولون يمكن أن يكون ابن إدريس روى الصحيفة في صغره عن أبي علي، والذي ظهر لي بالقرائن القوية أن أصل الصحيفة كانت رواية بعض مشايخه كابن رطبة أو ابن أبي القاسم الطبري أو غيرهما. والكاتب هو ابن إدريس يروي عن أحدهم تلك الصحيفة، وقد ذكرت بعض الشواهد في الفوائد الطريفة.^۱

تحقیقات چندین تن از محققان هم عصر هم بر این مطلب تأکید دارد.^۲

بجز این، ابن ادريس از طريق هبة الله بن رطبة سوراوی و فرزندش حسين، و الياس بن ابراهيم حائري (به واسطه حسين بن رطبة) از پسر شيخ طوسي روايت می کند. عميد الرؤسا هم که غريب القرآن سجستاني را بر او خوانده علاوه بر بهاء الشرف، صيفه را از ابو علي طوسي نقل کرده است.^۳

از روايت ابن الشيخ تاکنون شش دست نويست شناخته شده که اتفاقاً در كناره صفحات يکی از آنها حاشیه ابن ادريس کتابت شده است:

۱. کتاب خانه آية الله گلپایگانی. ش ۱۶/۱۸۱، نسخ معرب، سده ۱۱ق، دارای سرلوح و تزئینات، در برگ آخر چند تملک مورخ ۱۲۳۲، ۱۲۹۴، ۱۳۳۹ق، نسخه از کتاب های حاج اسماعیل هدایتی بوده است، ۹۷۴ برگ، ۱۶ سطر.

۱. دست نویس صحیفه سجادیه، کتاب خانه مجلس شورای اسلامی، ش ۹۹۶۲، برگ ۱۷۰b.

۲. برای توضیحات بیشتر در مورد روایت ابن ادريس از ابو علي طوسي ر. ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، سید مصطفی محقق داماد، ج ۴، ص ۷۱۹؛ زندگی و اندیشه های ابن ادريس، علی همت بناری، ص ۶۴-۶۳؛ فهرست نسخه های خطی اهدایی سید محمد مشکات به دانشگاه تهران، علی نقی منزوی، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۸؛ السرائر، ابن ادريس الحلبي، لجنة التحقيق، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۹.

۳. زندگی و اندیشه های ابن ادريس، ص ۵۸-۶۳.

۴. وصف مختصر این صحیفه در فهرست نسخه های ایشان آمده است. ر. ک: مخطوطات مکتبه الحاج هدایتی قم -

ایران، سید احمد حسینی، ترانسا، س ۱، ش ۳، زمستان ۱۴۰۶ق، ص ۸۶.

۲. مجموعه هاشمی در یمن. این نسخه حاشیه‌ی ابن ادریس را نیز دارد و مشخصات آن را در ادامه خواهیم آورد.

۳. کتاب‌خانه آستان قدس رضوی. ش ۳۲۳۶، نسخ، خاتم بن راشد بن حسن بن صالح، ۱۱ رمضان ۱۰۱۹ق، برگ اول و چند برگ از وسط آن افتاده، ۲۲۹ برگ، ۱۲ سطر.^۱

۴. کتاب‌خانه آستان قدس رضوی. ش ۱۵۲۳۱، نسخ سده ۱۱ق، فاقد برگ اول، ۱۵۸ برگ، ۱۰ سطر.^۲

۵. کتاب‌خانه سید عبد الحسین حجت در کربلا. کاتب، آن را با نسخه خط ابن ادریس و نسخه دیگری به خط یاقوت مقابله کرده بود.^۳

۶. کتاب‌خانه الازهر مصر، ش ۳۱۲۲۹۳، نسخ معرب، حدود سده ۱۲ق، عناوین و برخی نشانی‌ها شنگرف، در حاشیه تصحیح شده، معنای برخی کلمات به فارسی در حاشیه یا میان سطور آمده که نشان می‌دهد نسخه منشأ ایرانی دارد، انجامه نسخه را پاره کرده‌اند. ۱۶۴ برگ، ۱۱ سطر. در برگ آغازین نسخه و همین طور در فهرست‌های آن کتاب‌خانه نام کتاب را *الصحیفه المرضیه فی الاسرار القیضیه* (؟) دانسته‌اند. تصویری از این دست‌نویس در اختیار این جانب قرار دارد.

علاوه بر ابن ادریس بسیاری از بزرگان، صحیفه سجادیه را از ابو علی طوسی روایت کرده‌اند. در *الصحیفه السجادیة الجامعة* نام ۱۱ تن آمده که از نظر کثرت روایت صحیفه کم‌نظیر است.^۴ اما خود او کتاب را فقط از

۱. فهرست کتب خطی کتاب‌خانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ج ۱۵، ص ۳۸۲.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۳۹۴.

۳. الذریعة، ج ۱۵، ص ۱۹.

۴. *الصحیفه السجادیة الجامعة*، ص ۷۰۰-۷۰۳. نام آنها چنین است: ابو الرضا فضل الله راوندی، عبد الجلیل بن عیسی، ابو الفتح رازی، محمد بن علی بن عبد الصمد نیشابوری، علی بن علی بن عبد الصمد نیشابوری، ابو علی محمد بن فضل طبرسی، محمد بن حسن شوهانی، عماد الدین محمد بن ابو القاسم طبری، حسین بن رطبه سواری، عمید الرؤساء، الیاس بن هشام حائری، ابو طالب حمزه بن محمد بن احمد بن شهریار خازن.

پدرش نقل می‌کند. شیخ طوسی هم در الفهرست هنگام معرفی متوکل بن عمیر از دو طریقش در روایت صحیفه چنین یاد می‌کند:

أخبرنا بذلك جماعة عن التلعكبري، عن أبي محمد الحسن يعرف بابن أخي طاهر، عن محمد بن مطهر، عن أبيه، عن عمير بن المتوكل، عن أبيه، عن يحيى بن زيد عليه السلام.

و أخبرنا بذلك أحمد بن عبدون، عن أبي بكر الدوري، عن ابن أخي طاهر أبي محمد، عن محمد بن مطهر، عنه.^۱

و جالب آن است که از روایت خود از حسین بن عبید الله غضائری نامی نمی‌برد، در حالی که صحیفه‌های موجود روایت پسرش از طریق او نقل شده است.

سند روایتی ابو علی طوسی در ابتدای صحیفه سجادیه چنین است:

حدَّثنا الشيخ الأجل السيد الإمام السعيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي - أدام الله أيامه - في شهر جمادى الآخر سنة إحدى عشر وخمسمئة، قال: أخبرنا الشيخ الجليل أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي عليه السلام، قال: أخبرنا الحسين بن عبید الله الغضائري، قال: حدَّثنا أبو المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني في شهر سنة خمس وثمانين وثلاثمئة، قال: حدَّثنا الشريف أبو عبد الله جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن بن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، قال: حدَّثنا عبد الله بن عمر بن خطاب الزيات سنة خمس وستين و مئتين، قال: حدَّثنا علي بن النعمان الأعلم...^۲

۱. الفهرست، شیخ طوسی، جواد قیومی، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۳.

۲. درباره این سند نکته‌ای گفتنی است:

یکی از روات آن، ابو المفضل محمد بن عبد الله بن مطلب شیبانی (۲۹۷-۳۸۷ق) است که در ابتدا ثقه و در اواخر عمر به خلط متهم شده است. شهید ثانی او را از جمله کسانی می‌داند که روایاتشان در دوران استقامت مقبول و بعد از آن مردود است (الرعاية، ص ۲۱۰). نجاشی هم با این که روایات بسیاری از او نقل کرده بود، حدیث گزاردن از او را

کفعمی در حواشی خود بر صحیفه سجادیه نسخه ابن ادريس را به روایت ابن الشیخ می‌داند و می‌نویسد:

إسناد النسخة التي بخط الشيخ ابن إدريس من الابتداء إلى الشيباني ليس كما هو في المتن، بل هو: حَدَّثَنَا الشيخ الأجل السيد الإمام السعيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي ... قال: حَدَّثَنَا الشريف أبو عبد الله منه رحمه الله تعالى.^۱

بحرانی هم در لؤلؤة البحرين بر همین نکته تأکید می‌کند.^۲
برخی نجم الدین بهاء الشرف را هم در شمار اساتید ابن ادريس به حساب آورده‌اند.^۳ مأخذ سخن ایشان گفته محمدتقی مجلسی در باره اسناد صحیفه است:

« متوقف کرد. ابن غضائری هم می‌نویسد: «رأيت كتبه، وفيها الأسانيد من دون المتون، والمتون من دون الأسانيد. وأرى ترك ما ينفرده» (الرجال، تحقيق: سيد محمدرضا جلالی، قم، دار الحديث، ۱۴۲۲ق ص ۹۹).

منصور پهلوان (در اسناد و مشایخ راویان صحیفه کامله، علوم حدیث، س ۴، ش ۲، پی در پی ۱۲، تابستان ۱۳۷۸ش، ص ۳۴-۳۵) درباره روایت وی از صحیفه سجادیه و قابل اعتماد بودن آن می‌نویسد:

راویان صحیفه از ابو المفضل شیبانی عبارت‌اند از: محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، حسن بن محمد بن اشناس، حسین بن عبید الله غضائری، ابو الحسین محمد بن هارون تلعبکری، ابو منصور محمد بن محمد عکبری معدّل.

روایت این دانشمندان مؤثق و معتمد از ابو المفضل شیبانی، خود نشانه آن است که نقل آنها مربوط به دوران استقامت وی است و نمی‌توان پذیرفت که این بزرگان، از دوران خلط او چیزی نقل کرده باشند. اما باید توجه داشت که حسین بن عبید الله غضائری صریحاً در سند این روایت عنوان کرده که آن را در ۳۸۵ق یعنی دو سال به پایان عمر شیبانی مانده روایت کرده است. بنا بر این در تکیه بر ضبط‌های آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد. البته خوشبختانه در گزارش صحیفه او منفرد نیست.

۱. البلد الأمين والدروع الحصين، کفعمی، دست‌نویس کتابخانه آیه الله گلپایگانی، ش ۱۴/۳۵، ۶۸۳۴، ۱۱۰۳ق، برگ ۲۹۸b.

۲. لؤلؤة البحرين في الإجازة لقرتي العين، يوسف بن احمد بحرانی، تحقيق: سيد محمدصادق بحر العلوم، بيروت، دار الأضواء، ص ۲۷۸.

۳. پژوهشی در نسخه شهید اول از صحیفه سجادیه، ص ۹۱؛ الصحیفه السجادیة الجامعة، ص ۶۱۴-۶۱۵؛ چند جای دیگر بحار الأنوار که در این دو مأخذ درباره روایت ابن ادريس از بهاء الشرف ذکر شده، سوء برداشت از عبارات مجلسی است.

علی‌نقی منزوی هم که در فهرست مشکلات این مطلب را آورده، برای توجیه روایت ابن ادريس از ابو علی مجلسی است. ر.ک: فهرست نسخه‌های خطی اهدایی سید محمد مشکلات به دانشگاه تهران، علی‌نقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۸.

عن العلامة محمد بن جعفر بن نما و السيد شمس الدين فخار بن معد الموسوي و السيد عبد الله بن زهرة، عن ابن إدريس و عميد الرؤساء هبة الله بن أحمد بن أيوب و علي بن السكون، عن السيد الأجل الى آخر سند الصحيفة الكاملة.^۱

از آن جاکه به این مطلب در هیچ سند دیگری اشاره نشده است، به نظر می‌رسد پس از کلمه «ابن ادریس» عبارت «بإسناده إلى آخره» از کلام افتاده باشد. همان طور که دقیقاً همانند آن در سند دیگر روایت صحیفه محمدتقی مجلسی ذکر شده است.^۲

تنها در یکی از اجازات محمدتقی مجلسی (به محمدصادق کرباسی اصفهانی) از جعفر بن محمد دوریستی هم به عنوان یکی از روایت‌کنندگان صحیفه برای ابن ادریس یاد شده است:

و عن ابن زهرة، عن ابن إدريس و ابن شهر آشوب و الشيخ شاذان، عن الشيخ جعفر بن محمد الدوریستی، عن أبيه، و عن الشيخ الأعظم الأجل محمد بن محمد بن النعمان المفید، عن الصدوق بكتبه، و عن المفید، عن أبي المفضل محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني الخ.^۳

۲. حاشیه ابن ادریس بر صحیفه سجادیه

از چند جای حاشیه صحیفه سجادیه ابن ادریس هم برمی‌آید که او کلمات را مطابق ضبط نسخه ابن‌الشیخ ضبط و معنا کرده است. از جمله برای مثال می‌توان این موارد را یاد کرد:

- ابن‌الشیخ پس از دعای سوم صحیفه (فی الصلاة علی حملة العرش) دعای کوتاهی در ذکر آل محمد آورده (با آغاز: اللهم یا من خص محمداً وآله بالكرامة و جباهم بالرسالة) که ابن ادریس هم دعا را در

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۴۴.

۲. ر.ک: همان، ج ۱۰۷، ص ۴۶ و ص ۸۱.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۸۲.

حاشیه‌اش نقل و دو لغت آن را معنا کرده است.^۱

- در نسخه ابن‌الشیخ در «دعاؤه علیه السلام لا تباع الرسل» عبارت «و یهتدون بهداهم و یتفقون علیهم» به صورت «ینفقون علیهم» ضبط شده و ابن‌ادریس هم «أنفق القوم أي نفق سوقهم» را توضیح داده است (ش ۳۹).

- در «دعاؤه علیه السلام في الاستقساء» عبارت «اللهم لا تجعل ظله علينا سموماً» به صورت «طله علينا» با معنای کلمه الطل (ش ۲۰۹).

- در «دعاؤه علیه السلام في كيد الأعداء» عبارت «ویجرّ عني زعاف مرارته» به صورت «ویجرّ عني زعاق مرارته» با توضیح معنای الزعاق (ش ۵۷۳).
به این مورد آخر کفعمی هم اشاره کرده است:

[الزعاق] أي الماء المالح وهو نسخة ابن‌إدريس والزعاف نسخة ابن‌سکون وقد مر تفسيره في الدعاء الثاني والأربعين منه.^۲

البته در باره نقل قول‌های کفعمی از ابن‌ادریس باید جانب احتیاط را رعایت نمود؛ زیرا گاهی آنچه که به عنوان ضبط ابن‌ادریس از آن یاد کرده، صحیح به نظر نمی‌رسد. به عنوان مثال در «دعاؤه علیه السلام عند ختمه القرآن» عبارت «و جواسي ألسنتنا» چنین می‌نویسد:

قال ابن‌إدريس: حواشي ألسنتنا - بالحاء المهملة والشين المعجمة - أي أطرافها. ومنه حواشي الثوب و حشيت الصيد إذا جثته من حوالیه لتصرفه إلى الحباله. و من قرأ جواسي کابن‌السکون - بالجيم و السين المهملة - فمراده الصلبة، قاله الجوهری. منه ره.^۳

در حالی که از این کلمه در حاشیه ابن‌ادریس با ضبط «جواسی» یاد

۱. این دعا به عنوان ملحقات در اکثر دست‌نویس‌های صحیفه‌ی سجادیه ذکر شده است. برای متن آن ر. ک: الصحیفه

السجادیة الجامعة، ص ۴۳ و ۸۱۸ ش ۱۳.

۲. البلد الأمين والدروع الحصین، برگ ۳۲۲۵.

۳. همان.

شده است (ش ۴۳۷).^۱

با همه این احوال، دو لغت در حاشیه آمده که ضبط آن نه مطابق با روایت ابو علی طوسی است و نه موافق با صحیفه مشهور: یکی در «دعاه» علی الظالمین عبارت «ویحاصرني بحقی» که ابن ادریس «حاضرته» را معنی کرده است (ش ۱۲۱). و دیگری در دعای مکارم الاخلاق، عبارت «واغذني بنعمتك» که وی «عذت» نقل کرده است (ش ۲۳۸).

۲/۱. انتساب حاشیه

از حاشیه ابن ادریس هیچ یک از فهرست نگاران و تراجم نویسان یاد نکرده اند. از بزرگان تنها کسی که از آن یاد کرده آقا بزرگ تهرانی است که رونوشت آن را به خط عبد الرحیم بن محمد علی تستری شاگرد شیخ انصاری کتابت شده در ۱۳۰۵ ق دیده بود.^۲ با این همه، روایت صحیفه سجاده از طرف ابن ادریس و نسخه برداری او این احتمال را که وی حاشیه ای بر این کتاب داشته باشد، محتمل می کند.

البته اگر گفته شود با وجود آن که نسخه ابن ادریس در اختیار چند تن از علما بوده؛ چرا هیچ کدام به حاشیه او اشاره نکرده اند می توان احتمال داد حاشیه او همان لغاتی باشد که در کناره صفحات نسخه خود توضیح داده و سپس آنها را به صورت جداگانه تحریر کرده است. شاهد این ادعا آن است که برخی از همین لغات در نسخه شهید اول هم با همین عبارات ذکر شده اند. علی همت بناری با مقایسه این حاشیه با کتاب سرائر درباره انتساب آن

۱. عجیب آن است که سید نعمت الله جزائری در نور الآثار، ص ۱۷۰ هم لفظ «جواشی» را از نسخه ابن ادریس نقل کرده است.

۲. الذریعة، ج ۱۳، ص ۳۵۸.

به ابن ادریس شواهد جالب توجهی ارائه کرده است:

- هم‌خوانی و هم‌آهنگی نثر مقدمه این حاشیه با مقدمه سرائر: در انتساب کتاب سرائر به ابن ادریس معروف هیچ تردیدی وجود ندارد و با مطالعه و مقایسه مقدمه این حاشیه با مقدمه سرائر، به خصوص خطبه آن، هم‌خوانی و تشابه زیادی بین نثر مسجع هر دو مشاهده می‌گردد و این شاهدهی است بر این که این دو نثر هر دو از یک نویسنده، یعنی از ابن ادریس حلی هستند.

- برجستگی بُعد ادبی ابن ادریس: برجسته‌ترین بعد علمی ابن ادریس پس از فقه، بعد ادبی اوست. حال با توجه به این که این حاشیه کاملاً گرایش ادبی دارد و محشّی در آن به توضیح لغات ادعیه صحیفه پرداخته، این تناسب نیز می‌تواند مؤیدی بر مدّعا باشد.

- توجه ویژه به کتاب صحاح اللغة در سرائر و این حاشیه: ابن ادریس در کتاب سرائر در نقل نکات ادبی، بسیار تحت تأثیر صحاح اللغة جوهری بوده و بیش از هر لغوی دیگر، حدود ۳۴ مرتبه از او مطلب نقل کرده است. در این حاشیه نیز مؤلف بیشتر توضیحات لغات را از صحاح جوهری اخذ کرده و آنها را با حرف «ص» مشخص نموده است.^۱ این تأثیرپذیری مشترک در هر دو اثر از صحاح اللغة که حاکی از عنایت ویژه ابن ادریس به این کتاب معتبر لغوی است، می‌تواند مؤید دیگری بر انتساب این اثر به ابن ادریس باشد.^۲

۲/۲. درباره متن

ابن ادریس در مقدمه کوتاه حاشیه هدف خود از تألیف آن را چنین شرح می‌دهد:

در صحیفة سجادیة لغاتی هست که هر کسی معنای آن را نمی‌تواند درک کند و کلماتی که برای فهمشان باید به لغات ساده‌تری

۱. برای توضیح بیشتر در این مورد ر. ک: زندگی و اندیشه‌های ابن ادریس، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. همان، ص ۱۰۸-۱۰۹.

برگردانده شوند. بنا بر این آنچه را که در لغت‌نامه‌ها یافتیم، دربارهٔ بعضی از این کلمات نوشتیم. در آخر هر سخنی حرفی از حروف کتاب را برای نشانه قرار دادم و اگر از خودم بود، آن را با «سین» متمایز ساختم.

پس از این، مؤلف ابتدا عنوان هر دعا را ذکر می‌کند و سپس به ترتیب متن کلماتی را که سخت و نامفهوم تشخیص داده، توضیح می‌دهد. برخلاف آنچه که در مقدمه در بارهٔ رجوع مؤلف به لغت‌نامه‌ها آمده، ابن ادریس در حاشیهٔ مختصرش فقط به صحاح اللغة تکیه داشته و از هیچ فرهنگ دیگری استفاده نکرده است. نوشته‌های صحاح با نشانهٔ «ص» مشخص شده و بقیهٔ عبارات هم که از خود اوست با علامت «س» مشخص شده‌اند. تعداد کمی از عبارات هم بدون علامت‌اند که می‌تواند از اهمال کاتب باشد؛ زیرا بسیاری از آنها هم از صحاح نقل شده‌اند.

بیشتر نوشته‌های صحاح اللغة عیناً نقل شده، اما موارد متعددی هم هست که ابن ادریس آنها را تغییر داده است. گاهی کلمه‌ای از آن کم می‌کند و گاهی بر آن می‌افزاید. البته برخی از این اختلافات می‌تواند ناشی از تفاوت نسخهٔ ابن ادریس و چاپ مورد استفادهٔ ما باشد. اما تعدادی هم برای آن است تا به مفهوم کلمهٔ مورد نظرش در دعا نزدیک‌تر شود.

از ذکر همهٔ این دگرگونی‌ها (میان حاشیه ابن ادریس با صحاح) جز مواردی که در تصحیح متن کمک‌کار بود، صرف نظر شد؛ چه شرح کامل این اختلافات و دست‌کاری‌ها چندان فایده‌ای نداشت، نه نبودشان خللی در عبارت وارد می‌کرد و نه بودشان معنایی بر متن درج شده می‌افزود. به علاوه بر ما مشخص نیست که ابن ادریس دقیقاً از کدام نسخهٔ صحاح استفاده کرده است. مطمئناً قدمت زمانی و ادیب

بودن ابن ادریس اعتبار ویژه‌ای به ضبط‌های او می‌بخشد. تعداد کلمات ذکر شده ۶۰۵ مورد است که تمامی دعا‌های صحیفه مشهور جز دعای ۱۱ (دعاؤه علیه السلام بخواتیم الخیر) و دعای ۳۸ (دعاؤه علیه السلام فی الاعتذار)، به علاوه «دعاؤه علیه السلام فی ذکر آل محمد» را در بر می‌گیرد. طبیعتاً حجم لغات نقل شده یکسان نیست و بنا به مورد، کم و زیاد است.

به ضرورت متن دعا چند لغت تکراری آمده است. از جمله: ناواه (ش ۱۱۲ و ۱۸۷)، تانی فی الأمر (ش ۱۴۳ و ۱۶۳)، مقته (ش ۸۱ و ۲۲۲)، الحسم (ش ۲۱۱ و ۳۳۹) و زوی (ش ۳۴۱ و ۴۰۷).

۳/۳. دست‌نویس‌های حاشیه

از حاشیه‌ی ابن ادریس بر صحیفه‌ی سجادیه تاکنون ۳ دست‌نوشته به دست آمده است:

۱. کتاب‌خانه‌ی آستان قدس رضوی، ش ۱۴۸۴۹، رساله‌ی چهارم مجموعه، نسخ، غره‌ی جمادی الاول ۱۰۸۸ ق، عناوین شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و به فارسی حاشیه‌نویسی دارد، با علامت بلاغ، ۱۰ برگ، ۲۵ سطر. در صفحه‌ی عنوان رساله و انجامد آن کاتب نام رساله و مؤلف آن را آورده است. از مجموعه‌ی وقفی مرحوم سید محمدباقر عربشاهی سبزواری در ۱۴۰۵ ق بر آستان قدس. ضبط‌های این نسخه با علامت «ق» در پاورقی‌ها مشخص شده‌اند.^۱

نسخه‌ای که آقا بزرگ در الذریعة (ج ۱۳، ص ۳۵۸) از آن به خط عبد الرحیم بن محمدعلی تستری یاد کرده، در ۱۳۰۵ ق از همین نسخه

۱. از این نسخه در فهرست النجاشی کتب خطی کتاب‌خانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، محمد آصف فکرت، مشهد، کتاب‌خانه‌ی مرکزی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۰۵ به اختصار یاد شده است. پیش از این، دو نفر به تفصیل آن را معرفی کرده‌اند: زندگی و اندیشه‌های ابن ادریس، ص ۱۰۵-۱۱۰؛ نسخه‌های خطی شروح و ترجمه‌های صحیفه‌ی سجادیه، ص ۶۵۶۴.

استنساخ شده است.

۲. مجموعه آل هاشمی در یمن. نسخ مغرب، علی بن محمد بن احمد بن ابراهیم معبری در کربلا، دوشنبه ۱۲ محرم ۹۹۳ق.

نسخه‌ای از صحیفه سجاده به روایت ابو علی حسن بن محمد طوسی است که حواشی ابن ادریس با قلم شنگرف در کنار صفحات آن کتابت شده است. روی برگ اول، یادداشت تملک اسماعیل بن محمد بن حسن بن امیر... (پارگی نسخه) القاسم بن محمد لطف الله در ۱۰۶۲ق در صنعاء، پیش از آغاز کتاب یادداشت وقف نسخه بر شمس الدین احمد بن ابراهیم هاشمی و برادران و فرزندانش به خط فرزندش علی در ۱۳۴۲ق، متن دعا به نسخ مغرب و عناوین آن شنگرف، در حاشیه تصحیح شده و علامت بلاغ دارد، ۱۲۳ برگ، ۱۰ سطر.

پشت برگ آخر، اجازه روایت صحیفه سجاده از شیخ بهایی به سید حسین انصاری به خط خودش آمده است:

هو

سمع لدي السيد الأجل الفاضل الزكي الذكي الألمعي السيد حسين الأنصاري، وفقه الله سبحانه لارتقاء أرفع درج الكمال، نبذة جزیلة من الصحیفه الكامله لسید العابدین - سلام الله علیه - وقد أجزت له أن یروی ما سمعه و ما لم یسمعه منها عتبی، بسندی إلى شیخ الطائفة محمد بن الحسن الطوسي - قدس الله روحه - بسنده إلى سید العابدین عليه السلام. و كتب هذه الأحرف ببده الفانیة الجانیة أقل الأنام محمد المشتھر ببهاء الدین العاملی - عفی الله عنه بالنبي والولي - سنة ألف وإحدى وعشرين.

در این نسخه، مقدمه رساله و نشانه «ص» و «س» پایان لغات نیامده است. شناسایی آن هم به مدد مقابله با نسخه پیشین انجام شد؛ زیرا در

نسخه هیچ نشانی از مؤلف نیست. ضبط‌های آن را با حرف «ش» متمایز کرده‌ام.

از نحوه کتابت این نسخه بر می‌آید که از متنی به هم پیوسته، مانند نسخه آستان قدس، رونویس شده است.

مثلاً شماره‌های ۷۰-۷۱، ۴۲۳-۴۲۴، و ۴۶۷-۴۶۸ و چند مورد دیگر با آن که در متن دعا با فاصله از یکدیگر آمده‌اند، در حاشیه نسخه در پی هم کتابت شده‌اند. مورد جالب عنوان «دعاؤه» ع إذا قتر علیه الرزق» است که در هر دو نسخه کلمه «دعاؤه» نیامده.

دستیابی من به این نسخه به لطف آقای مجید غلامی جلیسه صورت گرفت.

۳. نسخه سوم آن هم در ضمن مجموعه‌ای به خط قرچغای خان، از دانشمندان و بزرگان دولت شاه عباس صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، مورخ ۱۰۶۲ تا ۱۰۶۵ق در کتابخانهٔ امیر المؤمنین ع نجف اشرف به شمارهٔ ۱۵۲۰ نگهداری می‌شود. این نسخه ناقص‌الآخر است و تا دعای آن حضرت در دفع کید دشمنان را دارد.^۱ دسترسی ما به این نسخه ممکن نشد.

در تصحیح به دلیل آن که در «ق» متن کامل حاشیه به صورت یکجا کتابت شده و با داشتن مقدمه کامل تر هم بود، اصل قرار گرفت. علاوه بر این، نقطه‌گذاری‌های نسخه «ش» چندان دقیق نبود، ولی در مجموع، هماهنگی بیشتری با صحاح اللفه داشت. همچنین در انتقال توضیحات به حاشیه، مواردی از قلم کاتب افتاده و علامت‌های «س» و «ص» حذف شده بود.

۱. طبقات أعلام الشيعة، قرن ۱۱ق، ص ۴۵۷؛ فهرس مخطوطات مكتبة أمير المؤمنين العامة، سيد عبد العزيز طباطبایی، تراندا، ۲۱، ۲ و ۱، پیاپی ۸۲۸۱ ص ۲۲۱. دیگر رساله‌های این مجموعه سر مایهٔ ایمان عبد الرزاق لاهیجی، الفوائد الصمدية شیخ بهایی و زهر الحديقة فی النحو هستند.

هر دو نسخه خالی از اشکال و غلط نویسی نیستند که تمامی آن موارد و اختلافات دو نسخه را بجز کم و زیاد «او عطف و آی» در پایین صفحات ذکر کردم. برخی اغلاط عجیب در هر دو نسخه یکسان تکرار شده که نشان می دهد مادر نسخه آنها یکی بوده است. برای مثال:

- در «دعاؤه ﷺ فی الاعتراف»، ش ۸۴، «خفت» به جای «الخوف».
 - در «دعاؤه ﷺ فی الحوائج»، ش ۹۴، «بالباء» به جای «بالباء».
 - در «دعاؤه ﷺ إذا استقال من ذنوبه»، ش ۱۵۱، «التغییر» به جای «التعیر».
 - در «دعاؤه ﷺ فی مکارم الأخلاق»، ش ۲۱۸، «الضیعة» به جای «الصنیعة».
 - در «دعاؤه ﷺ بالعافیة»، ش ۲۸۰، «لمزت» به جای «لهزت».
 - در «دعاؤه ﷺ إذا نظر إلى الهلال»، ش ۴۶۹، «استمهلته فأمهلني» به جای «استلهمته فألهمني».
 - در «دعاؤه ﷺ فی دفاع کید الأعداء»، ش ۵۸۴، «الزابیة» به جای «الرابیة».
- مورد جالب عنوان دعاؤه ﷺ إذا قتر علیه الرزق است که در هر دو نسخه کلمه «دعاؤه» نیامده.

و مواردی دیگر که در پانوشته ها ذکر شده اند.

همه منقولات ابن ادریس از صحاح اللغة مصدریابی شدند و از این کتاب هم به عنوان نسخه سوم در تصحیح بهره گرفتیم (با علامت «ص»^۱). برای قرار دادن عبارتی در متن یا حذف از آن همیشه ضبط دو نسخه از سه نسخه مد نظر بوده است. به این معنی که چون ابن ادریس در

۱. بر اساس این چاپ: الصحاح، اسماعیل بن حماد الجوهري، تحقیق: أحمد عبد الغفور العطار، مطابع دار الکتاب العربی محمد حلمی المنیاوی بمصر، ۱۳۷۶ق، ج ۶.

تألیف بر صحاح اعتماد داشته است، ضبط هر کدام از نسخه‌ها با آن مطابقت داشت آن را برگزیدم و دیگری را به حاشیه بردم. البته این قاعده در همه جای متن نمی‌توانست مصداق داشته باشد بنا بر این در قسمت‌هایی با توجه به نشانه‌ها و علایم دیگر ضبط نسخه‌ای را که یگانه بود، ترجیح دادم. به همه این موارد در پاورقی‌ها اشاره شده است.

در پایان هم باید از جناب آقای علی صدرایی خویی متشکر باشم که تصحیح و انتشار این رساله با همت و همراهی ایشان میسر شد.

سید محمدحسین حکیم

آبان ۱۳۸۵

الحمد لله الذي جعل الدعاء عادة وقد ثبت له في زعم الداعين من الجاهلية
 وحسن المآب والرفق بالله وتجعل ذلك الدعاء استكباراً وتوقد عليه فقال
 سبحانه في كتابه الذين ترغيباً للداعين وترهيباً للسكبين اذ عوفوا استعظمكم
 واما الذين يستكبرون عن عبادتي فسبحلون نعمهم اذ جرت وكان اعظم
 مايتذرك بين المتعبدية الضعيفة المتولد عن سبيل الماديين عليه السلام
 خلافاً من اصلها سيد المرسلين ونفسه في سبيل حصة قدس رب العالمين
 وكان فيها الناطق القوي لكونه لا يفتقر ولا يحتاج في فهم معانيها
 الى ان يتوهم بكم على بعض منها شاعرت نعمة في كتب اللغة وكيفية
 في اخر كل كلام حرفاً من حرف الكتاب الذي اخذت له لينة الناطق اليه
 وان كان في كنهه شيئاً وانحصرت ذلك اختصاراً مبيناً راعاه ان
 ابتدأ بالدعاء القوت القصة من الزم فقل اعد القوي الناطق من الحافظ
 والذكر والفعل والواحد من ابدع الشئ واختصره لئلا يصعب غير
 من استعاب الشئ استنباطاً من بحيث لم يبق منه شيء من الالام القوم
 من البرزخ ما بين الدنيا والاخرة من الموت الى البعث فمن مات ذليلاً
 البرزخ من يرفق الله الكسوف بقا اذ لم يظرف فاذا انقضى يرفق بالشيء
 فاما ان يصر مرقه اذ انقضى من تقاضى القوم اذ انقضى بعضهم الى بعض من
 الرأفة اشد الرقة من ختمت الارض غصها بالكلية فاما كذا الظاهر القوي
 الظاهر في الظاهر من دعاؤه بعد التوبة ذر الله خلق يذره فيهم ذرة
 خلقه من الحاقة الفاضة بما ذكبت فاعامت والماتت في كلامه حلالان
 اى ان افر من شدة الرجل يخطو خط الرجل فوقه ويقلد والخط ما دون
 العن من الرجال لا يكون فيهم امرأة من آداب فلا في عراى عذونت
 من استنبت المرأى عدا وان شتم من يفتد الى القدر وينقذ العن اى يفض
 من القدر العن وكل ما من تنفع من الكذب القل والشوق قال هو كبح في كذا
 اى يكره فيه من دعاوى لجملة العرب من ذاهل من قتر في كذا لافتر

حاشية
 في قوله
 من الجاهلية
 قوله
 استكباراً
 قوله
 توقد عليه
 قوله
 استعظمكم
 قوله
 سبيل الماديين
 قوله
 الناطق القوي
 قوله
 لينة الناطق
 قوله
 اختصره
 قوله
 لئلا يصعب
 قوله
 من الالام
 قوله
 القوم
 قوله
 من البرزخ
 قوله
 من يرفق
 قوله
 فاما ان يصر
 قوله
 من تقاضى
 قوله
 الرأفة اشد
 قوله
 الظاهر القوي
 قوله
 في الظاهر
 قوله
 من دعاؤه
 قوله
 خلقه من
 قوله
 الحاقة
 قوله
 حلالان
 قوله
 خط الرجل
 قوله
 فوقه
 قوله
 يقلد
 قوله
 العن من
 قوله
 الرجال
 قوله
 لا يكون
 قوله
 فيهم
 قوله
 امرأة
 قوله
 من آداب
 قوله
 فلا في
 قوله
 عراى
 قوله
 عذونت
 قوله
 من استنبت
 قوله
 المرأى
 قوله
 عدا
 قوله
 وان شتم
 قوله
 من يفتد
 قوله
 الى القدر
 قوله
 وينقذ
 قوله
 العن
 قوله
 اى يفض
 قوله
 من القدر
 قوله
 العن
 قوله
 وكل ما
 قوله
 من تنفع
 قوله
 من الكذب
 قوله
 القل
 قوله
 والشوق
 قوله
 قال هو
 قوله
 كبح
 قوله
 في كذا
 قوله
 اى يكره
 قوله
 فيه
 قوله
 من دعاوى
 قوله
 لجملة
 قوله
 العرب
 قوله
 من ذاهل
 قوله
 من قتر
 قوله
 في كذا
 قوله
 لافتر

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible]

ایک قرآنہ ارکھم تاکہ سبھی کی رائے معلوم ہو۔

و جنہ زخا
عند و جناست

لَيْتِي لِمَا

الزناط الحلي وطعامهم يهون والذكر ينطق من أصداء لما علقك من القلقة
حرام العطر ولكن لك الغلواء والغل والغفص والمجفد من الشئ يجمع على
وه حلة الرأس والشوى البياض والرخدان والزمان الأوت من الغلام
ترباه وأقواها اذ لم يصيب الغفل من التربة قطعت من الجيب المحض
ص أصاب على الشئ اعترض عليه لأن المعزة الطرية ما عادت من صيد
وغيره من الثمرة ثم عانتها اذ اغتصصها من اللق الودة والظف الشدة
واللق صاحب الودة اللطيف من الحق الغنصم الغفل الجرن النسا مثل
الخناس الرخيخا الزاوية لا يعلمها الماء والزيت مفعلة خنجر لا تدست
بذلك لائم كما واجهه ونحاه من جمع غاصر الركن ربنا الشئ مغلو باصق
وأقت أي هز وولد فانتفع من الرق الكونخوف عن عزى شئ
القمع الواحد من المري يمد من الفرق الشئ المجفد من ورق بكم
اذا لم يكن في عرس سلق الكلام علما اذا أدناه وغوتة القول البان
الغزل النهر الغنص من الكدث الرق من الشئ نه دس وأكثى الجبل
اذا أقل تختم من دعا وكثف الرغبة الشوة العوة والفاضة والشوة
والزناطة الحلة النيص من التي به أي وسط في يد تيز من الزناط
المطام البالية من دعا وكثف التفع الصنع الصنيع الغطاء والصبغة
من الظلال والظلمة هو الظلمة ما يظلم عند الظلام وهو اسم ما عندك
ظلاما أص تضيئ أي انتفع من الضيغ في الامر الضمعة تضيغ في الامر
أي تنفذ دعا وكثف الامحاح ككثف على كلاب في لمرى اذا غارت
على كلاب الظلمة والبحر والاعتاد على غرك من دعا وكثف في الظلمة
ككثف من ظلمت اذا سكت في خصوص او غرها من كمال الوجه ككثف
سقط حمر الوجه ما بالما من الوجه والوجه ما ارتفع من الحدب من
الاستكانة للضوء من الاوصال الما من التلقين التبعين ولقني فغيره
تمت حاشية ابن ادرس على النصفية الكاملة واقف المرام من حسي
تمت حاشية ابن ادرس على الما من التلقين التبعين ولقني فغيره

[Handwritten signature]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

لا اله الا الله محمد رسول الله
 اللهم صل على محمد و آل محمد
 و عافانا من النار
 رعاة في سنة
 الحمد لله

سید الشهدا
 ادرک ایالتی حسن و صواب
 و مع الله جاء لا رياء ارفع
 سید العابد سلیم الله علیه وداوود الی روی
 سید الی صبح الطمانه
 سید للی سید العابد سلیم الله علیه وکرم الله وجهه
 افلاک نام محمد بن سید الشهدا
 هستی و کونی

وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَأَقْرَبُ الْفَرَاخِ مِنْ تَحْلِيْقِهَا ضَوْقُ
 لَهَا اِثْنَيْنِ ثَانِي عَشَرَ
 الْحُمْرُ ثَلَاثَةَ ثَلَاثَةِ
 وَتَعْيِزُونَ عَابِدَ
 نَبِيِّهِ
 بِرَسُولِ الْمُصْطَفَى ابْنِ الْعَلِيمِ

صَارَ
 مِثْلَهُ
 كَيْفَ
 وَرَمَدُ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الدُّعَاءَ عِبَادَةً وَنَدَبَ إِلَيْهِ، وَوَعَدَ الدَّاعِينَ الْإِجَابَةَ وَحُسْنَ الْمَأْبِ وَالرُّلْفَى لَدَيْهِ، وَجَعَلَ تَرْكَ الدُّعَاءِ اسْتِكْبَاراً وَتَوَعَّدَ عَلَيْهِ؛ فَقَالَ - سُبْحَانَهُ - فِي كِتَابِهِ الْمُبِينِ تَرْغِيباً لِلدَّاعِينَ وَتَرْهيباً لِلْمُسْتَكْبِرِينَ: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^١.

وَكَانَ أَعْظَمُ مَا يَتَدَاوَلُ بَيْنَ الْمُتَعَبِّدِينَ، الصَّحِيفَةُ الْمَنْقُولَةُ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ﷺ؛ إِذْ هِيَ خِلَافَةُ ثَمَرَةِ أَصْلُهَا سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَنَفْسُ نَفْسٍ مُتَّصِلَةٌ بِخَضِرَةِ قُدْسِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَكَانَ فِيهَا أَلْفَاظُ لُغَوِيَّةٍ لِكُلِّ أَحَدٍ لَا تَفْهَمُ، وَكَلِمَاتٌ يَخْتَاجُ فِي فَهْمِ مَعَانِيهَا إِلَى أَنْ يَتَرَجَّمُ، فَكَتَبْتُ عَلَى بَعْضِ مِنْهَا شَيْئاً عَثَرْتُ تَغْيِرَةً فِي كُتُبِ اللُّغَةِ عَلَيْهِ، وَكَتَبْتُ فِي آخِرِ كُلِّ كَلَامٍ حَرْفاً مِنْ حُرُوفِ الْكِتَابِ الَّذِي أَخَذْتُ مِنْهُ؛ لِيَتَنَبَّهَ النَّاطِلُ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ مِنْي كَتَبْتُ سِيناً، وَاخْتَصَرْتُ ذَلِكَ اخْتِصَاراً مُبِيناً.

١. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا ابْتَدَأَ بِالدُّعَاءِ

[١] النَّعْتُ: الصِّفَةُ (ص)^٢. [وَقِيلَ: بَيْنَهُمَا فَرْقٌ، وَهُوَ أَنَّ النَّعْتَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَدْحاً نَحْوَ صَالِحٍ وَكَرِيمٍ، وَذَاتِيّاً كَالْبُرُودَةِ فِي الْمَاءِ وَالْحَرَارَةِ فِي النَّارِ. وَالْوَصْفُ يَكُونُ ذَاتِيّاً وَغَيْرَ ذَاتِيٍّ وَمَدْحاً وَذَمّاً.]^٣

[٢] الْوَهْمُ: فِعْلٌ أَحَدٍ الْقَوَى الْبَاطِلَةَ مِنَ الْحَافِظَةِ وَالذَّاكِرَةِ وَالْمُتَخَيِّلَةِ وَالْوَاهِمَةِ

(س).

[٣] اِبْتَدَعَ الشَّيْءَ وَاخْتَرَعَهُ: إِذَا صَنَعَهُ عَنْ غَيْرِ مِثَالٍ (ص) ٢.

[٤] اِسْتِيْعَابُ الشَّيْءِ: اِسْتِيْصَالُهُ (ص) ٣، يَحِيْثُ لَمْ يَبْقَ مِنْهُ شَيْءٌ (س).

[٥] الْآلَاءُ: النِّعَمُ (ص) ٤.

[٦] الْبَرْزُخُ: مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنَ الْمَوْتِ إِلَى الْبَعْثِ، فَمَنْ مَاتَ دَخَلَ فِي

الْبَرْزُخِ (ص) ٥.

[٧] بَرَقَ الْبَصَرُ - بِالْكَسْرِ - يَبْرُقُ بَرَقًا: إِذَا تَحَيَّرَ فَلَمْ يَطْرِفْ ٦. فَإِذَا قَلَّتْ: بَرَقَ - بِالْفَتْحِ

- فَإِنَّمَا تَعْنِي بَرِيقَهُ إِذَا شَخَّصَ (ص) ٧.

[٨] تَضَامُّ الْقَوْمِ: إِذَا انْضَمَّ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ (ص) ٩.

[٩] الرَّأْفَةُ: أَشَدُّ الرَّحْمَةِ (ص) ١٠.

[١٠] جَسَمْتُهُ الْأَمْرَ ١١ تَجَسِّمًا ١٢: إِذَا كَلَّفْتَهُ إِيَّاهُ (ص) ١٣.

[١١] الظَّهِيرُ: الْمُعِينُ. وَالظَّهِيرَةُ: الْهَاجِرَةُ (ص) ١٤.

٢. دُعَاؤُهُ ﷺ بَعْدَ التَّخْمِيدِ

[١٢] [ذَرَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ يَذَرُوهُمْ ذَرَأً: خَلَقَهُمْ (ص) ١٥].

[١٣] الْحَامَةُ: الْخَاصَّةُ. يُقَالُ: كَيْفَ الْحَامَةُ وَالْعَامَةُ؟ وَهُوَ لَاءٍ حَامَةٌ فَلَانٍ: أَيِ

أَقْرَبَاؤُهُ (ص) ١٦.

[١٤] [أَسْرَهُ الرَّجُلُ: رَهَطُهُ ١٧. وَرَهَطُ الرَّجُلِ: قَوْمُهُ وَقَبِيلَتُهُ. وَالرَّهْطُ: مَا دُونَ الْعَشْرَةِ

١. ش: على.

٢. ج ٣، ص ١١٨٣.

٣. ج ١، ص ٢٣٤.

٤. ج ١، ص ٤١٩.

٥. ج ٤، ص ١٤٤٩.

٦. ج ٥، ص ١٩٧٢.

٧. ش: الأمر.

٨. ج ٥، ص ١٨٨٨.

٩. ج ١، ص ٥١ ش: - []

١٠. ج ٢، ص ٥٧٩.

١١. ق: جَسَمْتُهُ الْأَمْرَ تَجَسِّمًا.

١٢. ج ٢، ص ٧٣١.

١٣. ج ٥، ص ١٩٠٧.

١٤. ج ٥، ص ١٩٠٧.

من الرِّجَالِ، لَا تَكُونُ فِيهِمْ امْرَأَةً (ص) ۱.

[۱۵] ذَابَّ ۲ فَلَانَ فِي عَمَلِهِ: أَيِ جَدَّ وَتَعَبَ (ص) ۳.

[۱۶] اسْتَنْبَّ الْأَمْرَ: أَيِ تَهَيَّأَ وَاسْتَقَامَ (ص) ۴.

[۱۷] نَهَدَ إِلَى الْعَدُوِّ وَبَنَهْدَ - بِالْفَتْحِ -: أَيِ نَهَضَ (ص) ۵.

[۱۸] الْعَقْرُ: الْقَصْرُ، وَكُلُّ بِنَاءٍ مُزَنَّقٍ (ص) ۶.

[۱۹] الْكَذْحُ: الْعَمَلُ وَالسُّغْيُ. وَيُقَالُ: هُوَ يَكْذَحُ فِي كَذَا، أَيِ يَكْدُ فِيهِ (ص) ۷.

۳. دُعَاؤُهُ ﷺ بِحَمَلَةِ الْعَرْشِ

[۲۰] سَأَمْتُهُ: إِذَا مِلْتُهُ (ص) ۸.

[۲۱] فَتَرَ فِي كَذَا، إِذَا قَصَرَ فِي / 245a / عَمَلِهِ (ص).

[۲۲] اللَّغُوبُ: التَّعَبُ وَالْإِغْيَاءُ (ص) ۹.

[۲۳] يُقَالُ: فَلَانٌ يَسْتَهْتِرُ بِكَذَا، أَيِ يُوَلِّعُ بِهِ (ص) ۱۰.

[۲۴] الرَّفِيفُ: إِغْتِرَاقُ ۱۱ النَّفْسِ لِلشَّدَةِ (ص) ۱۲.

[۲۵] الرَّخْلُ: مَسْكَنُ الرَّجُلِ وَمَا يَصْحَبُهُ مِنَ الْأَثَابِ (ص) ۱۳.

[۲۶] لَعَجَهُ الضَّرْبُ ۱۴: أَيِ أَلَمَهُ وَأَخْرَقَ جِلْدَهُ (ص) ۱۵. فَلَايِعُ مُحَرَّفٌ ۱۶ (س).

عَالَجْتُ الرَّجُلَ فَعَلَجْتُهُ ۱۷: أَيِ غَلَبْتُهُ. فَالْعَالِجُ: الْغَالِبُ. وَعَالَجْتُ الشَّيْءَ عِلَاجًا، إِذَا

۲. ق: آداب.

۱. ج ۳، ص ۱۱۲۸.

۴. ج ۱، ص ۹۰.

۳. ج ۱، ص ۱۲۳.

۶. ج ۲، ص ۷۵۵.

۵. ج ۱، ص ۵۴۲.

۸. ج ۵، ص ۱۹۴۷.

۷. ج ۱، ص ۳۹۸.

۱۰. ج ۲، ص ۸۵۱.

۹. ج ۱، ص ۲۲۰.

۱۱. ق: اعتراف کہ می باید صحیح آن «اعتراف» باشد. ر. ک: بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۱۰۰.

۱۳. ج ۴، ص ۱۷۰۶.

۱۲. ج ۲، ص ۶۷۰ در «ش» محو شده است.

۱۵. ج ۱، ص ۳۳۸.

۱۴. ق: الهرب.

۱۷. ق: فعملته.

۱۶. ش: محزق.

زَاوَلْتُهُ (ص) ١.

[٢٧] السَّفَرَةُ: الْكُتْبَةُ ٢. الْوَاحِدُ سَافِرٌ كَكَاتِبٍ (ص) ٣.

٤. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

[٢٨] [يقال: تَوَسَّلَ فُلَانٌ إِلَى رَبِّهِ بِوَسِيلَةٍ: إِذَا تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ (ص) ٤ فَخَصَّهُمْ بِالْوَسِيلَةِ: أَيِ جَعَلَهُمْ مِمَّا يُتَوَسَّلُ إِلَيْهِ بِهِمْ. وَيُقَالُ: الْوَسِيلَةُ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ خَصَّ اللَّهُ بِهَا مُحَمَّدًا وَأَهْلَ بَيْتِهِ.

[٢٩] الْقَوَادُ: الْقَلْبُ. وَالْجَمْعُ أَقْنِدَةٌ (ص) ٥.]

٥. دُعَاؤُهُ ﷺ لِاتِّبَاعِ الرُّسُلِ

[٣٠] [يقال: وَفَدَ فُلَانٌ عَلَى الْأَمِيرِ: وَرَدَ رَسُولًا (ص) ٦. فَالْوِفَادَةُ: الرِّسَالَةُ (س).

[٣١] الْعَشِيرَةُ: الْقَبِيلَةُ (ص) ٧.

[٣٢] حُشِنَ الْإِبِلُ: جَمَعَتْهَا وَسُقَّتْهَا. وَحُشِنَ الصَّيْدُ أَحْوَشُهُ ٨. إِذَا جِئْتَهُ ٩ مِنْ حَوَالِيهِ لَتَضَرِّفَهُ إِلَى الْجِبَالَةِ (ص) ١٠.

[٣٣] الْوَجْهُ وَالْجَهَةُ بِمَعْنَى. وَالْهَاءُ عَوَضٌ مِنَ الْوَاوِ. وَالِاسْمُ الْوُجْهَةُ - بِكَسْرِ الْوَاوِ وَضَمُّهَا - (ص) ١١.

[٣٤] الشَّاكِلَةُ: الْخَاصِرَةُ ١٢. وَ«كُلٌّ يَفْعُلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» ١٣ أَيِ طَرِيقَتِهِ وَجِهَتِهِ (ص) ١٤.

[٣٥] الْبَصِيرَةُ: الْحُجَّةُ. وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «بَلِّ الْإِنْسَانَ عَلَى نَفْسِهِ بِصِيرَةٍ» ١٥ أَيِ

١. ج ١، ص ٣٣٠. ٢. ش: الكنية.

٣. ج ٢، ص ٦٨٥-٦٨٦. ٤. ج ٥، ص ١٨٤١.

٥. ج ١، ص ٥١٤ ش: - [] ٦. ج ١، ص ٥٥٠.

٧. ج ٢، ص ٢٧٧. ٨. ش: أحوشته.

٩. ش: جيته. ١٠. ج ٣، ص ١٠٠٢-١٠٠٣.

١١. ج ٦، ص ٢٢٥٤-٢٢٥٥. ١٢. ق: الحاصرة.

١٣. سورة اسراء، آية ٨٤. ١٤. ج ٥، ص ١٧٣٦.

١٥. سورة قیامت، آية ١٤.

حُجَّةٌ (ص) ١.

[٣٦] تَخَالَجَ فِي صَدْرِي مِنْهُ شَيْءٌ، وَذَلِكَ إِذَا شَكَنْتَ فِيهِ (ص) ٢. وَكَأَنَّ اخْتَلَجَ بِمَعْنَى تَخَالَجَ. وَاخْتَلَجَ فِي نَفْسِي ٣ كَذَا: إِذَا كَانَ يَخْطُرُ فِي نَفْسِكَ (ص) ٤.

[٣٧] أَكْتَفْتُ الرَّجُلَ: أَيِ أَعْتَنَهُ. وَالْمُكَانَفَةُ: الْمَعَاوَنَةُ (ص) ٥.

[٣٨] الْوِزْرُ: الْإِثْمُ وَالثَّقْلُ أَيْضاً. وَالْمُوَازِرُ: كَالْمُوَاجِلِ لِأَنَّهُ يَحْمِلُ عَنْهُ وَزْرَهُ: أَيِ

ثِقَلَهُ (ص) ٦.

[٣٩] أَتَفَقَّ الْقَوْمُ: أَيِ تَفَقَّ سَوْفَهُمْ (ص) ٧.

[٤٠] الْبِرُّ: خِلَافُ الْعُقُوقِ (ص) ٨.

٦. دُعَاؤُهُ ﷺ لِنَفْسِهِ

[٤١] رَجُلٌ خَطِيرٌ: أَيِ لَهُ قَدْرٌ وَخَطَرٌ وَعَظَمَةٌ (ص) ٩.

[٤٢] أَذَلَّنَا اللَّهُ عَلَى عَدُوِّنَا، مِنَ الدَّوْلَةِ وَالْإِدَالَةِ (ص) ١٠ أَيِ اجْعَلْنَا غَالِبِينَ لَأَ

مَغْلُوبِينَ (ص) ١١.

[٤٣] النَّاتِبَةُ: الْمُصِيبَةُ (ص) ١٢.

[٤٤] خَذَلَهُ ١٣ خِذْلَانًا: إِذَا تَرَكَ عَوْنَهُ وَنَصْرَتَهُ (ص) ١٤.

[٤٥] الْإِزْفَادُ ١٥: الْإِعْطَاءُ وَالْإِعَانَةُ (ص) ١٦ (١٧).

٢. ج ١، ص ٣١١.

٤. ق: ص.

٦. ج ٢، ص ٨٤٥.

٨. ج ٢، ص ٥٨٨.

١٠. ج ٤، ص ١٧٠٠.

١٢. ج ١، ص ٢٢٩.

١٤. ج ٤، ص ١٦٨٣.

١٦. ق: س.

١. ج ٢، ص ٥٩٢.

٣. ق: نفسه.

٥. ج ٤، ص ١٤٢٤.

٧. ج ٤، ص ١٥٦٠.

٩. ج ٢، ص ٦٤٨.

١١. ق: ص.

١٣. ش: - خذله.

١٥. ق: الإرفاء.

١٧. ج ١، ص ٤٧٢.

[۴۶] خَاصَّةُ الرَّجُلِ: الْمُخْتَصِّصِينَ بِصُحْبَتِهِ وَلَا يَذْهَبُونَ إِلَى غَيْرِهِ (ص).

۷. دَعَاؤُهُ ﷺ فِي الصَّبَاحِ

[۴۷] أَوَّلُجَةٍ: أَدْخَلَهُ. وَقَوْلُهُ تَعَالَى: «يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ»^۱ أَي

يَزِيدُ مِنْ هَذَا فِي ذَاكَ وَمِنْ ذَاكَ فِي هَذَا (ص)^۲.

[۴۸] الْأَمَدُ: الْغَايَةُ كَالْمَدَى (ص)^۳.

[۴۹] نَهَضَ: أَي قَامَ^۴. وَبَهْظَةُ الْجَمَلِ يَبْهَظُهُ بَهْظًا: أَي أَثْقَلَهُ وَعَجَزَ عَنْهُ، فَهُوَ مَبْهُوْظٌ.

وَهَذَا أَمْرٌ بَاهِظٌ: أَي شَاقٌّ (ص)^۵.

[۵۰] نَصَبَ الرَّجُلُ - بِالْكَسْرِ - نَصَبًا: تَعَبَ. وَهُمْ نَاصِبٌ: أَي ذُو نَصَبٍ (ص)^۶.

[۵۱] الْجَمَامُ - بِالْفَتْحِ -: الرَّاحَةُ (ص)^۷.

[۵۲] شَخَّصَ مِنْ / 246a / بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ شُخُوصًا: أَي ذَهَبَ (ص)^۸.

[۵۳] الْكِنُ: السُّتْرَةُ. وَالْجَمْعُ أَكْنَانٌ. وَالْأَكِنَّةُ: الْأَغْطِيَةُ (ص)^۹. فَكُنَّ تَحْتَ الثَّرَى: أَي

اسْتَرَتْ^{۱۱} تَحْتَ الثَّرَى (س).

[۵۴] جَرَّ عَلَيْهِمْ جَرِيرَةً: أَي جَنَى عَلَيْهِمْ جِنَايَةً (ص)^{۱۲}.

[۵۵] الْإِفْتِرَافُ: الْاِكْتِسَابُ (ص)^{۱۳}.

[۵۶] الْبِدْعَةُ: الْحَدَّثُ فِي الدِّينِ. فَهِيَ ضِدُّ السُّنَّةِ (ص)^{۱۴}.

[۵۷] رَجُلٌ نَجِيبٌ: أَي كَرِيمٌ الْأَبْوَانِ (ص)^{۱۵}.

۱. سورة لقمان، آية ۲۹.

۲. ج ۱، ص ۳۴۷.

۳. ج ۱، ص ۴۳۹.

۴. ج ۳، ص ۱۱۱۱.

۵. ج ۳، ص ۱۱۷۱. مربوط به دعای بعدی است اما در هر دو نسخه این جا آمده.

۶. ش: هو.

۷. ج ۱، ص ۲۲۵.

۸. ج ۵، ص ۱۸۹۰.

۹. ج ۳، ص ۱۰۴۳.

۱۰. ج ۶، ص ۲۱۸۸.

۱۱. در «ش» خوانده نمی شود. ظاهراً صحیح «استتر» باشد.

۱۲. ج ۲، ص ۶۱۱.

۱۳. ج ۴، ص ۱۴۱۵.

۱۴. ج ۳، ص ۱۱۸۴.

۱۵. ج ۱، ص ۲۲۲.

٨ دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الْمُهْمَاتِ

- [٥٨] فَتَاتُ الرَّجُلَ: إِذَا كَسَرَتْهُ عَنْكَ (ص) ١.
- [٥٩] الْمُهِمُّ: الْأَمْرُ الشَّدِيدُ (ص) ٢. وَتَلَحُّقُهُ التَّاءُ ٣.
- [٦٠] الْمُلِمَّةُ: النَّازِلَةُ مِنْ نَوَازِلِ الدُّنْيَا (ص) ٤.
- [٦١] الْمَفْزَعُ: الْمَلْجَأُ (ص) ٥.
- [٦٢] تَكَادَنِي الشَّيْءُ وَتَكَاءَ دَنِي: أَيَّ شَقٍّ [عَلَيَّ] (ص) ٦.
- [٦٣] يُقَالُ ٧: ضِغَتْ بِالْأَمْرِ ذَرْعًا، إِذَا لَمْ تُطِيقْهُ وَلَمْ تَقْوِ عَلَيْهِ (ص) ٨.
- [٦٤] مَنَوْتُهُ وَمَنِيَّتُهُ، إِذَا ابْتَلَيْتُهُ ٩ (ص) ١٠.

٩ دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الْإِسْتِعَاذَةِ مِنَ الْمَكَارِهِ

- [٦٥] سُورَةُ الشَّيْءِ: حِدَّتُهُ (ص).
- [٦٦] رَجُلٌ شَكَّسَ - بِالتَّسْكِينِ -: أَيَّ صَغْبُ الْخُلُقِ (ص) ١١.
- [٦٧] الْمُبَاهَاةُ: الْمُفَاخَرَةُ (ص) ١٢.
- [٦٨] الْعَارِفَةُ: الْمَعْرُوفُ، وَهُوَ الْعَطَاءُ (ص) ١٣.
- [٦٩] الْمَلْهُوفُ: الْمَظْلُومُ الَّذِي يَسْتَغِيثُ. وَاللَّهِيفُ: الْمُضْطَرُّ. وَاللَّهْفَانُ: الْمُتَحَسِّرُ (ص) ١٤.

٢. ج. ٥، ص ٢٠٦١.

٤. ج. ٥، ص ٢٠٣٢.

٦. ج. ١، ص ٥٢٦.

٨. ج. ٣، ص ١٢١٠.

١٠. ج. ٦، ص ٢٤٩٨.

١٢. ج. ٦، ص ٢٢٨٨.

١٤. ج. ٤، ص ١٤٢٩.

١. ج. ١، ص ٦٢.

٣. ق: النَّاسُ.

٥. ج. ٣، ص ١٢٥٨.

٧. ش: - يُقَالُ.

٩. ق: ابْتَلَيْتُ.

١١. ج. ٢، ص ٩٣٧.

١٣. ج. ٤، ص ١٤٠٢.

١٠. دَعَاؤُهُ ﷺ فِي الْإِسْتِثْنَاءِ

[٧٠] الْوَهْنُ: ^١ الضَّعْفُ (ص) ^٢.[٧١] مَهِينٌ: أَي حَقِيرٌ (ص) ^٣.[٧٢] أَيْدَتْهُ تَأْيِيدًا: أَي قَوَّيْتُهُ (ص) ^٤.[٧٣] التَّسْدِيدُ: التَّوْفِيقُ لِلتَّسَادُدِ، وَهُوَ الصَّوَابُ. وَالْمُسَدَّدُ: الْمُقْوَمُ (ص) ^٥.[٧٤] الهمس: الصَّوْتُ الْخَفِيُّ (ص) ^٦.

١١. دَعَاؤُهُ ﷺ فِي اللَّجْأِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

[٧٥] الْفَاقَةُ: شِدَّةُ الْفَقْرِ وَالْحَاجَةِ (ص) ^٧.[٧٦] الْوُسْعُ وَالسَّعَةُ: يَقَالَان عَلَى الْجِدَّةِ وَالطَّاقَةِ ^٨ (ص) ^٩.

١٢. دَعَاؤُهُ ﷺ فِي الْإِعْتِرَافِ

[٧٧] الْخَلَّةُ: الْخَصْلَةُ ^{١٠}. وَالْخَلَّةُ: الْحَاجَةُ وَالْفَقْرُ (ص) ^{١١}.[٧٨] الْحَدْوُ ^{١٢}: سَوْقُ الْإِبِلِ وَالْغَنَاءُ لَهَا (ص) ^{١٣} فَكَانَ الْأَصْلُ كَذَلِكَ وَاسْتَعْمِلَ فِيكُلِّ مَا ^{١٤} يَسُوقُ إِلَى الشَّيْءِ (س).[٧٩] اسْتَسْلَمَ: أَي انْقَادَ (ص) ^{١٥}.[٨٠] بَيْسَ الرَّجُلِ فَهُوَ بَائِسٌ: اشْتَدَّتْ حَاجَتُهُ ^{١٦}.

١. ش: -الوهن.

٣. ج ٦ ص ٢٢٠٩.

٥. ج ١ ص ٤٨٢.

٧. ج ٤ ص ١٥٣٧.

٩. ج ٣ ص ١٢٩٨.

١١. ج ٤ ص ١٦٨٧.

١٣. ج ٦ ص ٢٣٠٩.

١٥. ج ٥ ص ١٩٥٢.

٢. ج ٦ ص ٢٢١٥.

٤. ج ١ ص ٤٤٠.

٦. ج ٢ ص ٩٨٨.

٨. ق: + النجاء.

١٠. ق: الحصلة.

١٢. ش: الحدود.

١٤. ق: من.

١٦. ج ٢ ص ٩٠٤.

[٨١] مَقَّتَهُ مَقْتًا: أَبْغَضَهُ (ص) ١.

[٨٢] حَاصٌّ عَنْهُ [يَحْيِصُ حَيْصًا: أَيِ عَدَلَ وَحَادَ. يُقَالُ: مَا عَنْهُ] ٢ مَحِيصٌ: أَيِ مَحِيدٌ وَمَهْرَبٌ (ص) ٣.

[٨٣] إِنْتَابَ فُلَانٌ الْقَوْمَ انْتِيَابًا: أَيِ أَتَاهُمْ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ٤.

[٨٤] عَطَفْتُ: أَيِ مِلْتُ. وَعَطَفْتُ عَلَيْهِ: أَيِ أَشْفَقْتُ ٥ (ص) ٦ وَالْإِشْفَاقُ: بِمَعْنَى الْخَوْفِ ٧. وَبِمَعْنَى الشَّفَقَةِ وَالرَّحْمَةِ.

[٨٥] مِنْ ٨ أَطَافَ بِهِ: أَيِ أَلَمَ بِهِ وَقَارَبَهُ ٩ (ص) ١٠.

[٨٦] أَتَانِي إِلَى اللَّهِ: أَقْبَلَ وَتَابَ (ص) ١١.

[٨٧] أَلَامَ الرَّجُلُ: إِذَا أَتَى بِمَا يُلَامُ عَلَيْهِ (ص) ١٢ وَهُوَ هُنَا اسْمٌ تَفْصِيلُ هَذَا الْفِعْلِ بِمَعْنَى الْمَفْعُولِ، كَأَشْهَرِ بِمَعْنَى مَشْهُورٍ (س).

[٨٨] فَرَطَ بِالْأَمْرِ يَفْرُطُ فَرَطًا: أَيِ قَصَرَ فِيهِ وَصَيَّعَهُ حَتَّى فَاتَ. كَذَلِكَ التَّفْرِيطُ. وَفَرَطَ عَلَيْهِ: أَيِ عَجَلَ وَعَدَا (ص) ١٣.

[٨٩] تَغَاطَمَهُ أَمْرٌ كَذَا: أَيِ عَظُمَ عِنْدَهُ. وَيَقُولُ: أَصَابَنِي مَطَرٌ لَا يَتَغَاطَمُهُ شَيْءٌ: أَيِ لَا يَغْضُطُ عِنْدَهُ شَيْءٌ (ص) ١٤.

[٩٠] اسْتَضَعَبَ عَلَيْهِ: أَيِ صَعَبَ (ص) ١٥ وَاسْتَضَعَبَهُ / 246b / الْأَمْرُ: صَعَبَ عِنْدَهُ، كَمَا فِي يَتَغَاطَمُهُ (س).

[٩١] أَضْرَزْتُ عَلَى الشَّيْءِ: أَيِ أَقَمْتُ ١٦ وَدُمْتُ عَلَى فِعْلِهِ (ص) ١٧.

- | | |
|-------------------|----------------------|
| ١. ج ١، ص ٢٦٦. | ٢. ش: - [] . |
| ٣. ج ٣، ص ١٠٣٥. | ٤. ج ١، ص ٢٢٨ - ٢٢٩. |
| ٥. ش: شَفَقْتُ. | ٦. ج ٤، ص ١٤٠٥. |
| ٧. ق و ش: خَفْتُ. | ٨. ش: - مِنْ. |
| ٩. ق: قَارَبَهُ. | ١٠. ج ٤، ص ١٣٩٧. |
| ١١. ج ١، ص ٢٢٩. | ١٢. ج ٥، ص ٢٠٣٤. |
| ١٣. ج ٣، ص ١١٤٨. | ١٤. ج ٥، ص ١٩٨٨. |
| ١٥. ج ١، ص ١٤٣. | ١٦. ش: قَمْتُ. |
| ١٧. ج ٢، ص ٧١١. | |

[٩٢] الطَّلْبَةُ - بكسر اللام -: ما تَطْلُبُهُ من شَيْءٍ (ص) ^١.

[٩٣] النُّجْحُ والنَّجَاحُ: الظَّفَرُ بالحَوَائِجِ. وقد اُنْجَحْتُ، إِذَا قَضَيْتُهَا (ص) ^٢.

١٣. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الْحَوَائِجِ

[٩٤] عَيَّ - بالياء ^٣ -: تَعَبَ. وَنَصَبَ - بالنون مكسورة - مثله، وبالنون مشددة مثله.

وفي الحديث: «مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الرَّجُلِ تَزَكُّهُ مَا لَا يَعْنِيهِ» أَي يَهْمُهُ ^٤. [عَيَّ و] عَيَّ بِأَمْرِهِ، إِذَا لَمْ يَهْتَدِ لَوَجْهِهِ. وَالْإِدْغَامُ أَكْثَرُ (ص) ^٥.

[٩٥] الْجَهْدُ وَالْجُهُدُ: الطَّاقَةُ. وَقَالَ الْفَرَاءُ: الْجُهُدُ - بضم الجيم ^٦ -: الطَّاقَةُ، وَالْجُهُدُ -

بِالْفَتْحِ -: الْغَايَةُ، مِنْ قَوْلِكَ: إِجْهَدْ جَهْدَكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ، أَي ابْلُغْ غَايَتَكَ. وَالْجُهُدُ - بالكسر -: الْمَشَقَّةُ (ص) ^٧.

[٩٦] التَّكْوُصُ: الْإِحْجَامُ عَنِ الشَّيْءِ وَالرُّجُوعُ عَنْهُ (ص) ^٨.

[٩٧] أَغْدَمَ الرَّجُلُ: افْتَقَرَ، فَهُوَ مُغْدِمٌ (ص) ^٩.

[٩٨] وَجَدَ فِي الْمَالِ وَجْداً وَوَجْداً وَجْدةً: أَي اسْتَعْنَى (ص) ^{١٠}.

[٩٩] رَغِبْتُ فِي الشَّيْءِ، إِذَا أَرَدْتَهُ. وَرَغِبْتُ عَنِ الشَّيْءِ، إِذَا لَمْ تُرِدْهُ وَزَهَدْتُ فِيهِ.

وَالرَّغِيبَةُ ^{١١}: الْعَطِيَّةُ. وَالْجَمْعُ الرِّغَائِبُ (ص) ^{١٢}.

[١٠٠] ضَرَعَ الرَّجُلُ ضَرَاعَةً: أَي خَضَعَ ^{١٣} وَذَلَّ. وَأَضْرَعَهُ غَيْرُهُ ^{١٤} أَذَلَّهُ. وَتَضَرَّعَ إِلَى اللَّهِ

تَعَالَى: أَي ابْتَهَلُ ^{١٥}. [قَالَ الْفَرَاءُ] ^{١٦}: جَاءَ فُلَانٌ يَتَضَرَّعُ: إِذَا جَاءَ يَطْلُبُ إِلَيْكَ

٢. ج. ١، ص ٢٠٩.

٤. ج. ٦، ص ٢٤٢٠.

٦. ش. بالضم.

٨. ج. ٣، ص ١٠٦٠.

١٠. ج. ١، ص ٥٢٤.

١٢. ج. ١، ص ١٣٧.

١٤. ق. عزه.

١٦. ق. قال الفراء.

١. ج. ١، ص ١٧٢.

٣. ق. و ش. بالياء.

٥. ج. ٦، ص ٢٤٤٢.

٧. ج. ١، ص ٢٥٧.

٩. ج. ٥، ص ١٩٨٣.

١١. ق. الرغبة.

١٣. ق. خذع.

١٥. ق. + تضر يتضرع.

الْحَاجَّةُ (ص) ^١.

[١٠١] الْبَثُّ: الْقَطْعُ ^٢.

[١٠٢] وَالسَّبَبُ: الْحَبْلُ. وَالسَّبَبُ أَيْضاً: كُلُّ شَيْءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى غَيْرِهِ (ص) ^٣.

[١٠٣] الْأَبْدُ: الدَّهْرُ. وَالْجَمْعُ الْأَبَادُ. وَالْأَبْدُ: الدَّائِمُ. وَالتَّائِبُ: التَّخْلِيدُ (ص) ^٤.

١٤. دُعَاؤُهُ ﷺ عَلَى الظَّالِمِينَ

[١٠٤] الظُّلْمُ: فِي الْأَصْلِ وَضْعُ الشَّيْءِ فِي غَيْرِ مَحَلِّهِ وَهُوَ ضَعِيفٌ. وَتَظَلَّمَنِي فَلَانُ: أَيِ ظَلَمَنِي. وَتَظَلَّمَ: اشْتَكَى ظُلْمَهُ (ص) ^٥.

[١٠٥] الْحَظَرُ: الْحَجَرُ، وَهُوَ خِلَافُ الْإِيَّاحَةِ. وَالْمَحْظُورُ: الْمَحْرُومُ (ص) ^٦.

[١٠٦] يُقَالُ: نَهَكْتُهُ الْحُمَى، إِذَا أَجْهَدْتُهُ وَأَضْنَيْتُهُ وَنَقَصْتَ ^٧ لَحْمَهُ. وَنَهَكَهُ: أَيِ بَالَعَ فِي عُقُوبَتِهِ. وَأَنْتَهَاكَ الْحَزْمَةَ: تَنَاوَلَهَا بِمَا لَا يَجِلُّ (ص) ^٨.

[١٠٧] حَجَزَهُ يَحْجُزُهُ ^٩: أَيِ مَنَعَهُ (ص) ^{١٠}.

[١٠٨] الْبَطْرُ: الْأَشْرُ ^{١١}، وَهُوَ شِدَّةُ الْمَرْحِ ^{١٢} (ص) ^{١٣}.

[١٠٩] الْغِرَّةُ: الْعُقْلَةُ ^{١٤}. وَالْعَارُ: الْعَافِلُ. تَقُولُ مِنْهُ: اغْتَرَزْتَ يَارَجُلُ (ص) ^{١٥}.

[١١٠] التَّكْبِيرُ وَالْإِنْكَارُ: تَغْيِيرُ الْمُتَكَبِّرِ (ص) ^{١٦}.

[١١١] الْقُلُّ - بِالْفَتْحِ -: وَاحِدُ فُلُولِ السَّيْفِ وَهِيَ كُسُورٌ فِي حَدِّهِ (ص) ^{١٧}.

- | | |
|-----------------------------------|--------------------|
| ١. ج ٣، ص ١٢٤٩. | ٢. ج ١، ص ٢٤٢. |
| ٣. ج ١، ص ١٢٥. | ٤. ج ١، ص ٢٣٦. |
| ٥. ش: - محله و. | ٦. ج ٥، ص ١٩٧٧. |
| ٧. ج ٢، ص ٦٣٤. | ٨. ش: نقصت. |
| ٩. ج ٤، ص ١٦١٣. | ١٠. ق: حجرة يحجره. |
| ١١. ج ٢، ص ٨٦٩. | ١٢. ق: الأسر. |
| ١٣. ش: المرح؛ ق: الفرح؛ ص: المرح. | ١٤. ج ٢، ص ٥٩٢. |
| ١٥. ش: العقلة. | ١٦. ج ٢، ص ٧٦٨. |
| ١٧. ج ٢، ص ٨٣٧. | ١٨. ج ٥، ص ١٧٩٢. |

[١١٢] نَاوَاهُ: أَي غَادَاهُ، وَأَصْلُهُ الْهَمْزَةُ (ص) ١.

[١١٣] سَاعَ لَه مَا فَعَلَ: أَي جَاَزَ لَه ٢ ذَلِكَ (ص) ٣.

[١١٤] الْعَدُو: طَلَبَكَ إِلَى وَالٍ لِيُعَذِّبَكَ ٤ عَلَى مَنْ ظَلَمَكَ، أَي يَنْتَقِمَ مِنْهُ. يُقَالُ:

اسْتَعَذَيْتُ عَلَى فُلَانٍ الْأَمِيرِ فَأَعْدَانِي، أَي اسْتَعَنْتُ بِهِ عَلَيْهِ فَأَعَانَنِي عَلَيْهِ ٥. وَالْإِسْمُ مِنْهُ الْعَدُو، وَهِيَ الْمَعُونَةُ (ص) ٦.

[١١٥] الْحَنَقُ: الْغَيْظُ، وَالْجَمْعُ حِنَاقٌ، كَجَبَلٍ وَجِبَالٍ (ص) ٧.

[١١٦] الْجَلَلُ: الْأَمْرُ الْعَظِيمُ. وَالْجَلَلُ أَيْضاً: الْهَيْئُ وَهُوَ مِنَ الْأَضْدَادِ / 247a. قَالَ أَمْرُو

الْقَيْسِ لَمَّا قُتِلَ أَبُوهُ: «أَلَا كُلُّ شَيْءٍ سِوَاهُ جَلَلٌ» أَي هَيْئٌ يَسِيرٌ (ص) ٨.

[١١٧] السَّوَاءُ: الْخَلَّةُ الْقَبِيحَةُ (ص) ٩.

[١١٨] وَجَدَ عَلَيْهِ مَوْجِدَةً، إِذَا غَضِبَ (ص) ١٠.

[١١٩] الرُّزَاءُ: الْمُصِيبَةُ ١١، وَالْجَمْعُ: الْأَرْزَاءُ. وَرَزَأْتُ الرَّجُلَ أَرْزُوهُ رُزْأً وَمَرْزُئَةً، إِذَا

أَصَبَتْ مِنْهُ خَيْرٌ (ص) ١٢.

[١٢٠] الْقُنُوطُ: الْيَأْسُ (ص) ١٣.

[١٢١] حَاضِرَتُهُ: جَائِئَتُهُ عِنْدَ السُّلْطَانِ وَهُوَ كَالْمُبَالَغَةِ ١٤ وَالْمُكَائِرَةِ (ص) ١٥ وَكَأَنَّهُ هُنَا

بِمَعْنَى الْمُمَانَعَةِ (س).

[١٢٢] اضْطَرَّ إِلَى الشَّيْءِ أَي: أُلْجِئَ ١٦ إِلَيْهِ. اضْطَرَّ إِلَى الشَّيْءِ: أَي مَسَّهُ ضَرَرٌ لَا يَزُولُ إِلَّا

بِوُجُودِهِ (س).

- | | |
|------------------------|-----------------------|
| ٢. ق: جُوزَه. | ١. ج ٦، ص ٢٥١٧. |
| ٤. ق: لِيَعِينِكَ. | ٣. ج ٤، ص ١٣٢٢. |
| ٦. ج ٦، ص ٢٤٢١. | ٥. ق: - عَلَيْهِ. |
| ٨. ج ٤، ص ١٦٥٩. | ٧. ج ٤، ص ١٤٦٥. |
| ١٠. ج ١، ص ٥٤٤. | ٩. ج ١، ص ٥٦. |
| ١٢. ج ١، ص ٥٣. | ١١. ش: الْمَعْصِيَةِ. |
| ١٤. ق: الْمَغَالِبَةِ. | ١٣. ج ٣، ص ١١٥٥. |
| ١٦. ج ٢، ص ٧٢٠. | ١٥. ج ٢، ص ٦٣٣. |

[١٢٣] أَرْضَيْتُهُ عَنِّي وَرَضَيْتُهُ - بِالتَّشْدِيدِ - أَيْضاً فَرَضِي^١. وَتَرْضَيْتُهُ: أَرْضَيْتُهُ بَعْدَ جُهْدٍ (ص) ٢.

[١٢٤] الْهَلَعُ: أَفْحَشُ الْجَزَعِ، وَهُوَ الْخَوْفُ (ص) ٣.

١٥. دُعَاؤُهُ ﷺ عِنْدَ الْمَرَضِ

[١٢٥] مَحَضْتُ الذَّهَبَ بِالنَّارِ: خَلَصْتُهُ مِمَّا يَشُوْبُهُ. وَالتَّمْجِیْصُ^٤: الْإِبْتِلَاءُ وَالْإِخْتِبَارُ (ص) ٥.

[١٢٦] التُّخْفَةُ: مَا أَتَخَفْتَ بِهِ غَيْرَكَ مِنَ الْبِرِّ وَاللُّطْفِ، وَكُلُّ شَيْءٍ نَفِيسٍ أَهْدَيْتَهُ إِلَيْهِ (ص) ٦.

[١٢٧] غَمَسْتَهُ فِي الْمَاءِ وَغَيْرِهِ: إِذَا وَارَيْتَهُ فِيهِ (س).

[١٢٨] الْخَوْبُ - بِالضَّم - الْإِثْمُ (ص) ٧.

[١٢٩] الرُّوْحُ: الرَّاحَةُ. وَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ: أَي رَحْمَةٌ وَرِزْقٌ (ص) ٨.

١٦. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا اسْتَقَالَ مِنْ دُنُوبِهِ

[١٣٠] أَوْقَرَهُ: أَي أَثْقَلَهُ. وَالْوَقْرُ - بِالْفَتْح -: الثَّقُلُ فِي الْأُذُنِ. وَالْوَقْرُ - بِالْكَسْرِ -: الْجِمْلُ (ص) ٩.

[١٣١] الْعَقَرُ - بِالتَّحْرِيكِ -: التُّرَابُ. وَعَقَرَهُ تَغْفِيرًا: أَي مَرَّعَهُ^{١٠} فِي التُّرَابِ (ص) ١١.

[١٣٢] حَابَ الرَّجُلِ خَيْبَةً: إِذَا لَمْ يَنْلُ مَا طَلَبَ (ص) ١٢.

[١٣٣] يُقَالُ: هَذَا دُونَ ذَاكَ: أَي أَقْرَبُ مِنْهُ (ص) ١٣.

١. ق: فترضى. ج ٢، ٦، ص ٢٣٥٧.

٢. ق: التمجيص. ج ٣، ص ١٣٠٨.

٣. ج ٢، ص ١٠٥٦.

٤. ج ١، ص ١١٦.

٥. ج ٢، ص ٨٤٨-٨٤٩.

٦. ج ٢، ص ٧٥١.

٧. ج ١، ص ١٢٣.

٨. ج ١، ص ١٢٣.

٩. ج ١، ص ١٢٣.

١٠. ج ١، ص ١٢٣.

١١. ج ١، ص ١٢٣.

١٢. ج ١، ص ١٢٣.

١٣. ج ١، ص ١٢٣.

[١٣٤] جَبَّهْتُهُ بِالْمَكْرُورِ: إِذَا اسْتَقْبَلْتَهُ بِهِ (ص) ١.

[١٣٥] وَجَبَ الْقَلْبُ وَجِيبًا: اضْطَرَبَ (ص) ٢.

[١٣٦] نَفَضْتُ الثُّوبَ وَالشَّجَرَ أَنْفَضَهُ نَفْضًا: إِذَا حَرَّكَتَهُ لِيَقَعَ مَا عَلَيْهِ (ص) ٣ وَانْتَفَضَ

بِنَفْسِهِ: أَي تَحَرَّكَ حَرَكَةً قَوِيَّةً سَرِيعَةً (س).

[١٣٧] جَاَزَ الرَّجُلُ إِلَى اللَّهِ: أَي تَضَرَّعَ إِلَيْهِ. وَجَاَزَ أَي صَاخَ (ص) ٤.

[١٣٨] الْمَعَايِبُ: الْعُيُوبُ (ص) ٥ وَالْعَائِبُ: ذُو الْعَيْبِ. وَالْعَائِيَةُ: ذَاتُ الْعَيْبِ. وَكَأَنَّ

الْعَائِيَةُ صِفَةٌ لِمَوْصُوفٍ أَي الْخَصْلَةُ ٦ الْعَائِيَةُ (س).

[١٣٩] الشَّنَارُ: الْعَيْبُ وَالْعَارُ (ص) ٧.

[١٤٠] الرَّشَادُ: خِلَافُ الْعَيِّ (ص) ٨.

[١٤١] الْحَظُّ: النَّصِيبُ وَالْجَدُّ (ص) ٩.

[١٤٢] أَنَاهُ يُؤْنِيهِ إِينَاءً: أَي أَخْرَهُ وَحَبَسَهُ وَأَبْطَأَهُ. وَأَنَاةٌ مِثْلُ قَنَاءَةٍ. وَأَنَاةُ اللَّيْلِ: سَاعَاتُهُ.

قَالَ الْأَخْفَشُ: وَاحِدُهَا إِنِّي مِثْلُ مِيعَى وَأَمْعَاءَ (ص) ١٠.

[١٤٣] تَأَنَّى فِي الْأَمْرِ: أَي تَرَفَّقَ ١١ وَتَنَظَّرَ. وَاسْتَأَنَّى بِهِ: أَي انْتَظَرَ بِهِ (ص) ١٢.

[١٤٤] رَدَعْتُهُ عَنِ الشَّيْءِ أَرَدَعُهُ رَدْعًا فَارْتَدَعَ ١٣: أَي كَفَفْتُهُ فَكَفَّ (ص) ١٤.

[١٤٥] الْإِفْلَاحُ عَنِ الْأَمْرِ: الْكَفُّ عَنْهُ. يُقَالُ: أَفْلَحَ فُلَانٌ عَمَّا كَانَ عَلَيْهِ (ص) ١٥.

[١٤٦] خَلَقَ الثُّوبُ - بِالضَّمِّ - خُلُوقَةً: أَي رَثَّ وَبَلِيَّ. وَأَخْلَقْتُهُ: أَي خَلَقْتُهُ ١٦

١. ج ٦، ص ٢٢٣.

٢. ج ٣، ص ١١٠٩.

٣. ج ١، ص ١٩٠.

٤. ج ٢، ص ٧٠٤.

٥. ج ٣، ص ١١٧٢.

٦. ج ١، ص ٤٧١.

٧. ج ١٠، ص ٢٢٧٣.

٨. ج ١٢، ص ١٢١٨.

٩. ج ٣، ص ١٢٧٠.

١٠. ج ١، ص ٢٣٢.

١١. ج ٢، ص ٦٠٧.

١٢. ش: الخصلة.

١٣. ج ١، ص ٤٧١.

١٤. ج ١٠، ص ٢٢٧٣.

١٥. ج ١٢، ص ١٢١٨.

١٦. ش: جعلته.

خَلَقًا (ص) ١.

[١٤٧] الشَّنَاعَةُ: الفَظَاعَةُ والقَبَاحَةُ. وقد شَنَعَ الشَّيْءُ - بالضم - فهو شَنِيعٌ وَأَشْنَعُ (ص) ٢.

[١٤٨] التَّهَوُّرُ: الوُقُوعُ فِي الشَّيْءِ بِقِلَّةِ مُبَالَاةٍ / 247b (ص) ٣.

[١٤٩] رَجُلٌ يَقِطُّ: أَي مَتَقِطٌ ٤ حَذِرَ. وَأَيَقَطْتُهُ مِنْ نَوْمِهِ: أَي نَبَهْتُهُ (ص) ٥.

[١٥٠] التَّرْقُبُ ٦ وَالْإِزْيَابُ: الْإِنْتِظَارُ (ص) ٧.

[١٥١] التَّوْبِيخُ: التَّهْدِيدُ وَالتَّأْنِيْبُ وَالتَّعْزِيزُ ٨ (ص) ٩.

[١٥٢] اسْتَرْقَى مَمْلُوكَهُ، وَأَرْقَاهُ، وَهُوَ تَقِيضُ أَغْتَقَهُ (ص) ١٠.

[١٥٣] الشُّغْرُ ١١ - بالضم -: وَاحِدُ أَشْفَارِ الْعَيْنِ، وَهِيَ حُرُوفُ الْأَجْفَانِ الَّتِي يَنْبُتُ عَلَيْهَا الشُّغْرُ، وَهُوَ الْهُدْبُ (ص) ١٢.

[١٥٤] النَّحْبُ: الْمُدَّةُ وَالْوَقْتُ. يُقَالُ: قَضَى فُلَانٌ نَحْبَهُ. وَالنَّحِيبُ: رَفَعَ الصَّوْتِ بِالْبُكَاءِ. وَالْإِنْتِخَابُ مِثْلُهُ (ص) ١٣.

[١٥٥] الْإِنْتِشَارُ: انْتِفَاحٌ فِي عَصَبِ الدَّابَّةِ، وَيَكُونُ ذَلِكَ مِنْ أَعْظَمِ ١٤ التَّعَبِ (ص) ١٥.

[١٥٦] الصَّلْبُ: الظَّهْرُ (ص) ١٦.

[١٥٧] تَفَقَّأَ: أَي انْفَجَرَ وَسَالَ مَا فِيهِ (ص).

[١٥٨] حَدَقَةُ الْعَيْنِ: سَوَادُهَا الْأَعْظَمُ، وَالْجَمْعُ حَدَقٌ وَحِدَاقٌ ١٧ (ص) ١٨.

١. ج ٤، ص ١٢٧٢.

٢. ج ٢، ص ٨٥٦.

٣. ج ٢، ص ٧٠١.

٤. ج ٢، ص ٧٠١.

٥. ج ٢، ص ٧٠١.

٦. ج ٢، ص ٧٠١.

٧. ج ٢، ص ٧٠١.

٨. ج ٢، ص ٧٠١.

٩. ج ٢، ص ٧٠١.

١٠. ج ٢، ص ٧٠١.

١١. ج ٢، ص ٧٠١.

١٢. ج ٢، ص ٧٠١.

١٣. ج ٢، ص ٧٠١.

١٤. ج ٢، ص ٧٠١.

١٥. ج ٢، ص ٧٠١.

١٦. ج ٢، ص ٧٠١.

١٧. ج ٢، ص ٧٠١.

[١٥٩] كَلَّلْتُ مِنَ الشَّيْءِ: أَيِ عَيَّيْتُ (ص) ١.

[١٦٠] الْأَفَاقُ: التَّوَاجِي ٢.

[١٦١] تَعَمَّدَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ: غَمَرَهُ بِهَا. وَتَعَمَّدْتُ فَلَانًا: أَيِ سَتَرْتُ مَا كَانَ مِنْهُ

وَعَطَيْتُهُ (ص) ٢.

[١٦٢] فَضَحَهُ ٣ فَافْتَضَحَ: إِذَا انْكَشَفَ ٥ مَسَاوِيُهُ. وَالاسْمُ: الْفَضِيحَةُ (ص) ٦.

[١٦٣] تَأَنَّى فِي الْأَمْرِ: أَيِ تَرَفَّقَ ٧ وَتَنَظَّرَ (ص) ٨.

[١٦٤] الْجِلْمُ - بِالْكَسْرِ -: الْعَفْوُ وَتَرَكُ الْمُوَاخَذَةِ فِي الْحَالِ (س).

[١٦٥] الْإِفْضَالُ: الْإِحْسَانُ. وَأَفْضَلَ عَلَيْهِ وَتَفَضَّلَ عَلَيْهِ بِمَعْنَى، أَيِ أَحْسَنَ إِلَيْهِ (ص) ٩.

[١٦٦] الْكَذَرُ: خِلَافُ الصُّفْرِ. وَكَذَلِكَ تَكَذَّرَ (ص) ١٠.

[١٦٧] الطَّلِيْقُ: الْأَسِيرُ الَّذِي أُطْلِقَ عَنْ إِسَارَتِهِ وَخُلِيَ سَبِيلُهُ (ص) ١١.

[١٦٨] [الْعِنَقُ] ١٢: الْكَرَمُ وَالْحُرِّيَّةُ ١٣.

١٧. دُعَاؤُهُ ﷺ عَلَى الشَّيْطَانِ

[١٦٩] نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنَهُمْ يَنْزَعُ نَزْعًا: أَيِ أَفْسَدَ وَأَغْرَى (ص) ١٤.

[١٧٠] الْكَيْدُ: الْمَكْرُ. كَادَهُ يَكِيدُهُ ١٥ مَكِيدَةً. وَالْمَكَائِدُ جَمْعُ مَكِيدَةٍ (ص) ١٦ وَالْكَيْدُ

هُوَ أَنْ يَفْعَلَ مِنْ جَنَى عَلَيْكَ فِعْلًا يُقَابِلُ جَنَائَتَهُ بِغَيْرِ شُعُورِهِ (س).

[١٧١] الْأُمِّيَّةُ: وَاحِدَةُ الْأَمَائِي. نَقُولُ: تَمَثَّيْتُ الشَّيْءَ، وَتَمَثَّيْتُ غَيْرِي. وَتَمَثَّيْتُ

٢. ج ٥ ص ١٨١١.

٣. ق: فضحة.

٤. ج ١ ص ٣٩١.

٥. ج ٦ ص ٢٢٧٣.

٦. ج ٢ ص ٨٠٣-٨٠٤.

٧. ق: العنق.

٨. ج ٤ ص ١٣٢٧.

٩. ج ١ ص ٥٣٠.

١. ج ٥ ص ١٨١١.

٢. ج ١ ص ٥١٤.

٣. ق: انكشف.

٤. ق: توفق.

٥. ج ٥ ص ١٧٩١.

٦. ج ٤ ص ١٥١٨.

٧. ج ٤ ص ١٥٢٠. ش: - { }.

٨. ق: يكيد.

الكتاب: قَرَأْتُهُ. ومنه قوله تعالى: ﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي﴾^١.

[١٧٢] خَسَأْتُ الْكَلْبَ خَسَأً: أَي طَرَدْتُهُ (ص)^٢.

[١٧٣] الْكَيْبُ: الصَّرْفُ^٤ وَالْإِذْلَالُ. وَالتَّكْيِيبُ: التَّجْبِيبُ. يُقَالُ: كَبَّتِ اللَّهُ الْعَدُوَّ: أَي

صَرَفَهُ وَأَذَلَّهُ (ص)^٥.

[١٧٤] رَدَمْتُ الثُّلَمَةَ أَرَدَمُهَا - بِالْكَسْرِ - أَي سَدَدْتُهَا. وَالرَّذْمُ: [الِاسْمُ وَ] ^٦هُوَ

السُّدُّ (ص)^٧.

[١٧٥] الْمُضْصَمْتُ: الَّذِي لَا خَوْفَ لَهُ^٨ (ص)^٩.

[١٧٦] فَتَقْتُ الشَّيْءَ فَتَقًا: أَي سَقَقْتُهُ^{١٠} (ص)^{١١}.

[١٧٧] الْخَنْزُ: الْغَدْرُ (ص)^{١٢} وَهُوَ الْإِنْتِقَامُ عَلَى غَيْرِ مَعْرِفَةِ الْمُتَنَقِمِ مِنْهُ (س).

[١٧٨] أَمْتَعَهُ اللَّهُ وَمَتَّعَهُ بِمَعْنَى، وَهُوَ الْإِنْتِفَاعُ (ص)^{١٣} بِالشَّيْءِ مِنْ غَيْرِ تَكْلِفٍ وَلَا

تَشْوِيشٍ (س)^{١٤}.

[١٧٩] الْهَدَى: الرَّشَادُ وَالِدَّلَالَةُ عَلَى الصَّوَابِ (ص)^{١٥}.

[١٨٠] سَوَّلْتُ لَهُ نَفْسَهُ أَمْرًا: أَي زَيَّنْتُهُ (ص)^{١٦}.

[١٨١] رَكَنَ إِلَيْهِ يَزْكُنُ رُكُونًا: أَي مَالَ إِلَيْهِ وَسَكَنَ وَوَثِقَ بِهِ (ص)^{١٧}.

[١٨٢] الدَّرْعُ: الدَّفْعُ (ص)^{١٨}.

[١٨٣] وَلَغِئْتُ بِهِ أَوْلَعْتُ وَلَعًا وَوَلُوعًا / 248a: مَا زِلْتُ مُغِيرًا بِهِ وَمُجَبِّيًا لِفِعْلِهِ (ص)^{١٩}.

٢. ج. ٦، ص. ٢٤٩٨.

٤. ش: الطرف.

٦. ق: - { }.

٨. ش: خوف.

١٠. ق: شققت.

١٢. ج. ٢، ص. ٦٤٢.

١٤. ق: من.

١٦. ج. ٥، ص. ١٧٣٣.

١٨. ج. ١، ص. ٤٨.

١. سورة بقره، آية ٧٨.

٣. ج. ١، ص. ٤٧.

٥. ج. ١، ص. ٢٦٢.

٧. ج. ٥، ص. ١٩٣٠.

٩. ج. ١، ص. ٢٥٧.

١١. ج. ٤، ص. ١٥٣٩.

١٣. ج. ٣، ص. ١٢٨٢.

١٥. ج. ٦، ص. ٢٥٣٣.

١٧. ج. ٥، ص. ٢١٢٦.

١٩. ج. ٣، ص. ١٣٠٤.

[١٨٤] [الصَّاحِبُ بِالْجَنِبِ: صَاحِبُكَ] (ص) ١.

[١٨٥] يُبْطِئُ عَنِ الْأَمْرِ تَبْطِئًا: شَغَلَهُ عَنْهُ (ص) ٢. وَتَبْطِئُهُ عَنِ النَّهْوِصِ ٣ إِلَى أَمْرِ كَذَا:

رَغَبَهُ فِي الْقُعُودِ (س).

[١٨٦] الْكَهْفُ: كَالْيَتِيمِ الْمُنْقَوِرِ ٤ فِي الْجَبَلِ. يَقَالُ: فَلَانٌ كَهَفٌ: أَي مَلْجَأٌ (ص) ٥.

[١٨٧] نَاوَاهُ: أَي عَادَاهُ (ص) ٦.

١٨. دُعَاؤُهُ ٥ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَخْذَرُ

[١٨٨] ظَلَلْتُ ٧ أَغْمَلْتُ كَذَا - بِالْكَسْرِ - ظُلُولًا، إِذَا عَمِلْتَهُ بِالنَّهَارِ (ص) ٨.

[١٨٩] الْوِزْرُ: الْإِثْمُ وَالثَّقْلُ (ص) ٩.

١٩. دُعَاؤُهُ ٥ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ

[١٩٠] الْغَيْثُ: الْمَطَرُ (ص) ١٠.

[١٩١] الْمُغْدِقُ وَالْعَدَقُ: هُوَ الْمَاءُ الْكَثِيرُ (س).

[١٩٢] شَيْءٌ أَيْقَنَ: أَي حَسَنَ. وَأَتَقَنِيَ الشَّيْءُ: أَغْجَبَنِي. وَتَأَنَّقَ فِي الْأَمْرِ، إِذَا عَمِلَهُ ١١

بِإِتْقَانٍ ١٢ (ص) ١٣. فَالْمُؤَيَّقُ: الْمُعْجِبُ الْمُحَسَّنُ (س).

[١٩٣] يَنْعَ الثَّمَرُ ١٤ يَنْبَعُ وَيَنْبَعُ ١٥ يَنْعَا وَيُنُوعَا: أَي نَضِجَ، وَأُتْبِعَ مِثْلُهُ (ص) ١٦.

١. ج ١، ص ١٠١، ش: - []

٢. ج ٣، ص ١١٧.

٣. ق: النهوص.

٤. ج ٤، ص ١٤٢٥.

٥. ق: ظلت.

٦. ج ٢، ص ٨٢٥.

٧. ق: علمه.

٨. ج ٤، ص ١٤٤٧.

٩. ق: - يينع.

١٠. ج ٣، ص ١٣١٠.

١١. ج ٣، ص ١٣١٠.

[١٩٤] غَزَزَ الشَّيْءُ - بالضم - يَغْزُزُ، فهو غَزِيزٌ: أي كَثِيرٌ (ص) ١.

[١٩٥] لِلْسَّحَابِ دِرَّةٌ: أي صَبٌّ. والجمع دَرَرٌ (ص) ٢.

[١٩٦] الْوَابِلُ: الْمَطَرُ الشَّدِيدُ ٣ (ص) ٤.

[١٩٧] الْفَوْتُ - بالضم -، وهو ما يَقُومُ بِهِ ٥ بَدَنُ الْإِنْسَانِ مِنَ الطَّعَامِ (ص) ٦.

[١٩٨] إِزْتَكَمَ الشَّيْءُ وَتَرَاكَمَ: إِذَا اجْتَمَعَ. وَالرُّكَامُ وَالْمُتَرَاكِمُ: الْمُجْتَمِعُ (ص) ٧.

[١٩٩] مَطَرٌ طَبَقَ: أي غَامٌ (ص) ٨.

[٢٠٠] الْمَجْلَجِلُ: السَّحَابُ الَّذِي فِيهِ صَوْتُ الرَّغْدِ. وَجَلَجَلْتُ الشَّيْءَ: إِذَا خَرَّكَتَهُ

بِيَدِكَ (ص) ٩.

[٢٠١] الْوَذْقُ: الْمَطَرُ. وَقَدْ وَدَقَ يَدِقُّ وَذَقًا: أي فَطَرَ (ص) ١٠.

[٢٠٢] رَجُلٌ خَلَّابٌ وَخَلْبُوتٌ ١١: أي خَدَاعٌ كَذَّابٌ. وَالتَّبَزُّقُ الْخُلْبُ: الَّذِي لَا غَيْثَ فِيهِ،

كَأَنَّهُ خَادِعٌ، وَمِنْهُ قِيلَ لِمَنْ يَعِدُ وَلَا يُنَجِّزُ: إِنَّمَا أَنْتَ كَبْرَقِي خُلْبٍ. وَالْخُلْبُ: السَّحَابُ الَّذِي لَا مَطَرَ فِيهِ ١٢.

[٢٠٣] أَمْرَعُ: أي أَكْلَأُ أَوْ كَلَأُ. أَنْبَتَ الْكَلَأُ، وَهُوَ الْعُشْبُ (س).

[٢٠٤] الْجُبُّ: الْبَيْتُ الَّذِي لَمْ تُطَوَّ، وَجَمَعُهَا جِبَابٌ وَجِبَبَةٌ ١٣ (ص) ١٤. طَيَّ الْبَيْتَ

عِمَارَتَهُ ١٥ بِالْحَجَرِ أَوْ غَيْرِهِ لَوْ خَادَةَ أَرْضِهَا ١٦.

[٢٠٥] نَعَشَهُ اللَّهُ يَنْعِشُهُ ١٧ نَعْشًا: رَفَعَهُ (ص) ١٨. وَنَعَشَهُ بِكَذَا: لَذَذَهُ بِهِ. ١٩ وَانْتَعَشَ

٢. ج ٢، ص ٦٥٦

٤. ج ٥، ص ١٨٤٠

٦. ج ١، ص ٢٦١

٨. ج ٤، ص ١٥١٢

١٠. ج ٤، ص ١٥٦٣

١٢. ج ١، ص ١٢٢

١٤. ج ١، ص ٩٦

١٦. ش: + جباب وجيبة.

١٨. ج ٣، ص ١٠٢١

١. ج ٢، ص ٧٧٠

٣. ق: السديد.

٥. ش: - به.

٧. ج ٥، ص ١٩٣٦

٩. ج ٤، ص ١٦٥٩

١١. ق: مغلوب؛ ش: خلوب؛ ص: متن.

١٣. ش: - جباب وجيبة.

١٥. ش: عمارتها.

١٧. ق: - ينعشه.

١٩. ق: - به.

بِكَذًا: أَيِ التَّذُّ (س).

[۲۰۶] نَهَضَ النَّبْتُ: أَيِ اسْتَوَى (ص) ^۱ فَهُوَ نَاهِضٌ وَنَهِيضٌ (س).

[۲۰۷] هَاضَ الْعَظْمُ يَهِيضُهُ هَيْضًا: أَيِ كَسَرَهُ بَعْدَ الْجُبُورِ، فَهُوَ مَهِيضٌ (ص) ^۲.

[۲۰۸] الضَّرْعُ لِكُلِّ ذَاتِ ظِلْفٍ أَوْ خُفٍّ، يُزَادُ بِهِ التَّذْيُّ (ص) ^۳.

[۲۰۹] الطَّلُّ: أَوْعَفُ الْمَطَرِ. وَطَلَّةُ الرَّجُلِ: امْرَأَتُهُ ^۴.

[۲۱۰] السَّمُومُ: الرِّيحُ الْحَارَّةُ. وَالْجَمْعُ سَمَائِمٌ (ص) ^۵.

[۲۱۱] الْحَسْمُ: الْقَطْعُ. وَيَقَالُ: الْحُسُومُ: السُّومُ ^۶. وَيَقَالُ: اللَّيَالِي الْحُسُومُ؛ لِأَنَّهَا تَقْطَعُ

الْحَبِيرَ ^۷ عَنْ أَهْلِهَا (ص) ^۸.

[۲۱۲] الصُّوبُ: نُزُولُ الْمَطَرِ. وَالصَّيْبُ: السَّحَابُ ذُو ^۹ الصُّوبِ. وَصَابَ: أَيِ نَزَلَ.

وَتَقُولُ: صَابَهُ الْمَطَرُ أَيِ أَمَطَرَ (ص) ^{۱۰}.

[۲۱۳] الْأَجَّةُ: شِدَّةُ الْحَرِّ وَتَوَهُجِهِ. وَالْجَمْعُ إِجَاجٌ، مِثْلُ جَفْنَةٍ وَجِفَانٍ. وَمَاءٌ أَجَاجٌ: أَيِ

مِلْحٌ ^{۱۱} مَرٌّ (ص) ^{۱۲}.

۲۰. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ

[۲۱۴] الْمَوْفُورُ: الشَّيْءُ الثَّامُ (ص) ^{۱۳}.

[۲۱۵] اسْتَفْرَغْتُ أَيَّامِي فِي كَذًا، إِذَا كَانَتْ بِجَمِيعِهَا مَبْدُولَةً فِيهِ (س).

۱. ج. ۳، ص. ۱۱۱۱. ۲. ج. ۳، ص. ۱۱۱۳.

۳. ج. ۳، ص. ۱۲۴۹. ۴. ج. ۵، ص. ۱۷۵۲.

۵. ج. ۵، ص. ۱۹۵۴. ۶. ش: السُّوم.

۷. ش: الخبير. ۸. ج. ۵، ص. ۱۸۹۹.

۹. ص: دون (۴). به یقین ابن کلمه در صحاح «ذو» بوده است ولی در نسخه چاپی که ما از آن استفاده کرده ایم اشتباه

ضبط شده است. ضبط صحیح کلمه را می توان در مختار الصحاح، محمد بن عبد القادر، ص ۱۹۷ و نقل قول علامه

مجلسی از صحاح در بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۹۴ یافت. همچنین ر. ک: لسان العرب، ج ۱، ص ۵۳۴.

۱۰. ج. ۱، ص. ۱۶۴. ۱۱. ش: مالح.

۱۲. ج. ۱، ص. ۲۹۷. ۱۳. ج. ۲، ص. ۸۴۷.

[۲۱۶] الْكِبَرُ: التَّكْبِيرُ (س).

[۲۱۷] الْعُجْبُ / 248b /: هُوَ أَنْ يَخْصَلَ لِلْعَابِدِ^۱ فِي نَفْسِهِ أَنَّهُ عَبْدٌ كَثِيرًا (س).

[۲۱۸] الْمَنْ: الْقَطْعُ، وَيُقَالُ: النُّقْصُ. وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: «فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»^۲. وَمَنْ

عَلَيْهِ مَنَّا: أَنْعَمَ عَلَيْهِ. وَمَنْ عَلَيْهِ مِئَةٌ: أَيِ امْتَنَّ. يُقَالُ: الْمِئَةُ تَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ^۳ (ص) ۴.

[۲۱۹] بِذَلَّةٍ: أَيِ مَبْذُولًا (س).

[۲۲۰] الْفَخْرُ وَالْإِفْتِحَارُ: عَدُوُّ الصُّفَاتِ الْحَسَنَةِ (ص) ۵.

[۲۲۱] رَتَعَتِ الْمَاشِيَةَ تَرْتَعُ رُتُوعًا: أَيِ أَكَلَتْ مَا شَاءَتْ. وَاسْمُ الْمَكَانِ مِنْهُ

مَرْتَعٌ (ص) ۶.

[۲۲۲] مَقْتَهُ مَقْتًا: أَيِ أَبْغَضَهُ (ص) ۷.

[۲۲۳] الْأَكْرَوْمَةُ مِنَ الْكَرَمِ، كَالْأَعْجُوبَةِ مِنَ الْعَجَبِ (ص) ۸.

[۲۲۴] السَّنَانُ - بِالْفَتْحِ -: الْبُغْضُ (ص) ۹.

[۲۲۵] عَقٌّ وَالِدَهُ يَعْقُ عَقُوقًا وَمَعَقَةً، فَهُوَ عَاقٌ (ص) ۱۰. أَيِ سَبَّهُ وَشَتَمَهُ (س).

[۲۲۶] الْمِقَّةُ: الْمَحَبَّةُ. وَالْهَاءُ عِوَضٌ مِنَ الْوَاوِ (ص) ۱۱.

[۲۲۷] لَا بَسْتُ الْأَمْرَ: خَالَطْتُهُ. وَلَا بَسْتُ فَلَانًا: عَرَفْتُ بَاطِنَهُ (ص) ۱۲.

[۲۲۸] الْمُعَاشَرَةُ: الْمُخَالَطَةُ. وَكَذَلِكَ التَّعَاشُرُ. وَالْاسْمُ الْعِشْرَةُ (ص) ۱۳.

[۲۲۹] صَهَّدْتُهُ فَهُوَ مَضْهُودٌ وَمُضْطَهَّدٌ: أَيِ ۱۴ مَقْهُورٌ (ص) ۱۵.

۱. ق: العابد.

۲. سورة فصلت، آیه ۸.

۳. ق و ش: الضیعة. در ش ابتدا «الصنعة» بوده که آن را خط زده و به «الضیعة» بدل کرده اند.

۴. ج ۲، ص ۷۷۹.

۵. ج ۶، ص ۲۲۰۷.

۶. ج ۱، ص ۲۶۶.

۷. ج ۳، ص ۱۲۱۶.

۸. ج ۵، ص ۲۱۴۶.

۹. ج ۵، ص ۲۰۲۱.

۱۰. ج ۴، ص ۱۵۶۸.

۱۱. ج ۴، ص ۱۵۲۸.

۱۲. ج ۲، ص ۷۴۷.

۱۳. ج ۲، ص ۹۷۱.

۱۵. ج ۱، ص ۴۹۸.

۱۴. ش: النی.

[٢٣٠] قَصَبَهُ: أَي عَابَهُ (ص) ١.

[٢٣١] الظَّفَرُ: الْقَوْرُ (ص) ٢.

[٢٣٢] الْمَكْرُ: الْإِخْتِيَالُ وَالْخَدِيعَةُ (ص) ٣.

[٢٣٣] عِنْدَ يَغْنَدُ - بالكسر - عُنُودًا: أَي خَالَفَ وَرَدَّ الْحَقُّ وَهُوَ يَغْرِفُهُ، فَهُوَ عَنِيدٌ وَعَانِدٌ (ص) ٤.

[٢٣٤] الْغِشُّ: خِلَافُ النُّصْحِ (ص) ٥.

[٢٣٥] الْأَغْضَاءُ: إِذْنَاءُ الْجُفُونِ بَغْضِهَا مِنْ بَغْضٍ (ص) ٦.

[٢٣٦] الْجِلْيَةُ: مَا يُتَزَيَّنُ بِهِ. وَمِنْهُ سَيْفٌ مُحَلَّى (س).

[٢٣٧] [الْمَعْرَةُ: الْإِثْمُ (ص) ٧].

[٢٣٨] عُدْتُ بِفُلَانٍ وَاسْتَعَذْتُ بِهِ: أَي لَجَأْتُ إِلَيْهِ. وَهُوَ عِيَاذِي: أَي مُلْجِيِّي. وَقَوْلُهُمْ

مَعَاذَ اللَّهِ: أَي أَعُوذُ بِاللَّهِ مَعَاذًا، تَجْعَلُهُ بَدَلًا مِنَ اللَّفْظِ بِالْفِعْلِ^٨؛ لِأَنَّهُ مُصَدَّرٌ وَإِنْ كَانَ غَيْرَ مُسْتَعْمَلٍ فِي^٩ مِثْلِ سُبْحَانَ اللَّهِ (ص) ١٠.

[٢٣٩] الذَّرْءُ - بِالْفَتْحِ -: كُلُّ مَا اسْتَنْزَتْ بِهِ. يُقَالُ: أَنَا فِي ظِلِّ فُلَانٍ وَفِي ذَرْئِهِ: أَي كَنْفِهِ

وَسِتْرِهِ. وَذَرَى الشَّيْءَ - بِالضَّمِّ -: أَعَالِيهِ. الْوَاحِدَةُ ذِرْوَةٌ وَذِرْوَةٌ أَيْضًا (ص) ١١.

[٢٤٠] الدَّعَةُ: مُصَدَّرٌ مِنْ وَدَعَ يَدْعُ دَعَةً. وَالْهَاءُ عِوَضٌ مِنَ الْوَاوِ (ص) ١٢ وَيُرَادُّ بِهِ

الْعَيْشُ الْهَنِيُّ^{١٣} الَّذِي لَا نَكْدَ فِيهِ (س) ١٤.

[٢٤١] وَسَمَهُ يَسْمُهُ وَسَمَةً: إِذَا أَثَّرَ فِيهِ بِسَمَةٍ وَكَيْ. وَالْهَاءُ عِوَضٌ مِنَ الْوَاوِ (ص) ١٥.

٢. ج ١، ص ٢٣٠.

٤. ج ١، ص ٥١٠.

٦. ج ٦، ص ٢٤٤٧.

٨. ش. بالعمل.

١٠. ج ٢، ص ٥٦٦-٥٦٧.

١٢. ج ٣، ص ١٢٩٥.

١٤. ق. ص.

١. ج ١، ص ٢٠٣.

٣. ج ٢، ص ٨١٩.

٥. ج ٣، ص ١٠١٣.

٧. ج ٢، ص ٧٤٢. ش. - [].

٩. ش. - ف.

١١. ج ٦، ص ٢٢٤٥.

١٣. ش. المهني.

١٥. ج ٥، ص ٢٠٥١.

[٢٤٢] الْمِنْخَةُ: الْعَطِيَّةُ (ص) ١.

[٢٤٣] الْكَدُّ: الشَّدَّةُ فِي الْعَمَلِ وَطَلَبُ الْكَسْبِ (ص) ٢.

[٢٤٤] النَّدُّ - بِالْكَسْرِ -: الْعِثْلُ وَالنُّظِيرُ (ص) ٣.

[٢٤٥] الْإِصْرُ: الذَّنْبُ وَالثَّقْلُ ٤.

[٢٤٦] الْيَسَارُ وَالْيَسَارَةُ: الْغِنَى. وَقَدْ أَيْسَرَ الرَّجُلُ: أَيِ اسْتَغْنَى (ص) ٥.

[٢٤٧] فَتَرَ عَلَى عِبَالِهِ يَقْتَرُ وَيَقْتَرُ فَتَرًا وَقَتَرًا: أَيِ ضَيَّقَ عَلَيْهِمْ فِي النَّفَقَةِ. وَكَذَلِكَ

التَّقْيِيرُ وَالْإِفْتَارُ (ص) ٦.

[٢٤٨] فَتَنَتُهُ الْمَرْأَةُ: إِذَا دَلَّهَتْهُ وَخَيَّرَتْهُ. وَالتَّدْلِيَةُ ٧: ذَهَابُ الْعَقْلِ مِنَ الْهَوَى. يُقَالُ: دَلَّهَتْهُ

249a / الْحُبُّ: أَيِ خَيَّرَهُ وَأَذْهَشَهُ ٩. وَالذَّهْشُ ١٠: التَّخْيِيرُ (ص) ١١.

[٢٤٩] الْوَرَعُ - بِكَسْرِ الرَّاءِ ١٢ -: الرَّجُلُ التَّقِيُّ (ص) ١٣.

[٢٥٠] [السَّبِيلُ: الطَّرِيقُ. وَالْجَمْعُ سُبُلٌ. يَذْكُرُ وَيُوْنْتُ] ١٤.

[٢٥١] النَّهْجُ: الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ، وَكَذَلِكَ الْمَنْهَجُ وَالْمَنْهَاجُ (ص) ١٥.

٢١. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا أَخْرَجَهُ أَفْرَ

[٢٥٢] الضَّرِيرُ: صَاحِبُ الضَّرُورَةِ وَيُرَادُّ بِهِ شَدِيدُ الْاِخْتِيَاجِ (ص).

[٢٥٣] الْحَقِيرُ: الصَّغِيرُ الذَّلِيلُ (ص) ١٦.

[٢٥٤] [رَجُلٌ مِهِينٌ: أَيِ خَقِيرٌ] ١٧

١. ج. ١، ص. ٤٠٨.

٢. ج. ٢، ص. ٥٧٩.

٣. ج. ٢، ص. ٧٨٦.

٤. ق. وش: + من.

٥. ق. أذهشه.

٦. ق. - الرأ.

٧. ق. - []

٨. ج. ٢، ص. ٦٣٥.

٩. ج. ١، ص. ٤٠٨.

١٠. ج. ١، ص. ٥٧٩.

١١. ج. ٢، ص. ٧٨٦.

١٢. ق. التدلية.

١٣. ج. ٦، ص. ٢٢٣١.

١٤. ج. ٣، ص. ١٠٠٦.

١٥. ج. ٣، ص. ١٢٩٦.

١٦. ج. ١، ص. ٣٣٦.

١٧. ج. ٦، ص. ٢٢١٠. ق. - []

[٢٥٥] الدُّخُورُ: الصَّغَارُ والدُّلُّ. يقال: دَخَرَ الرَّجُلُ - بالفتح - فهو دَاخِرٌ. وأدْخَرَهُ

غِيْرُهُ (ص) ١.

[٢٥٦] لَأَى لَأَيًا: أَي أَبْطَأَ بَطْأً. واللَّوَاءُ: الشَّدَّةُ ٢.

[٢٥٧] الوَجَلُ: الخَوْفُ (ص) ٣.

[٢٥٨] شَعَزْتُ بِالشَّيْءِ - بالفتح - أَشْعُرُ بِهِ شِغْرًا: أَي فَطَنْتُ لَهُ. ومنه قولهم: لَيْتَ

شِغْرِي: أَي لَيْتَنِي غَلِمْتُ (ص) ٤.

[٢٥٩] فَجَرَ فُجُورًا: أَي فَسَقَ. وَفَجَرَ: أَي كَذَبَ، وَأَضْلَهُ الْمَيْلُ. والفَاجِرُ:

المَائِلُ (ص) ٥.

[٢٦٠] الْمِنَّةُ: النُّعْمَةُ (س) ٦.

[٢٦١] الْيَدُ: الْقُوَّةُ. وَالْيَدُ: النُّعْمَةُ وَالْإِحْسَانُ ٧.

٢٢. دُعَاؤُهُ ﷺ عِنْدَ الشَّدَّةِ

[٢٦٢] تَجَهَّمْتُ: اسْتَقْبَلْتُ بِمَا يَكْرَهُ. وَتَجَهَّمْتُ: كَلَحَ فِي وَجْهِهِ ٨. وَالْكُلُوحُ: تَكَسَّرُ ٩ فِي

عُيُوسٍ (ص) ١٠.

[٢٦٣] حَصَرَنِي ١١ الشَّيْءُ وَأَخْصَرَنِي: أَي حَبَسَنِي (ص) ١٢.

[٢٦٤] الْجُرْأَةُ: مِثْلُ الْجُرْعَةِ وَهِيَ الشَّجَاعَةُ (ص) ١٣.

[٢٦٥] كَلَّاهُ اللَّهُ كِلَاءَةً - بالكسر -: حَفِظَهُ وَحَرَسَهُ. يقال: اذْهَبْ فِي كِلَاءَةِ اللَّهِ. وَاكْتَلَأْتُ

مِنْهُمْ: أَي اخْتَرَسْتُ (ص) ١٤.

٢. ج. ٢، ص ٦٥٥.

٤. ج. ٢، ص ١٨٤٠.

٥. ج. ٢، ص ٧٧٨.

٧. ج. ٦، ص ٢٥٤٠.

٩. ق: تَكَسَّرَ.

١٠. ق: حَصَرَنِي.

١٣. ج. ١، ص ٤٠.

١٤. ج. ١، ص ٦٩.

[٢٦٦] الْمَقْدِرَةُ: الْقُدْرَةُ^١.

[٢٦٧] الشُّبْهَةُ: الْإِلْتِبَاسُ. وَالْمُشْتَبِهَاتُ^٢ مِنَ الْأُمُورِ: الْمُشْكِلَاتُ^٣. الْمُتَشَابِهَاتُ:

الْمُتَمَاثِلَاتُ (ص)^٤.

[٢٦٨] التَّحْفُظُ: التَّيَقُّظُ^٥ وَقِلَّةُ الْعَقْلَةِ (ص)^٦.

[٢٦٩] تَحَرَّسْتُ مِنْ فُلَانٍ وَاحْتَرَسْتُ بِمَعْنَى تَحَفَّظْتُ مِنْهُ (ص)^٧.

[٢٧٠] انْحَطَبَتِ النَّاقَةُ فِي سَيْرِهَا: أَيِ أَسْرَعَتْ (ص)^٨.

[٢٧١] الْإِخْلَاصُ فِي الطَّاعَةِ: تَزُكُّ الرِّيَاءِ (ص)^٩.

٢٣. دُعَاؤُهُ ﷺ بِالْعَافِيَةِ

[٢٧٢] السَّامَةُ: الْخَاصَّةُ. يُقَالُ: كَيْفَ السَّامَةُ وَالْعَامَّةُ (ص)^{١٠}.

[٢٧٣] الْمِلْمَةُ وَالْمَلَامَةُ^{١١}: النَّازِلَةُ مِنْ تَوَازِلِ الدُّنْيَا^{١٢} (ص)^{١٣}.

[٢٧٤] الْهَامَةُ: وَاحِدَةُ الْهَوَامِ. وَلَا يَقَعُ هَذَا الْأِسْمُ إِلَّا عَلَى الْمَخُوفِ مِنَ الْأَخْنَاسِ^{١٤}

(ص)^{١٥}.

[٢٧٥] الْمُرُودُ عَلَى الشَّيْءِ: الْمُرُونُ^{١٦} عَلَيْهِ. وَالْمَارِدُ: الْعَاتِي. وَالْعَاتِي: الْمُتَكَبِّرُ. وَعَتَا

الشَّيْخُ: كَبَّرَ وَوَلَّى^{١٧}. وَقَدْ مَرَّدَ الرَّجُلُ - بِالضَّم - مَرَادَةً: فَهُوَ مَارِدٌ وَمَرِيدٌ (ص)^{١٨}.

[٢٧٦] أَثَرَفَتْهُ^{١٩} النُّعْمَةُ: أَيِ أَطْعَمَتْهُ^{٢٠} وَكُلُّ مُجَاوِزٍ^{٢١} خَدَّهُ فِي الْعِضْيَانِ^{٢٢} فَهُوَ

١. ج. ٢، ص. ٧٨٧.

٢. ق: المشتبهات.

٣. ج. ٦، ص. ٢٢٣٦.

٤. ج. ٣، ص. ١١٧٢.

٥. ج. ٣، ص. ١١١٩.

٦. ج. ٥، ص. ١٩٥٤.

٧. ق: الدنية.

٨. ج. ١٤، ص. ٢٠٣٢.

٩. ج. ١٦، ص. ٢٠٦٢.

١٠. ج. ١، ص. ٥٣٥.

١١. ج. ٢٠، ص. ١٣٣٣.

١٢. ق: عن الحد.

١٣. ج. ٢، ص. ٩١٣.

١٤. ج. ٣، ص. ١٠٣٧.

١٥. ج. ١١، ص. ٢٠٣٢.

١٦. ج. ٥، ص. ٢٠٦٢.

١٧. ج. ٦، ص. ٢٤١٨ (العاني).

١٨. ق: أتوفته.

١٩. ق: مجاور.

٢٠. ق: مجاور.

٢١. ق: مجاور.

٢٢. ق: مجاور.

طَاعَ (ص) ١.

[٢٧٧] خَطَرَ الشَّيْءُ بِقَلْبِي: أَي حَصَلَ (س).

[٢٧٨] فَمَعْنُهُ وَأَقَمَعْتُهُ^٢ بمعنى: فَهَزْتُهُ وَأَذَلَلْتُهُ (ص) ٣.

[٢٧٩] الدَّخْرُ: الطَّرْدُ وَالْإِبْعَادُ (ص) ٤.

[٢٨٠] لَمَزَةٌ يَلْمِزُهُ، إِذَا صَرَبَتْهُ وَدَفَعَتْهُ^٥. وَلَهَزَتْ^٦ الْقَوْمَ: أَي خَالَطَتْهُمْ وَدَخَلَتْ^٧

بَيْنَهُمْ (ص) ٨.

[٢٨١] الرَّاجِلُ: خِلَافُ الْفَارِسِ. وَالْجَمْعُ رَجُلٌ، مِثْلُ صَاحِبٍ وَصَخْبٍ^٩.

٢٣. دُعَاؤُهُ ﷺ لِأَبَوَيْهِ

[٢٨٢] [الْعُسُوفُ^{١٠}: الظُّلُومُ (ص)] ١١.

[٢٨٣] الْوَسْنُ: النَّعَاسُ. وَالْوَسْنَانُ: النَّعْسَانُ (ص) ١٢.

[٢٨٤] خَفَضَ الصَّوْتِ^{١٣}: غَضَّهُ. يُقَالُ: خَفَضَ عَلَيْكَ الْقَوْلَ، وَخَفَضَ عَلَيْكَ: أَي

هَوَّنَ (ص) ١٤.

[٢٨٥] الْعَرِيكَةُ: الطَّبِيعَةُ. وَفُلَانٌ لَيْنُ الْعَرِيكَةِ، إِذَا / 249b كَانَ سَلِساً (ص) ١٥.

[٢٨٦] [الْوُطِيقَةُ: مَا يُقَدَّرُ لِلْإِنْسَانِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ رِزْقٍ أَوْ طَعَامٍ أَوْ غَيْرِهِ (ص)] ١٦.

[٢٨٧] الْحَنْتُمْ: إِحْكَامُ الْأَمْرِ. وَالْحَنْتُمْ: الْقَضَاءُ (ص) ١٧.

[٢٨٨] عَزَمْتُ عَلَى كَذَا عَزْماً: إِذَا أَرَدْتُ فِعْلَهُ وَقَطَعْتُ عَلَيْهِ^{١٨}. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى:

١. ج ٦، ص ٢٤١٢. ق: أفعته.

٢. ج ٣، ص ١٢٧٢. ق: أفعته.

٣. ج ٢، ص ٨٩٢. ق: وش: لمزت.

٤. ج ٢، ص ٨٩٢. ق: الفشوم.

٥. ج ٦، ص ٢٢١٤. ق: الفشوم.

٦. ج ٣، ص ١٠٧٥. ق: الفشوم.

٧. ج ٤، ص ١٢٣٩. ش: [].

٨. ج ٤، ص ١٢٣٩. ش: [].

٩. ج ٥، ص ١٨٩٢. ق: على ذلك.

﴿وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً﴾^١ أَي صَرِيحَةً [أمر] (ص) ٢.

٢٥. دُعَاؤُهُ ﷺ لِوَلَدِهِ

[٢٨٩] الْوَلَدُ: قَدْ يَكُونُ وَاحِداً وَجَمْعاً، وَكَذَا الْوَلَدُ - بِالضَّم - وَقَدْ يَكُونُ الْوَلَدُ جَمْعٌ وَلَدٌ كَأَسَدٍ وَأَسَدٍ. وَالْوَلَدُ - بِالْكَسْرِ - لُغَةٌ فِي الْوَلَدِ^٣.

[٢٩٠] أَوْدَ الشَّيْءِ - بِالْكَسْرِ - يَأْوُدُ^٤ أَوْدًا: أَي اغْوَجَ. وَتَأْوُدُ: تَعْوَجُ. وَآذَنِي الْجِمْلُ^٥ يُوَوِّدُنِي أَوْدًا: أَي أَثْقَلَنِي (ص) ٦.

[٢٩١] الْعَصْدُ: السَّاعِدُ، وَهُوَ مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْكَتِفِ. وَعَصْدَتُهُ أَعْصَدُهُ: أَعْتَنَهُ. وَالْمُعَاَصَدَةُ: الْمُعَاوَنَةُ (ص) ٧.

[٢٩٢] يُقَالُ: حَدَبَ عَلَيْهِ وَتَحَدَّبَ عَلَيْهِ: أَي تَعَطَّفَ عَلَيْهِ (ص) ٨.

[٢٩٣] ذُرِّيَّةُ الرَّجُلِ: وَلَدُهُ^٩.

[٢٩٤] يُقَالُ: فَلَانٌ حَبَالٌ عَلَى أَهْلِهِ: أَي عَنَاءٌ. وَالْحَبَالُ أَيْضًا: الْفَسَادُ^{١٠}.

[٢٩٥] السُّؤْلُ^{١١}: مَا يَسْأَلُهُ الْإِنْسَانُ^{١٢}.

٢٦. دُعَاؤُهُ ﷺ لِجِيزَانِهِ وَأَوْلِيَايِهِ

[٢٩٦] [تَبَذْتُ الشَّيْءَ أَنْبَذُهُ: إِذَا أَلْقَيْتَهُ مِنْ يَدِكَ. وَنَابَذَهُ الْحَرْبُ: أَي كَاشَفَهُ (ص) ١٣.

الْمُكَاشِفُ: الَّذِي لَمْ يُدَاهِنْ (س) ١٤).

[٢٩٧] الْكَافَّةُ: الْجَمِيعُ. يُقَالُ: لَقِيتُهُمْ كَافَّةً: أَي كُلَّهُمْ^{١٥}.

١. سورة طه، آية ١١٥.

٣. ج ١، ص ٥٥٠ - ٥٥١.

٥. ق: أودني الجمل.

٧. ج ١، ص ٥٠٦.

٩. ج ٢، ص ٦٦٣.

١١. ق: السؤل.

١٣. ج ٢، ص ٥٧١.

١٥. ج ٤، ص ١٢٢٢. ش: - []

٢. ج ٥، ص ١٩٨٥.

٤. ق و ش: أود الشيء يأود بالكر.

٦. ج ١، ص ٤٣٩.

٨. ج ١، ص ١٠٨.

١٠. ج ٤، ص ١٦٨٢.

١٢. ج ٥، ص ١٧٢٣.

١٤. ق: ص.

٢٧. دُعَاؤُهُ ﷺ لِأَهْلِ الشُّغُورِ

- [٢٩٨] الثَّغْرُ: مَوْضِعٌ مِنْ فُرُوجِ الْبُلْدَانِ (ص) ^١الَّذِي يُخَافُ مَجِيءَ الْعَدُوِّ مِنْهَا (س).
- [٢٩٩] حَمِيَّتُهُ حِمَايَةٌ: أَي دَفَعَتْ عَنْهُ. وَاسْمُ الْفَاعِلِ الْحَامِي، وَالْجَمْعُ حُمَاةٌ ^٢(ص) ^٣.
- [٣٠٠] شَيْءٌ سَابِعٌ: أَي كَامِلٌ وَافٍ. وَسَبَعَتْ ^٤النَّعْمَةُ تَسْبِغٌ - بِالضَّم - سُبُوغًا. وَأَسْبَغَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّعْمَةَ: أَي أَتَمَّهَا، وَإِسْبَاحُ الْوُضُوءِ: أَي إِتْمَامُهُ (ص) ^٥.
- [٣٠١] شَحَذْتُ السَّكِينِ ^٦أَشَحَذُهُ شَحْذًا: أَي حَدَذْتُهُ الْمِشْحَذُ: الْمِسْنُ (ص) ^٧.
- [٣٠٢] الْحَوَزَةُ: النَّاحِيَةُ. وَحَوَزَةُ الْمُلْكِ: يَنْصُتُهُ (ص) ^٨.
- [٣٠٣] حَامِ الطَّيْرِ وَغَيْرِهِ حَوْلُ الشَّيْءِ يَحُومُ حَوْماً وَحَوْمَاناً ^٩: دَارَ. وَحَوْمَةُ الْقِتَالِ: مُعْظَمُهُ، وَكَذَلِكَ حَوْمَةُ الْمَاءِ وَالرَّمْلِ وَغَيْرِهِ (ص) ^{١٠}.
- [٣٠٤] أَلْفَتْ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ ^{١١}تَأَلَّفَا، فَتَأَلَّفَا وَاتْتَلَفَا (ص) ^{١٢}إِذَا تَحَابَّا ^{١٣}بَعْدَ ^{١٤}الْمُنَافَرَةِ (س).
- [٣٠٥] التَّذْيِيرُ فِي الْأَمْرِ: أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَا يُوَوِّلُ إِلَيْهِ عَاقِبَتُهُ (ص) ^{١٥}فَتَفْعَلُهُ عَلَى وَجْهِ لَا يَلْحَقُهُ الْفَسَادُ (س).
- [٣٠٦] الْمُوَائِرَةُ ^{١٦}: الْمُتَابَعَةُ. وَلَا يَكُونُ إِلَّا إِذَا وَقَعَ بَيْنَهُمَا فِتْرَةٌ وَإِلَّا فَهِيَ مُدَارَكَةٌ وَمُواصَلَةٌ ^{١٧}.
- [٣٠٧] الْمَبِيرَةُ ^{١٨}: الطَّعَامُ يَمْتَارُهُ ^{١٩}الْإِنْسَانُ. وَقَدْ مَارَ لِأَهْلِهِ يَمِيرُهُمْ مَبِيراً، إِذَا أَتَاهُمْ

٢. ق: جمع حامي وحماة.

٤. ش: أسبغت.

٦. ش: المسكين.

٨. ج ٢، ص ٨٧٣.

١٠. ج ٥، ص ١٩٠٨.

١٢. ج ٤، ص ١٣٣٢.

١٤. ش: -بعد.

١٦. ش: المتواترة.

١٨. ش: + إعطاء.

١. ج ٢، ص ٦٠٥.

٣. ج ٦، ص ٢٣١٩.

٥. ج ٤، ص ١٣٢١.

٧. ج ٢، ص ٥٦٥.

٩. ق: -وحومانا.

١١. ق: + تألفا.

١٣. ق: تحلبا.

١٥. ج ٢، ص ٦٥٥.

١٧. ج ٢، ص ٨٤٣.

١٩. ق: يماره.

بِالْمَعِيرِ. وَمِنْهُ قَوْلُهُمْ: مَا عِنْدَهُ خَيْرٌ وَلَا مَعِيرٌ (ص) ١.

[٣٠٨] اللَّطْفُ فِي الْعَمَلِ: الرَّفْقُ فِيهِ. وَاللُّطْفُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى: التَّوْفِيقُ وَالْعِصْمَةُ (ص) ٢.

[٣٠٩] إِطْرَدَ الشَّيْءُ: تَبَعَ بَغْضَهُ بَغْضًا. وَتَطَرَّدَ الْأَنْهَارُ: جَرَّ يَأْنُهَا (ص) ٤.

[٣١٠] الْقِرْزُونُ - بِالْكَسْرِ -: كَفُّوْلُهُ فِي الشَّجَاعَةِ (ص) ٦.

[٣١١] الْوَيْيْقُ: الشَّيْءُ الْمُحَكَّمُ. وَالْجَمْعُ وَثَاقٌ (ص) ٧.

[٣١٢] الْقَوَاذِ: الْقَلْبُ. وَالْجَمْعُ: أَفْنِدَةٌ / 250a (ص) ٩.

[٣١٣] التَّشْرِيدُ: الطَّرْدُ وَالتَّفْرِيقُ. وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: «فَشَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ» ١٠ أَيِ فَرَّقَ

وَبَدَّدَ جَمْعَهُمْ (ص) ١١.

[٣١٤] رَجِمَ مَعْقُومَةً: أَيِ مَسْدُودَةً لَا تَلِدُ (ص) ١٢.

[٣١٥] الْمِحَالُ: الْكِئِدُ وَالْمَكْرُ (ص) ١٣.

[٣١٦] مَدَدْتُ الرَّجُلَ بِكَذَا: أَيِ أَعْتَنَتْ بِهِ ١٤.

[٣١٧] أَرْدَقَتِ النُّجُومُ: تَوَالَتْ وَتَتَابَعَتْ. وَالتَّرَادُفُ: التَّتَابُعُ (ص) ١٥.

[٣١٨] الْقُصُصُ وَالتَّقِصَةُ: الْغَيْبُ. وَفُلَانٌ يَتَنَقَّصُ فُلَانًا: أَيِ يَقَعُ فِيهِ وَيُثْلِبُهُ (ص) ١٦.

[٣١٩] حَشِدُوا يَحْشِدُونَ - بِالْكَسْرِ -: أَيِ اجْتَمَعُوا، وَكَذَلِكَ اخْتَشَدُوا

وَتَحَشَّدُوا (ص) ١٧.

[٣٢٠] ذَهَلْتُ عَنِ الشَّيْءِ: نَسِيْتُهُ وَغَفَلْتُ عَنْهُ. وَأَذْهَلَنِي عَنْهُ كَذَا (ص) ١٨.

١. ج ٢، ص ٨٢١.

٢. ج ٤، ص ١٤٢٧.

٣. ق: الطرد.

٤. ج ١، ص ٤٩٩.

٥. ص: كفوك.

٦. ج ٤، ص ٢١٨١.

٧. ق و ش: وثائق.

٨. ج ٤، ص ١٥٦٣.

٩. ج ٢، ص ٥١٧.

١٠. سورة انفال، آية ٥٧.

١١. ج ١، ص ٤٩١.

١٢. ج ٥، ص ١٨١٧: المخل.

١٣. ج ٥، ص ١٣٦٤.

١٤. ج ٣، ص ١٠٥٩.

١٥. ج ١، ص ٤٦٢.

١٦. ج ٤، ص ١٧٠٢.

- [٣٢١] رُكِّنَ الشَّيْءُ: جَانِبُهُ الْأَفْقَى (ص) ١.
- [٣٢٢] أَفْرَعْتُهُ: كَفَفْتُهُ. وَمُقَارَعَةُ الْأَبْطَالِ: قَرْعُ كَفٍ ٢ بَعْضُهُمْ بَعْضاً (ص) ٣.
- [٣٢٣] الشُّوْكَةُ: شِدَّةُ الْبَاسِ وَالْحِدَّةُ فِي السُّلَاحِ (ص).
- [٣٢٤] الدَّاءُ: الْمَرَضُ. وَالْجَمْعُ أَذْوَاءُ ٤.
- [٣٢٥] أَلَحَّ السَّحَابُ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ، مِثْلُ أَلَتْ (ص) ٥.
- [٣٢٦] أَرَضَ حَصَاءً: أَيِ جَزْدَاءٍ لَا خَيْرَ فِيهَا (ص) ٦. وَالْأَخْصُ مَذْكَرُ الْحَصَاءِ.
- [٣٢٧] حِزْبُ الرَّجُلِ: أَصْحَابُهُ (ص) ٧.
- [٣٢٨] الْجَوْحُ ٨ - بِالْجِيمِ وَالْهَاءِ الْمُهْمَلَةِ -: الْإِسْتِصَالُ. وَمِنْهُ الْجَانِحَةُ ٩: وَهِيَ الشَّدَّةُ الَّتِي تَذْهَبُ الْمَالَ مِنْ سِنَةٍ أَوْ فِتْنَةٍ. يُقَالُ: جَاحَتْهُمْ وَاجْتَاخَتْهُمْ (ص) ١٠ أَيِ اسْتَأْصَلَتْهُمْ. وَاسْتَأْصَلْتُ الشَّيْءَ: أَيِ قَطَعْتُهُ وَلَمْ أَدَعْ شَيْئاً مِنْ أَصْلِهِ (س).
- [٣٢٩] الْعَتَادُ: الْعُدَّةُ. تَقُولُ: أَخَذْتُ لِلْأَمْرِ ١١ عُدَّتَهُ وَعَتَادَهُ: أَيِ أَهْبَتَهُ وَآلَتَهُ (ص) ١٢.
- [٣٣٠] وَتَحَزَّبُوا: تَجَمَّعُوا ١٣.

٢٨. دُعَاؤُهُ ﷺ مُتَفَرِّعاً إِلَى اللَّهِ

- [٣٣١] يُقَالُ: انْقَطَعَ فُلَانٌ إِلَى فُلَانٍ: أَيِ ١٤ إِذَا اخْتَصَّ بِهِ وَلَمْ يَذْهَبْ إِلَى غَيْرِهِ (س) ١٥.
- [٣٣٢] الرِّفْدُ: الْعَطَاءُ (ص) ١٦.
- [٣٣٣] السَّفَةُ: ضِدُّ الْجِلْمِ. وَأَصْلُهُ الْخِفَّةُ (ص) ١٧.

١. ج. ٥، ص ٢١٢٦.
 ٢. ش. - كف.
 ٣. ج. ٣، ص ١٢٤٤.
 ٤. ج. ١، ص ٤٠٠.
 ٥. ج. ١، ص ١٠٩.
 ٦. ج. ١، ص ٣٦٠.
 ٧. ش. الجانعة.
 ٨. ق. خذ الأمر.
 ٩. ج. ١، ص ١٠٩.
 ١٠. ق. وش. ص.
 ١١. ج. ٦، ص ٢٢٣٤.
 ١٢. ج. ١، ص ٤٧٢.
 ١٣. ج. ١، ص ٥١.
 ١٤. ج. ٣، ص ١٠٣٢.
 ١٥. ش. الجوع.
 ١٦. ج. ١، ص ١٠.
 ١٧. ج. ١، ص ٥٠٢.
 ١٨. ش. - فلان أي.
 ١٩. ج. ١، ص ٤٧٢.

[٣٣٤] ضَلَّ الشَّيْءُ يَضِلُّ ضَلَالًا^١: أَي ضَاعَ وَهَلَكَ. وَفُلَانٌ يَلُومُنِي ضَلَّةً، إِذَا لَمْ يُوفَّقْ لِلرَّشَادِ فِي عَدْلِهِ^٢ (ص)^٣.

[٣٣٥] النَّزْوَةُ: كَثْرَةُ الْعَدَدِ^٤. يُقَالُ: إِنَّهُ لَذُو نَزْوَةٍ^٥ وَذُو نَرَاءٍ، يُرَادُ بِهِ لَذُو عَدَدٍ وَكَثْرَةِ مَالٍ (ص)^٦.

[٣٣٦] الْحَزَمُ: ضَبَطَ الرَّجُلُ أَمْرَهُ وَأَخَذَهُ بِالثَّقَةِ، فَهُوَ حَازِمٌ (ص)^٧.

[٣٣٧] الْأَعْتَبَارُ: الْعِبَرَةُ^٨.

[٣٣٨] وَفَّقَ وَاتَّفَقَ بِمَعْنَى (ص)^٩.

٢٩. [دُعَاؤُهُ] ۞ إِذَا قُتِرَ عَلَيْهِ الرِّزْقُ

[٣٣٩] الْحَسَمُ: الْقَطْعُ^{١٠}.

٣٠. دُعَاؤُهُ ۞ فِي قَضَاءِ الدِّينِ

[٣٤٠] تَبْذِيرُ^{١١} الْمَالِ: تَفْرِيقُهُ إِسْرَافًا (ص)^{١٢}.

[٣٤١] رَوَى فُلَانٌ الْمَالَ عَنْ وَارِثِهِ زَيْتًا، إِذَا مَنَعَهُ (ص)^{١٣}.

[٣٤٢] خَوَّلَهُ اللَّهُ الشَّيْءَ: أَي مَلَكَهُ إِيَّاهُ (ص)^{١٤}.

[٣٤٣] بَيَّنَّهُمَا وَضَلَّةً: أَي اتَّصَالَ (ص)^{١٥}.

[٣٤٤] بَلَغْتُ الْمَكَانَ^{١٦} بَلُوغًا: وَصَلْتُ إِلَيْهِ^{١٧} وَالْمُرَادُ بِالْوَضَلَةِ: الْمُوَصِّلُ، وَبِالْبَلْغَةِ:

- | | |
|------------------|---------------------------|
| ١. ش: إضلالاً. | ٢. ق: عدله. |
| ٣. ج ٥، ص ١٧٤٨. | ٤. ق: العدو. ش: + والمال. |
| ٥. ش: ذرورة. | ٦. ج ٦، ص ٢٢٩٢. |
| ٧. ج ٥، ص ١٨٩٨. | ٨. ج ٢، ص ٧٣٢. |
| ٩. ج ٤، ص ١٥٦٧. | ١٠. ج ٥، ص ١٨٩٩. |
| ١١. ق: تبذر. | ١٢. ج ٢، ص ٥٨٧. |
| ١٣. ج ٦، ص ٢٣٦٩. | ١٤. ج ٤، ص ١٦٩٠. |
| ١٥. ج ٥، ص ١٨٤٢. | ١٦. ق: المكات. |
| ١٧. ج ٤، ص ١٣١٦. | |

المُبْلَغُ (س).

[٣٤٥] قد تَذَرَعُ فَلَانٌ بِذَرِيعَةٍ: أي تَوَسَّلَ بِوَسِيلَةٍ (ص).^١

٣١. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي التَّوْبَةِ

[٣٤٦] تَدَاوَلَتْهُ الْأَيْدِي: أي أَخَذَتْهُ هَذِهِ مَرَّةً وَهَذِهِ مَرَّةً (ص).^٢

[٣٤٧] الرُّمَامُ: الْخَيْطُ الَّذِي يُسَدُّ فِي الْبُرَّةِ، أَوْ^٣ فِي الْخِشَاشِ^٤ - بِالْكَسْرِ -: الَّذِي يُدْخَلُ

فِي أَنْفِ الْبَعِيرِ. وَهُوَ مِنْ خَشَبٍ / 250b / وَالْبُرَّةُ مِنْ صُفْرِ^٥.

[٣٤٨] اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ: أي غَلَبَ (ص).^٦

[٣٤٩] تَعَاطَا: تَنَاوَلَا. وَقُلَانٌ يَتَعَاطَى كَذَا: أي يَحْوِضُ فِيهِ (ص).^٨

[٣٥٠] التَّغْرِيرُ: حَمْلُ النَّفْسِ عَلَى الْغَرَرِ. وَغَرَّةٌ يَغُرُّهُ غُرُورًا: خَدَعَهُ (ص).^٩

[٣٥١] فَسَعَتِ الرِّيحُ السَّحَابَ: أي كَشَفَتْهُ، فَانْقَشَعَ وَتَقَشَّعَ (ص).^{١٠} أي انْكَشَفَ

وَذَهَبَ (س).

[٣٥٢] الْجَلِيلُ: الْعَظِيمُ (ص).^{١١}

[٣٥٣] الْأُمُّ - بِالْفَتْحِ -: الْقَصْدُ (ص).^{١٢}

[٣٥٤] أَفْرَخَ الرُّوْعُ: أي ذَهَبَ الْفَرْخُ. يُقَالُ: لِيُفْرَخَ رَوْعَكَ: أي لِيَخْرُجَ عَنْكَ رَوْعَكَ كَمَا

يَخْرُجُ الْفَرْخُ عَنِ الْبَيْضَةِ^{١٣}.

[٣٥٥] مَثَلٌ بَيْنَ يَدَيْهِ مَثُولًا: أي انْتَصَبَ. وَمِنْهُ قِيلَ لِمَنَارَةِ السُّرَاجِ^{١٤}: مَائِلَةٌ (ص).^{١٥}

٢. ج ٤، ص ١٧٠٠.

٤. ج ٥، ص ١٩٤٤.

٦. ج ٣، ص ١٠٠٤.

٨. ج ٦، ص ٢٢٣١.

١٠. ج ٣، ص ١٢٦٥.

١٢. ج ٥، ص ١٨٦٥.

١٤. ص: المِزْجَةُ.

١. ج ٣، ص ١٢١١.

٣. ق وش: و.

٥. ق: من خشو البرة ومن فرطر (٩).

٧. ج ٢، ص ٥٤٣.

٩. ج ٢، ص ٧٦٩.

١١. ج ٤، ص ١٦٥٩.

١٣. ج ١، ص ٤٢٨.

١٥. ج ٥، ص ١٨١٦.

[٣٥٤] التَّخَشُّعُ: تَكَلَّفُ الْخُشُوعِ. وَالْخُشُوعُ: الْخُضُوعُ^١. وَالْخُضُوعُ: التَّطَامُّنُ
وَالْتَوَاضُعُ (ص)^٢.

[٣٥٧] طَأْطَأَ رَأْسَهُ: طَأَمَنَهُ وَحَفِظَهُ^٣ (ص)^٤.

[٣٥٨] بَثَّ الْخَبَرَ وَأَبْنَتْهُ بِمَعْنَى: أَيِ نَشَرَهُ. يُقَالُ: أَبْنَيْتُكَ سِرِّي: أَظْهَرْتُهُ^٥ لَكَ (ص)^٦.

[٣٥٩] [نَجَزَ حَاجَتَهُ يَنْجِزُهَا: فَضَّاهَا. وَنَجَزَ وَغَدَهُ وَأَنْجَزَهُ: وَفَايَوْغَدِيهِ (ص)^٧ وَانْتَجَزَ
وَتَنَجَزَ وَاسْتَنْجَزَ: طَلَبَ الْوَفَاءَ (س)^٨.

[٣٦٠] الدَّنَسُ: الْوَسْخُ (ص)^٩.

[٣٦١] قَارَفَ فَلَانٌ الْخَطِيئَةَ: أَيِ خَالَطَهَا. وَقَارَفَ امْرَأَتَهُ: أَيِ جَامَعَهَا. وَيُقَالُ: مَا
اِقْتَرَفْتُ^{١٠} لِذَلِكَ: أَيِ مَا^{١١} دَانَيْتُهُ^{١٢} وَلَا خَالَطْتُ أَهْلَهُ (ص)^{١٣}.

[٣٦٢] [تَأَنَّى فِي الْأَمْرِ: أَيِ تَرَفَّقَ وَتَنَظَّرَ (ص)^{١٤} وَتَأَنَيْتُ فَلَانًا: أَمْهَلْتُ (س)^{١٥}.

[٣٦٣] فَسَخَ الشَّيْءُ: نَقَضَهُ. وَفَسَخْتُ ثَوْبِي: طَرَخْتُهُ (ص)^{١٦}.

[٣٦٤] كَنَفْتُ الرَّجُلَ أَكْنَفُهُ: أَيِ حُطَّتْهُ وَصُنَّتْهُ. وَالْمَكَانَفَةُ: الْمُعَاوَنَةُ. وَالْكَنَفُ:

الْجَانِبُ (ص)^{١٧}.

[٣٦٥] الْإِفْضَالُ: الْإِحْسَانُ. وَأَفْضَلَ عَلَيْهِ وَتَفَضَّلَ بِمَعْنَى (ص)^{١٨}، وَتَطَوَّلَ مِثْلَهُ (س).

[٣٦٦] وَجَبَ الْقَلْبُ وَجِيبًا: اضْطَرَبَ^{١٩}.

١. ق:- الخضوع. ج. ٣، ص ١٢٠٤.

٢. ش: حفزه. ج. ١، ص ٦٠.

٣. ش: ظهرته. ج. ١، ص ٢٧٣.

٤. ج. ٢، ص ٨٩٥. ش: [].

٥. ج. ٢، ص ٩٢٨. ش: اقترت.

٦. ش: اما. ج. ١٢، ص ١٢٧.

٧. ج. ٤، ص ١٤١٥-١٤١٦. ش: [].

٨. ج. ١، ص ٤٢٩. ش: [].

٩. ج. ١، ص ١٧٩١. ش: [].

١٠. ج. ١، ص ٢٣٢.

[٣٦٧] الْخَفِيرُ^١: الْمَجِيرُ. خَفَزْتُ^٢ الرَّجُلَ أَخْفِرُهُ^٣ - بالكسر -: إِذَا أَجَزْتَهُ وَكُنْتَ لَهُ خَفِيرًا تَمْنَعُ عَنْهُ (ص)^٤.

[٣٦٨] الْوَجَلُ: الْخَوْفُ (ص)^٥.

[٣٦٩] أَنَابَ إِلَى اللَّهِ: أَقْبَلَ وَتَابَ (ص)^٦.

[٣٧٠] اسْتَخَطْنِي فَلَانَ مِنَ الثَّمَنِ شَيْئًا^٧ أَي طَلَبَ أَنْ أُسْقِطَ لَهُ شَيْئًا مِنَ الثَّمَنِ. فَخَطَّتْ لَهُ: أَي أُسْقِطَتْ لَهُ. فَالْحِطَّةُ: الْإِسْقَاطُ. وَأَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَقُولُوا حِطَّةً»^٨ أَي حُطَّ عَنْهُ أُوزَارًا نَا. وَيَقَالُ: هِيَ كَلِمَةُ أَمِيرٍ بَنُو إِسْرَائِيلَ يَقُولُهَا لَوْ قَالُوا لَهَا لَخَطَّتْ أُوزَارَهُمْ (ص)^٩.
[٣٧١] حَابَ الرَّجُلُ خَيْبَةً: إِذَا لَمْ يَنْلُ مَا طَلَبَ (ص)^{١٠}.

[٣٧٢] أَتَقَذُّهُ مِنَ^{١١} فَلَانَ وَاسْتَقَذُّهُ وَتَقَذُّهُ^{١٢} بِمَعْنَى: أَي نَجَّاهُ وَخَلَّصَهُ (ص)^{١٣}.

٣٢. دُعَاؤُهُ ﷺ بَعْدَ صَلَاةِ اللَّيْلِ

[٣٧٣] «بَاوُوا بِغَضَبِ مِّنَ اللَّهِ»^{١٤}: رَجَعُوا بِهِ، أَي صَارَ عَلَيْهِمْ. وَكَذَلِكَ بَاءَ بِإِثْمِهِ يَبْئُوءُ بَوَاءً. وَتَقُولُ: بَاءَ بِحَقِّهِ أَقَرُّ، وَذَا يَكُونُ - أَبَدًا - بِمَا عَلَيْهِ، لَا لَهُ (ص)^{١٥}.
[٣٧٤] يَقَالُ: مِّنْ أَيْنَ خَبِرْتَ هَذَا الْأَمْرَ؟ أَي مِّنْ أَيْنَ عَلِمْتَ. وَالْأَسْمُ الْخُبْرُ - بِالضَّم - وَهُوَ الْعِلْمُ بِالشَّيْءِ (ص)^{١٦}.

[٣٧٥] عَزَبَ^{١٧} عَنِّي فَلَانٌ يَعَزُبُ وَيَعْرِبُ: أَي بَعْدَ وَغَابَ (ص)^{١٨}.

- | | |
|--------------------------|------------------------|
| ١. ق: الحفير؛ ش: الحفير. | ٢. ش: حقرت. |
| ٣. ق: حفرة. | ٤. ج ٢، ص ٤٤٨. |
| ٥. ج ٥، ص ١٨٤٠. | ٦. ج ١، ص ٢٢٩. |
| ٧. ق: + ص. | ٨. سورة بقره، آية ٥٨. |
| ٩. ج ٣، ص ١١١٩. | ١٠. ج ١، ص ١٢٣. |
| ١١. ش: من. | ١٢. ق: تنقذه. |
| ١٣. ج ٢، ص ٥٧٢. | ١٤. سورة بقره، آية ٦١. |
| ١٥. ج ١، ص ٣٨. | ١٦. ج ٢، ص ٤٤١. |
| ١٧. ش: عزت. | ١٨. ج ١، ص ١٨١. |

[٣٧٦] أَنْظَرْتُهُ: أَي أَخْرَجْتُهُ. وَاسْتَنْظَرْتُهُ: أَي اسْتَمْتَلْتُهُ (ص) ١.

[٣٧٧] رَدِي - بالكسر - يَرْدِي: هَلَكَ. وَأَزْدَاهُ غَيْرُهُ. وَيَقَال: رَدَى وَتَرَدَّى، إِذَا سَقَطَ

251a / فِي بئرٍ، أَوْ تَهَوَّرَ ٢ مِنْ جَبَلٍ (ص) ٣.

[٣٧٨] الصَّخْرَاءُ: الْبَرِّيَّةُ. وَأَصْحَرَ الرَّجُلُ: أَي خَرَجَ إِلَى الصَّخْرَاءِ (ص) ٤.

[٣٧٩] لَأَذْبه لَوْ ذَا ٥ وَلِيَا ذَا: أَي لَجَأَ إِلَيْهِ وَعَاذَ بِهِ (ص) ٦ فَالْعَلَاذُ: اسْمُ الْمَكَانِ مِثْلُ

الْمَقَامِ (س).

[٣٨٠] الْفُطُوطُ ٧: الْيَأْسُ (ص) ٨.

[٣٨١] الْأَمَلُ: الرَّجَاءُ (ص) ٩.

[٣٨٢] هَجَدَ وَتَهَجَّدَ: أَي نَامَ لَيْلًا. وَهَجَدَ وَتَهَجَّدَ: أَي سَهَرَ، وَهُوَ مِنَ الْأَضْدَادِ. وَمِنْهُ

قِيلَ لِصَلَاةِ اللَّيْلِ: التَّهَجُّدُ (ص) ١٠.

[٣٨٣] انْتَهَا ١١ الْحَزْمَةُ: تَنَاوَلَهَا بِمَا لَا يَجِلُّ. نَهَكَتُ ١٢ الثَّوْبَ - بِالْفَتْحِ - أَنْهَكُهُ ١٣ نَهَكَأ:

أَي لَبِسْتُهُ حَتَّى خَلَقْتُ. وَنَهَكَتُ الطَّعَامَ: بَالَغْتُ فِي أَكْلِهِ (ص) ١٤ وَيُمْكِنُ أَنْ يُقَالَ مِنْ هَذَا

الْفِعْلِ انْتَهَكَ بِمَعْنَى نَهَكَ (س).

[٣٨٤] اجْتَرَحَ ١٥: أَي اكْتَسَبَ. وَالْجَوَارِحُ ١٦ مِنَ السَّبَاعِ وَالطَّيْرِ: ذَوَاتُ الصَّيْدِ.

وَجَوَارِحُ الْإِنْسَانِ: أَعْضَاؤُهُ الَّتِي ١٧ يَكْتَسِبُ بِهَا (ص) ١٨.

[٣٨٥] الْعَائِذَةُ: الْعَطْفُ وَالْمَنْفَعَةُ. يَقَال: هَذَا الشَّيْءُ أَغَوَّدَ عَلَيْكَ مِنْ كَذَا، أَي أَنْفَع.

- | | |
|----------------------|-----------------------------|
| ١. ج ٢، ص ٨٣١ | ٢. ش: هَوَّرَ. |
| ٣. ج ٦، ص ٢٣٥٥ | ٤. ج ٢، ص ٧٠٨. |
| ٥. ق: أَو. | ٦. ج ٢، ص ٥٧٠. |
| ٧. ق: + النحا (٩). | ٨. ج ٣، ص ١١٥٥. |
| ٩. ج ٤، ص ١٦٢٧ | ١٠. ج ١، ص ٥٥٢. |
| ١١. ش: انتَهَكَ. | ١٢. ق: نَكَهَتْ. |
| ١٣. ش: أَنْهَكَتَهُ. | ١٤. ج ٤، ص ١٦١٣. |
| ١٥. ش: + الشَّيْءُ. | ١٦. ق: وَش: بِالْجَوَارِحِ. |
| ١٧. ق وَش: الَّذِي. | ١٨. ج ١، ص ٣٥٨. |

وَفُلَانٌ ذُو صَفْحٍ وَعَائِدَةٌ: أَي ذُو عَفْوٍ وَتَعَطُّفٍ (ص) ^١.

[٣٨٦] الْكُفُّ: التَّظْيِيرُ (ص) ^٢.

[٣٨٧] شَهِدَ لَهُ بِكَذَا شَهَادَةً: أَي أَدَّى مَا عِنْدَهُ مِنَ الشَّهَادَةِ، فَهُوَ شَاهِدٌ، وَالْجَمْعُ شَهَدٌ، كَصَاحِبٍ وَصَحْبٍ. وَجَمْعُ الْجَمْعِ: شُهُودٌ وَأَشْهَادٌ (ص). وَاسْتَشْهَدَ بِكَذَا: أَي أَتَى بِشَاهِدِهِ ^٣ (ص) ^٤.

[٣٨٨] الْجِسْمَةُ: الْإِسْتِخْيَاءُ. وَاحْتَشَمْتُ ^٥ وَاحْتَشَمْتُ مِنْهُ بِمَعْنَى (ص) ^٦.

[٣٨٩] مَكَانٌ حَرِجٌ وَحَرَجٌ: أَي ضَيْقٌ (ص) ^٧.

[٣٩٠] حِجَابُ الْجَوْفِ: مَا يَحْجُبُ بَيْنَ الْفَوَادِ وَسَائِرِهِ (ص) ^٨ أَي بَيْنَ الْقَلْبِ وَسَائِرِ الْجَوْفِ (س).

[٣٩١] [رَجُلٌ حَظِيٌّ: إِذَا كَانَ ذَا حُظْوَةٍ وَمَنْزِلَةٍ. وَحَظِيٌّ عِنْدَ الْأَمِيرِ وَاحْتَظَى بِهِ بِمَعْنَى (ص) ^٩ وَأَخْطَى: اسْمُ تَفْضِيلٍ مِنْ حَظَى (س) ^{١٠}]. ^{١١} صَدَفَ عَنِّي: أَغْرَضَ ^{١٢}.

[٣٩٣] صَلَقَ الْفَخْلُ يَصْطَلِقُ بِنَابِهِ، وَذَلِكَ صَرِيرُهُ ^{١٣} إِذَا حَكَ بَعْضُ أَنْيَابِهِ بِبَعْضٍ وَسَمِعَ لَهَا صَوْتٌ، فَهُوَ صَالِقٌ (س).

[٣٩٤] فَغَرَّ فَاةً: أَي فَتَحَهُ (ص) ^{١٤}.

[٣٩٥] الْعَثْرَةُ: الرُّلَّةُ (ص) ^{١٥}.

[٣٩٦] شَحَنْتُ السَّيْفِيَّةَ: أَي مَلَأْتُهَا (ص) ^{١٦} مِلَاءً، لَا مَزِيدَ عَلَيْهِ (س).

- | | |
|-------------------|---------------------|
| ١. ج. ١، ص ٥١١. | ٢. ج. ١، ص ٦٨. |
| ٣. ش: بشهادة. | ٤. ج. ١، ص ٤٩١. |
| ٥. ق: احشمت. | ٦. ج. ٥، ص ١٩٠٠. |
| ٧. ج. ١، ص ٣٠٥. | ٨. ج. ١، ص ١٠٧. |
| ٩. ج. ٦، ص ٢٣١٦. | ١٠. در «ش» محو شده. |
| ١١. ج. ٤، ص ١٣٨٤. | ١٢. ج. ٤، ص ١٥٠٩. |
| ١٣. ج. ٢، ص ٧٨٢. | ١٤. ج. ٢، ص ٧٣٦. |
| ١٥. ج. ٥، ص ٢١٤٣. | |

٣٣. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الْإِسْتِخَارَةِ

[٣٩٧] الذَّرِيعَةُ: الْوَسِيلَةُ (ص) ١.

[٣٩٨] زَاحَ الشَّيْءُ يَزِيحُ زَيْحًا: أَيُ بَعُدَ وَذَهَبَ وَأَزَاحَهُ غَيْرُهُ (ص) ٢.

[٣٩٩] غَمَطَ عَيْشُهُ: أَيُ بَطَرَهُ وَخَفَرَهُ (ص) ٣.

[٤٠٠] جَنَحَ: أَيُ مَالَ ٤.

٣٤. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا ابْتُلِيَ أَوْ رَأَى مُبْتَلًى بِذَنْبٍ

[٤٠١] [قَصَبُهُ: أَيُ غَابَهُ. قَالَ الْكَمِثُ: عَلَى أَنِّي أَدُمُّ وَأُقَصِّبُ (ص) ٥].

[٤٠٢] [الْمَسَاوِي: الْعُيُوبُ. وَمِنْهُ قَوْلُهُمْ: «الْخَيْلُ تَجْرِي عَلَى مَسَاوِيهَا» ٦: أَيُ إِنَّهَا وَإِنْ

كَانَتْ بِهَا أَوْصَابٌ ٧ وَعُيُوبٌ، فَإِنْ كَرَّمَهَا يَحْمِلُهَا عَلَى الْجَزْيِ (ص) ٨].

[٤٠٣] [الْعَوْرَةُ: سَوَاءُ الْإِنْسَانِ وَكُلُّ مَا يُسْتَحْيَا مِنْهُ ٩ (ص) ١٠].

[٤٠٤] [الدَّخْلُ: الْعَنِيبُ وَالرَّيْبَةُ. وَكَذَلِكَ الدَّخْلُ - بِالْتَّخْرِيكِ - يُقَالُ: هَذَا الْأَمْرُ فِيهِ دَخْلٌ

وَدَغْلٌ بِمَعْنَى (ص) ١١ فَالْدَّخِيلَةُ مُضْذَرٌ، كَالْقَطِيعَةِ وَالصَّرِيمَةِ (س).

[٤٠٥] صَفْوُ الشَّيْءِ: خَالِصُهُ. وَمُحَمَّدٌ ﷺ صَفْوَةُ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ. يُقَالُ / 251b / : صَفْوَةُ

مَالِي، وَصَفْوَةُ مَالِي. وَإِنْ حَذَقُوا الْهَاءَ قَالُوا: صَفْوُ مَالِي - بِالْفَتْحِ - لَا غَيْرَ (ص) ١٢.

[٤٠٦] [الْبَرِيَّةُ: الْخَلْقُ (ص) ١٣].

١. ج. ٣، ص ١٢١١.

٢. ج. ١، ص ٣٧١.

٣. ج. ٣، ص ١١٤٧.

٤. ج. ١، ص ٣٦٠.

٥. ج. ١، ص ٢٠٣. ش: [] ابن كلفه مربوط به دعای مکارم الأخلاق است اما در «ق» همین جا آمده است.

٦. ق: مساوتها.

٧. ق: أنصاب.

٨. ج. ١، ص ٥٧.

٩. ق: به.

١٠. ج. ٢، ص ٧٥٩.

١١. ج. ٤، ص ١٦٩٦.

١٢. ج. ٦، ص ٢٤٠١.

١٣. ج. ١، ص ٣٦.

٣٥. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الرِّضَا

[٢٠٧] يقال: ^١: زَوَى فُلَانٌ الْمَالَ عَنْ وَارِثِهِ، إِذَا مَنَعَهُ (ص) ^٢.

[٢٠٨] الْخَسِيسُ: الدَّنِيءُ (ص) ^٣.

٣٦. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى السَّحَابِ

[٢٠٩] الْآيَةُ: الْعَلَامَةُ (ص) ^٤.

[٢١٠] بَدَزْتُ الشَّيْءَ أَبْدُرُ بُدُورًا: أَسْرَعْتُ إِلَيْهِ. وَكَذَلِكَ بَادَزْتُ إِلَيْهِ. وَتَبَادَرَ الْقَوْمُ:

تَسَارَعُوا. وَابْتَدَرُوا السَّلَاحَ: تَسَارَعُوا إِلَى أَخْذِهِ (ص) ^٥.

[٢١١] الْمَحْلُ: الْجَذْبُ ^٦ وَهُوَ انْقِطَاعُ الْمَطَرِ وَيُبْسُ الْأَرْضُ مِنَ الْكَلَالِ (ص) ^٧.

[٢١٢] الْوَحْرُ فِي الصَّدْرِ، مِثْلُ الْغُلِّ (ص) ^٨.

[٢١٣] الْمَادَّةُ: الزِّيَادَةُ الْمُتَّصِلَةُ. وَمَدَّ اللَّهُ فِي عُمُرِهِ. وَمَدَّهُ فِي ^٩ غَيْهِ: أَمْهَلَهُ وَطَوَّلَ

لَهُ (ص) ^{١٠}.

٣٧. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا اعْتَرَفَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ تَابِيَةِ الشُّجْرِ

[٢١٤] الْإِسْطِطَاعَةُ: الْإِطَاقَةُ (ص) ^{١١} وَأَطَاقَ الشَّيْءُ: أَيِ قَدَرَ عَلَيْهِ وَعَلَى تَحْمِلِهِ (س).

[٢١٥] أَفَاضُوا فِي الْحَدِيثِ: أَيِ انْدَفَعُوا (ص) ^{١٢}.

[٢١٦] أَمْلَى اللَّهُ لَهُ: أَيِ أَمْهَلَهُ وَطَوَّلَ لَهُ (ص) ^{١٣}.

[٢١٧] قَدْ أَوْشَكَ فُلَانٌ: أَيِ أَسْرَعَ. وَوَشَكَ الْبَيْنُ: سُرْعَةُ الْفِرَاقِ (ص) ^{١٤}.

١. ش. - يقال.

٢. ج. ٢، ص ٢٣٦٩.

٣. ج. ٢، ص ٩١٩.

٤. ج. ٢، ص ٢٢٧٥.

٥. ج. ٢، ص ٥٨٦.

٦. ش. الجذب.

٧. ج. ٥، ص ١٨١٧.

٨. ج. ٢، ص ٨٤٤.

٩. ق. - في.

١٠. ج. ١، ص ٥٣٤.

١١. ج. ٣، ص ١٢٥٥.

١٢. ج. ٣، ص ١٠٩٩.

١٣. ج. ٦، ص ٢٤٩٧.

١٤. ج. ٤، ص ١٦١٥.

[٢١٨] الْمَنَاقِشَةُ: الإِسْتِيفَاءُ فِي الْحِسَابِ. وَفِي الْحَدِيثِ: مَنْ نَوَقِشَ فِي الْحِسَابِ عُذِبَ (ص) ١.

[٢١٩] الْكَذْحُ: الْعَمَلُ وَالسَّغْيُ وَالْكَسْبُ. يُقَالُ: هُوَ يَكْذَحُ فِي كَذَا: أَيِ يَكْذُبُ.

٣٨. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ

[٢٢٠] الْحَجَرُ: الْحَرَامُ، يُكْسَرُ وَيُضَمُّ وَيُفْتَحُ. وَقُرِئَ بِهِنَّ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «حَجَرًا مَخْجُورًا»^٣ أَيِ يَقُولُ الْمُشْرِكُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا رَأَوْا مَلَائِكَةَ الْعَذَابِ: «حَجَرًا مَخْجُورًا» أَيِ حَرَامًا مُحَرَّمًا، يَظُنُّونَ أَنَّ ذَلِكَ يَنْفَعُهُمْ كَمَا كَانُوا^٤ يَقُولُونَ فِي الدُّنْيَا لِمَنْ يَخَافُونَهُ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ (ص) ٥.

[٢٢١] أَلَمُ الرَّجُلِ مِنَ اللَّمَمِ، وَهِيَ صِغَارُ الذُّنُوبِ. وَيُقَالُ: هُوَ مُقَارَبَةُ الْمَعْصِيَةِ^٥ مِنْ غَيْرِ مُوَاقَعَةٍ (ص) ٧.

[٢٢٢] الْإِذْرَاكُ: اللَّحُوقُ. يُقَالُ: مَسَبَتْ حَتَّى أَذَرَ كُتَّهُ. وَالذَّرَكُ: التَّبِعَةُ، يُسَكَّنُ وَيُحَرَّكُ. يُقَالُ: مَا لَحِقَكَ مِنْ دَرَكٍ فَعَلَيْ خَلَاصُهُ (ص) ٨.

[٢٢٣] اسْتَقَلَّ بِالشَّيْءِ إِذَا تَخَمَّلَهُ مُنْفَرِدًا، كَمَا يُقَالُ: فَلَانَ اسْتَقَلَّ بِالْأَمْرِ (ص) أَيِ قَامَ بِهِ وَخَذَهُ (س).

[٢٢٤] أَمَرَ فَادَخَ، إِذَا عَالَهُ^٩ وَبَهَظَهُ (ص) ١٠. أَمَرَ فَادَخَ: أَيِ شَاقَّ^{١١} (س).

[٢٢٥] الْإِضْرُ: الذَّنْبُ وَالثَّقُلُ (ص) ١٢.

[٢٢٦] آسَيْتُهُ بِمَالِي: أَيِ جَعَلْتُهُ فِيهِ إِشْوَتِي (ص) ١٣ أَيِ مِثْلِي مُسَاوِيًا لِي فِيهِ (س).

٢. ج ١، ص ٣٩٨.

٤. ق: يكونون.

٦. ق: المعصية.

٨. ج ٤، ص ١٥٨٢.

١٠. ج ١، ص ٣٩٠.

١٢. ج ٢، ص ٥٧٩.

١. ج ٣، ص ١٠٢٣.

٣. سورة فرقان، آية ٢٢.

٥. ج ٢، ص ٦٣٣.

٧. ج ٥، ص ٢٠٣٢.

٩. ش: غاله.

١١. ش: ساق؛ ق: شاور.

١٣. ج ٦، ص ٢٢٦٨.

[٤٢٧] الْوَرْطَةُ: الْهَلَاكُ (ص) ١.

[٤٢٨] الْقَدُّسُ وَالْقُدُّسُ: الطَّهْرُ ٢.

٣٩. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ

[٤٢٩] الْغَيْبُ: أَنْ تَرِدَ الْإِبِلُ الْمَاءَ يَوْمًا وَتَدْعُهُ ٣ يَوْمًا. وَكَذَا الْغَيْبُ فِي الْحُمَى. وَالْغَيْبُ فِي

الرَّيَاةِ، قَالَ الْحَسَنُ: فِي كُلِّ ٤ أَسْبُوعٍ ٥، يُقَالُ: رُؤِيَ غَيْبًا تَزْدَدُ حُبًّا (ص) ٦.

٤٠. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي طَلَبِ السُّتْرِ

[٤٣٠] التَّبَخُّخُ: التَّمَكُّنُ فِي الْخُلُولِ [والمقام] ٧. وَيُخْبُو حَةَ الدَّارِ: وَسَطُهَا (ص) ٨.

[٤٣١] الشَّنَازُ: الْعَيْبُ وَالْعَارُ (ص) ٩.

[٤٣٢] الْفَوْجُ: الْجَمَاعَةُ مِنَ النَّاسِ. وَالْجَمْعُ أَفْوَاجَ (ص) ١٠.

٤١. دُعَاؤُهُ ﷺ عِنْدَ خَتْمِهِ الْقُرْآنَ

[٤٣٣] الْمُهَيِّمُنُ: 252a / الشَّاهِدُ (ص) ١١.

[٤٣٤] فَرَقْتُ بَيْنَ الشَّيْنَيْنِ: أَفَرَّقُ فَرْقًا وَفَرْقَانًا (ص) ١٢. وَالْمُرَادُ بِالْمَصْدَرِ هُنَا اسْمُ

الْفَاعِلِ أَيْ فَارِقًا (س).

[٤٣٥] الْحَيْفُ ١٣: الْجَوْرُ وَالظُّلْمُ. وَقَدْ خَافَ عَلَيْهِ يَحْيَى: أَيْ جَارَ (ص) ١٤.

[٤٣٦] الْبُرْهَانُ: الْحُجَّةُ ١٥.

١. ج ٣، ص ١١٦٦.

٣. ق: تدعيها؛ ش: تدعيها.

٥. ش: + مزة.

٧. ق: مزة.

٩. ج ٢، ص ٧٠٤.

١١. ج ٦، ص ٢٢١٧.

١٣. ق و ش: الحوف؛ ص: متن.

١٥. ج ٥، ص ٢٠٧٨.

٢. ج ٢، ص ٩٥٧.

٤. ش: - كل.

٦. ج ١، ص ١٩٠.

٨. ج ١، ص ٣٥٤.

١٠. ج ١، ص ٣٣٦.

١٢. ج ٤، ص ١٥٤٠.

١٤. ج ٤، ص ١٣٤٧.

[٤٣٧] الْجَنِيْسُ مِنَ الرُّجَالِ، إِذَا كَانَ عَيْنًا. والجمعُ جَوَاسِي (س).

[٤٣٨] التَّنْهِيلُ: التَّيْسِيرُ^١.

[٤٣٩] الْمُحْكَمُ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْحَدِيثِ: الَّذِي لَا يَخْتَمِلُ التَّأْوِيلَ مِثْلُ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^٢.

والمُتَشَابِهُ بِخِلَافِهِ (س).

[٤٤٠] خَلَجَهُ وَاخْتَلَجَهُ: إِذَا جَذَبَهُ وَانْتَزَعَهُ (ص)^٣.

[٤٤١] الرِّئِيعُ: المِثْلُ (ص)^٤.

[٤٤٢] الْحَبْلُ: الْعَهْدُ. وَالْحَبْلُ: الْأَمَانُ، وَهُوَ مِثْلُ الْجَوَارِ (ص)^٥.

[٤٤٣] الْمَغْفِلُ: الْمَلْجَأُ (ص)^٦ وَيُطْلَقُ كَثِيرًا عَلَى^٧ الْبُنْيَانِ الْمَنِيعِ الْحَصِينِ (س).

[٤٤٤] الْبُلُوجُ: الْإِسْرَاقُ. يُقَالُ: بَلَغَ الصُّبْحُ [يَبْلُغُ]^٨ - بِالضَّم - وَتَبْلُغُ: أَضَاءَ، وَابْتَلَجَ

مِثْلَهُ. وَكَذَلِكَ الْحَقُّ^٩ إِذَا اتَّضَحَ الصُّبْحُ. وَيُقَالُ: ابْتَلَجَ الصُّبْحُ إِذَا أَشْفَرَ أَوْ أَضَاءَ (ص)^{١٠}.

[٤٤٥] الْمِضْبَاحُ: السَّرَاجُ. وَقَدْ اسْتَضَبَحَتْ بِهِ: أَوْقَدَتْهُ (ص)^{١١} وَانْتَفَعْتُ بِنُورِهِ (س).

[٤٤٦] الْإِلْتِمَاسُ: الطَّلَبُ. وَالتَّلْمُسُ: التَّطَلُّبُ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى (ص)^{١٢}.

[٤٤٧] الْعَلَمُ: الْعَلَامَةُ. وَالْعَلَمُ: الرَّايَةُ (ص)^{١٣}.

[٤٤٨] النَّهْجُ: الطَّرِيقُ الْوَاضِحُ^{١٤} (ص)^{١٥} وَأَنْهَجَ طَرِيقًا: أَي طَرَقَ طَرِيقًا (س).

[٤٤٩] الْعَرَصَةُ: كُلُّ بُقْعَةٍ بَيْنَ الدُّوَرِ وَاسِعَةٍ لَيْسَ بِهَا بِنَاءٌ. وَالْجَمْعُ الْعِرَاصُ

وَالْعَرَصَاتُ (ص)^{١٦}.

٢. سورة توحيد، آية ١.

٤. ج. ٤، ص ١٣٢٠.

٦. ج. ٥، ص ١٧٦٩.

٨. ق و ش: - []؛ ص: + [].

١٠. ج. ١، ص ٣٠٠.

١٢. ج. ٢، ص ٩٧٢.

١٤. ش: الواضح.

١٦. ج. ٣، ص ١٠٤٤.

١. ج. ٥، ص ١٧٣٣.

٣. ج. ١، ص ٣١١.

٥. ج. ٤، ص ١٦٦٤.

٧. ش: على كثير.

٩. ق: الجز.

١١. ج. ١، ص ٣٨٠.

١٣. ج. ٥، ص ١٩٩٠.

١٥. ج. ١، ص ٣٤٦.

[٤٥٠] الشَّمَائِلُ: الْأَخْلَاقُ (ص) ١.

[٤٥١] فَفَوْتُ أَثَرَهُ فَفَوُّوا فَفَوُّوا: أَي اتَّبَعْتُهُ. وَقَفَّيْتُ عَلَى أَثَرِهِ بِفُلَانٍ: أَي اتَّبَعْتُهُ إِيَّاهُ

(ص) ٣.

وَأَقِفْ بِنَا أَثَارَهُ: أَي اتَّبِعْنَا أَثَارَهُ.

[٤٥٢] خَاصَّ الْقَوْمُ فِي الْحَدِيثِ: أَي أَفَاضُوا فِيهِ (ص) ٤.

[٤٥٣] الدَّرَنُ: الْوَسْخُ (ص) ٥.

[٤٥٤] الْإِمْلَاقُ: الْإِفْتِقَارُ (ص) ٦.

[٤٥٥] الْخِضْبُ - بِالْكَسْرِ -: ضِدُّ الْجَذْبِ ٧ (ص) ٨.

[٤٥٦] الصَّرِيبَةُ: الطَّبِيعَةُ وَالسَّجِيَّةُ. الْجَمْعُ الصَّرَائِبُ (ص) ٩.

[٤٥٧] الْهُوَّةُ: الْوَهْدَةُ الْعَمِيقَةُ ١٠. وَالْوَهْدَةُ ١١: الْمَكَانُ الْمُطْمَئِنُّ ١٢. وَالْمُطْمَئِنُّ ١٣:

المنخفض ١٤ (ص).

[٤٥٨] الذِّيَاذُ: الطَّرْدُ. يُقَالُ: ذُذْتُ عَنْ كَذَا. وَذُذْتُ الْإِبِلَ: سَقَيْتُهَا وَطَرَدْتُهَا (ص) ١٥.

[٤٥٩] الْحَشْرَجَةُ: الْغَرَاةُ عِنْدَ الْمَوْتِ وَتَرْدُّدُ النَّفْسِ (ص) ١٦.

[٤٦٠] التَّرْقُوتُ: الْعَظْمُ الَّذِي بَيْنَ النَّخْرِ وَالْعَاتِقِ (ص) ١٧.

[٤٦١] تَجَلَّى: أَي انْكَشَفَ (ص) ١٨.

[٤٦٢] اللَّحْدُ - بِالتَّسْكِينِ -: الشَّقُّ فِي جَانِبِ الْقَبْرِ. وَالْحَدْتُ الْمَيِّتَ: أَي وَضَعْتُهُ فِي

١. ج ٥، ص ١٧٤٠. ٢. ق: -قفوا.

٣. ج ٤، ص ٢٤٦٦. ٤. ج ٣، ص ١٠٧٥.

٥. ج ٥، ص ٢١١٢. ٦. ج ٤، ص ١٥٥٧.

٧. ش: الجذب. ٨. ج ١، ص ١٢٠.

٩. ج ١، ص ١٦٩ - ١٧٠. ١٠. ج ٤، ص ٢٥٣٨.

١١. ق: الوهدة العميقة الهوة والهوة. ١٢. ج ١، ص ٥٥١.

١٣. ش: -والمطمئن.

١٤. ق: المنخفض. ر. ك: صحاح، ج ١، ص ٢٧٢؛ لسان العرب، ج ٣، ص ٤٧١.

١٥. ج ١، ص ٤٦٨. ١٦. ج ١، ص ٣٠٦.

١٧. ج ٤، ص ١٤٥٣. ١٨. ج ٤، ص ٢٣٠٥.

اللَّحْدِ (ص) ١. واسمُ الْمَكَانِ مِنْهُ مَلْحَدٌ وَالْجَمْعُ مَلَا حِدٌ (س ٢).

[٤٦٣] كُلُّ شَيْءٍ كَثُرَ ٣ حَتَّى غَلَا وَغَلَبَ فَقَدْ طَمَّ يَطُمُّ. يقال: فَوْقَ كُلِّ طَائِمَةٍ طَائِمَةٌ. وَمِنْهُ سُمِّيَتِ الْقِيَامَةُ طَائِمَةً (ص) ٤.

[٤٦٤] النَّكَدُ: الْعُسْرُ (ص) ٥.

٤٢. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْهِلَالِ

[٤٦٥] الْبَهِيمُ: الْأَسْوَدُ. يقال: لَيْلٌ بَهِيمٌ: أَيُ أَسْوَدُ. وَالْبُهْمَةُ: السُّودَاءُ. وَالْجَمْعُ بُهْمٌ، مِثْلُ ظُلْمَةٍ وَظَلَمَ (ص).

[٤٦٦] اِمْتَنَهْتُ الشَّيْءَ: أَيِ ابْتَدَلْتُهُ (ص) ٦ وَلَمْ أَصْنُهُ عَمَّا ابْتَدَلْتُهُ فِيهِ (س).

[٤٦٧] الْيَمْنُ: الْبَرَكَهَةُ (ص) ٧.

[٤٦٨] مُبَاشَرَةُ الْأُمُورِ: أَنْ تَلِيَهَا بِنَفْسِكَ (ص) ٨.

[٤٦٩] اسْتَوَزَعْتُ اللَّهَ شُكْرَهُ فَأَوَزَّ عَنِّي: أَيِ اسْتَلْهَمْتُهُ فَأَلْهَمَنِي ٩ (ص) ١٠.

[٤٧٠] الْجُنَّةُ - بِالضَّمِّ -: مَا اسْتَوَزَّتْ بِهِ مِنْ سِلَاحٍ. / 252b / وَالْجُنَّةُ: السُّتْرَةُ. وَالْجَمْعُ

الْجُنُنُ ١١.

٤٣. دُعَاؤُهُ ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ

[٤٧١] حَبَاهُ حَبْوَةٌ: أَيِ أَعْطَاهُ. وَالْحَبَاءُ: الْعَطَاءُ (ص) ١٢.

[٤٧٢] التَّمَجِصُ: الْإِثْلَاءُ وَالْإِخْتِبَارُ (ص) ١٣.

[٤٧٣] لَغَا يَلْغُو لَغْوًا: أَيِ قَالَ بِاطِلًا (ص) ١٤.

١. ج ١، ص ٥٣١-٥٣٢.

٢. ق: ص.

٣. ق: كثير.

٤. ج ٥، ص ١٩٧٦.

٥. ج ١، ص ٥٤٢.

٦. ج ٢، ص ٥٩٠.

٧. ج ٦، ص ٢٢٢٠.

٨. ج ٣، ص ١٢٩٧.

٩. ق: و ش: استملهته فألهمني: ص: متن.

١٠. ج ٥، ص ٢٠٩٤.

١١. ج ٣، ص ١٠٥٦.

١٢. ج ٦، ص ٢٣٠٨.

١٣. ج ٣، ص ٢٤٨٣.

١٤. ج ٦، ص ٢٤٨٣.

[٤٧٤] لَهَوْتُ بِالشَّيْءِ أَلهو^١ لهواً: إِذَا لَعِبْتَ بِهِ (ص)^٢ وقد يُطْلَقُ اللَّهْوُ عَلَى اللَّعْبِ بِالْأَلَاتِ الْمُطْرِبَةِ (س).

[٤٧٥] يَدٌ بَسْطٌ: أَي مُطْلَقَةٌ. وقد يَكُونُ بَسْطُ الْيَدِ بِمَعْنَى مَدُّهَا إِلَى الشَّيْءِ. لِلأَخْذِ وَ لِلْبَطْشِ^٣ (س).

[٤٧٦] الْوِعَاءُ: وَاحِدُ الْأَوْعِيَةِ. يُقَالُ: أَوْعَيْتُ الزَّادَ وَالْمَتَاعَ، إِذَا جَعَلْتَهُ فِي الْوِعَاءِ (ص)^٤ فَوَعَا الْوِعَاءُ الزَّادَ يَعِيهِ. فَالزَّادُ مَوْعُوٌّ (س).

[٤٧٧] الْإِشْتِيْنَاْفُ: الْإِئْتِدَاءُ (ص)^٥ فِي الشَّيْءِ مَرَّةً أُخْرَى (س).

[٤٧٨] أَهْلَهُ اللَّهُ لِلْخَيْرِ^٦ تَأْهِيلًا (ص)^٧ جَعَلَهُ أَهْلًا لَهُ أَوْ أَهْلًا بِهِ: أَي أَنْسَأَ^٨ بِهِ (س).

٣٣. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ

[٤٧٩] الشُّوبُ: الْخَلْطُ (ص)^٩.

[٤٨٠] التَّوْبَةُ النَّصُوحُ: الصَّادِقَةُ^{١٠}.

[٤٨١] السُّومُ فِي الْبَيْعِ: طَلَبُ^{١١} زِيَادَةٍ عَنِ الثَّمَنِ الَّذِي هُوَ ثَمَنُ الْمَبِيعِ (س).

[٤٨٢] الدُّخُورُ: الصَّغَارُ وَالذُّلُّ (ص)^{١٢}.

[٤٨٣] أَرْزَلْفَهُ: قَرَّبَهُ. وَالرُّلْفَةُ وَالرُّلْفَى: الْقُرْبَةُ وَالْمَنْزِلَةُ الْعَالِيَةُ (ص)^{١٣}.

[٤٨٤] الثَّوَابُ: جَزَاءُ الطَّاعَةِ وَكَذَا الْمَثُوبَةُ (ص)^{١٤}.

[٤٨٥] حَاوَلْتُ الشَّيْءَ: أَي أَرَدْتُهُ (ص)^{١٥}.

٢. ج. ٦، ص ٢٤٨٧.

٤. ج. ٦، ص ٢٥٢٥.

٦. ق. النخير.

٨. ق. انشأ.

١٠. ج. ١، ص ٤١١.

١٢. ج. ٢، ص ٦٥٥.

١٤. ج. ١، ص ٩٥.

١. ق. - ألهو.

٣. ق. الأخذ أو البطش؛ ش. للأخذ و البطش.

٥. ج. ٤، ص ١٣٣٣.

٧. ج. ٤، ص ١٦٢٩. ق. س.

٩. ج. ١، ص ١٥٨.

١١. ق. طلبه.

١٣. ج. ٤، ص ١٣٧٠.

١٥. ج. ٤، ص ١٦٨١.

[٤٨٦] الذَّمَامُ: الحُزْمَةُ (ص) ١.

[٤٨٧] الْقَرِينُ: الْمُصَاحِبُ ٢. وَقَرِينَةُ الرَّجُلِ: زَوْجَتُهُ (ص) ٣.

[٤٨٨] الْفَجِيعَةُ: الرَّزِيَّةُ. وقد فَجَعَتْهُ الْمُصِيبَةُ: [أي أَوْجَعَتْهُ. وكذلك التَّفْجِيعُ. و

تَفَجَّعْتُ لَهُ: أي تَوَجَّعْتُ] ٤ (ص) ٥.

[٤٨٩] الْمَضَضُ: وَجَعُ الْمُصِيبَةِ ٦.

[٤٩٠] شَيْءٌ نَفِيسٌ: أي يَتَنَافَسُ فِيهِ وَيَزْعَبُ (ص). وَنَفَسُ الشَّيْءِ يَنْفُسُهُ ٧: أي صَارَ

نَفِيسًا. وَنَافَسَهُ مِثْلَ صَارَبَهُ: أي لَا تَعُدُّ نَفْسَهَا نَفِيسَةً عِنْدَهُ (ص) ٨.

[٤٩١] الْبَرَمُ - بِالْتَحْرِيكِ -: مَضْذَرُ قَوْلِكَ بَرَمَ بِهِ - بِالْكَسْرِ - إِذَا سَيَّمَهُ ٩. وَتَبَرَّمَ بِهِ ١٠

مِثْلَهُ. وَأَبْرَمَهُ: أي أَمَلَّهُ وَأَضْجَرَهُ ١١.

[٤٩٢] غَاصَ الْمَاءُ يَغِيبُ غَيْبًا: أي قَلَّ وَنَضَبَ ١٢. وَغَاصَ ثَمَنُ السِّلْعَةِ: أي نَقَصَ

(ص) ١٣.

[٤٩٣] الْكَابَةُ: سُوءُ الْحَالِ. وَالْإِنْكَسَارُ مِنَ الْحُزَنِ (ص) ١٤.

[٤٩٤] غَبَرَ الشَّيْءُ يَغْبُرُ: أي بَقِيَ. وَالْغَابِرُ: الْمَاضِي. وَالْغَابِرُ: الْمُسْتَقْبَلُ، وَهُوَ مِنْ

الْأَضْدَادِ (ص) ١٥.

٤٥. دُعَاؤُهُ ﷺ يَوْمَ الْفِطْرِ

[٤٩٥] الْإِلْحَاحُ مِثْلُ الْإِلْخَافِ ١٦. تقول أَلَحَّ عَلَيْهِ بِالمَسْأَلَةِ (ص) ١٧ [إِذَا كَرَّرَ الْمَسْأَلَةَ] ١٨.

٢. ق: الصاحب.

٤. ق: - []

٦. ج ٣، ص ١١٠٦. ق: - []

٨. ج ٢، ص ٩٨٢.

١٠. ق: - به.

١٢. ق: نصب.

١٤. ج ١، ص ٢٠٧.

١٦. ق: الإلحاق.

١٨. ق: - []

١. ج ٥، ص ١٩٢٦.

٣. ج ٦، ص ٢١٨٢.

٥. ج ٣، ص ١٢٥٦.

٧. ق: + ينفسه.

٩. ق: سبهه.

١١. ج ٥، ص ١٨٦٩.

١٣. ج ٣، ص ١٠٦٩.

١٥. ج ٢، ص ٧٦٥.

١٧. ج ١، ص ٤٠٠.

[٤٩٦] إِجْتَبَاهُ: أَيِ اضْطَقَّاهُ^١.

[٤٩٧] الْعَقَاءُ: التَّرَابُ. وَالْعَقَاءُ: الدُّرُوسُ وَالْهَلَكَاتُ. وَالْإِغْقَاءُ مِثْلُهُ (ص)^٢.

[٤٩٨] إِنْتَجَعْتُ فَلَانًا، إِذَا أَتَيْتُهُ تَطْلُبُ مَعْرِوْفَةً (ص)^٣ وَالْعُرْفُ وَالْمَعْرِوْفُ:

الْعَطَاءُ (س).

[٤٩٩] نَزَعْتُ^٤ الشَّيْءَ: أَيِ قَلَعْتُهُ. وَنَزَعْتُ^٥ إِلَى كَذَا: أَيِ اسْتَفْتَيْتُهُ. وَنَزَعَ عَنِ الْأُمُورِ

نُزُوعًا: انْتَهَى عَنْهَا (ص)^٦.

[٥٠٠] فَأَاءَ يَفِيءُ فَيْئًا: رَجَعَ وَعَادَ (ص)^٧.

[٥٠١] دَخَصْتُ رِجْلَهُ تَدَخَّصُ دَخْصًا: زَلَقْتُ. وَدَخَصَتِ الشَّمْسُ عَنِ كَبِدِ السَّمَاءِ:

زَالَتْ. وَدَخَصَتْ حُجَّتَهُ دُخُوضًا: بَطَلَتْ^٨ (ص)^٩.

[٥٠٢] وَنِيلٌ: كَلِمَةٌ مِثْلُ وَنِيحٍ إِلَّا أَنَّهَا كَلِمَةٌ عَذَابٍ، وَوَنِيحٌ كَلِمَةٌ رَحْمَةٍ (ص)^{١٠}.

[٥٠٣] بَلَوْتُهُ بَلَاؤًا: جَرَّبْتُهُ وَاخْتَبَرْتُهُ. وَبَلَاءٌ^{١١} اللَّهُ بَلَاءٌ، وَأَبْلَاءٌ إِبْلَاءٌ حَسَنًا. وَابْتِلَاءٌ: أَيِ

اخْتَبَرَهُ. وَالتَّبَالِي: / 253a / الْإِخْتِيَارُ. وَقَوْلُهُمْ لَا أَبَالِيهِ: أَيِ لَا أَكْثَرْتُ لَهُ. وَأَبْلَيْتُ الثَّوبَ: أَيِ

لَيْسْتُ حَتَّى بَلَى وَعَدِمَ (ص)^{١٢}.

[٥٠٤] الْفَهَاهَةُ: الْعِيُ فِي النُّطْقِ بِالْحُجَّةِ. قَالَ الشَّاعِرُ:

فَلَمْ تُلْفِنِي فَهًا وَلَمْ تُلَفْ حُجَّتِي مَلَجَلَجَةً^{١٣} أَبْغِي لَهَا مَنْ يُقِيمُهَا

(ص)^{١٤}.

٢. ج. ٦، ص ٢٤٣١.

٤. ش: النزوع نزعت.

٦. ج. ٣، ص ١٢٨٩.

٨. ق: بطلته.

١٠. ج. ٥، ص ١٨٤٦.

١٢. ج. ٦، ص ٢٢٨٥.

١٤. ج. ٦، ص ٢٢٤٥.

١. ج. ٦، ص ٢٢٩٨.

٣. ج. ٣، ص ١٢٨٨.

٥. ش: نزعت.

٧. ج. ١، ص ٦٣.

٩. ج. ٣، ص ١٠٧٥-١٠٧٦.

١١. ق: إبلاءه.

١٣. ق: ملحلة.

[٥٠٥] فَصَارَاكَ أَنْ تَفْعَلَ كَذَا - بالفتح -: أَي غَايَتَكَ وَآخِرَ أَمْرِكَ (ص) ١.

[٥٠٦] حَسَرَ الْبَعِيرُ يَحْسُرُ حُسُورًا: أَعْيَا ٢.

٤٦. دُعَاؤُهُ ﷺ يَوْمَ الْعَرَفَةِ

[٥٠٧] ائْتَدَعْتُ الشَّيْءَ: اخْتَرْتُ غَتَّهُ لَا عَلَى مِثَالٍ. وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

(ص) ٣ بِهَذَا الْمَعْنَى (س).

[٥٠٨] أَلَّهُ - بِالْفَتْحِ - إِلَٰهَةٌ: أَي عَبْدَ عِبَادَةٍ. وَمِنْهُ قَرَأَ ابْنُ عَبَّاسٍ: «وَيَذَرُكَ وَإِلَٰهَتَكَ» ٤،

بِكسر الهمزة. وَقَالَ: وَعِبَادَتُكَ وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّ فَوْعُونَ كَانَ يُعْبَدُ. وَمِنْهُ قَوْلُنَا اللَّهُ. وَأَصْلُهُ إِلَٰهَةٌ

عَلَى فِعَالٍ بِمَعْنَى مَفْعُولٍ؛ لِأَنَّهُ مَالُوهُ: أَي مَعْبُودٌ، كَقَوْلِنَا: إِمَامٌ بِمَعْنَى مَفْعُولٍ لِأَنَّهُ مُؤْتَمَّ بِهِ،

فَلَمَّا أُذْخِلَتْ عَلَيْهِ الْأَلْفُ وَاللَّامُ حُذِفَتِ الْهَمْزَةُ تَخْفِيفًا لِكَثْرَتِهِ فِي الْكَلَامِ، وَلَوْ كَانَتْ ٥

عَوَاضًا مِنْهَا لَمَا اجْتَمَعَتَا ٦ مَعَ الْمُعَوَّضِ مِنْهُ فِي قَوْلِهِم: الْآلَهُ. وَقُطِعَتِ الْهَمْزَةُ فِي النَّدَاءِ

لِلزُّومِهَا تَفْخِيمًا لِهَذَا الْاسْمِ (ص) ٧.

[٥٠٩] الرَّقِيبُ: الْحَافِظُ. وَالرَّقِيبُ: النَّاطِرُ (ص) ٨.

[٥١٠] الْبَهَاءُ: الْحُسْنُ (ص) ٩.

[٥١١] السَّنَخُ: الْأَصْلُ (ص) ١٠.

[٥١٢] اخْتَذَى مِثْلَهُ: أَيِ اقْتَدَى (ص) ١١.

[٥١٣] النُّصْفُ: النُّصْفَةُ (ص) ١٢.

[٥١٤] الْعِدْلُ - بِالْكَسْرِ وَالْفَتْحِ -: النَّظِيرُ وَالْمِثْلُ (ص) ١٣.

٢. ج ٢، ص ٦٢٩.
٤. سورة اعراف، آية ١٢٧.
٥. ش: اجتمعت.
٨. ج ١، ص ١٣٧.
١٠. ج ١، ص ٤٢٣.
١٢. ج ٤، ص ١٤٣٢.

١. ج ٢، ص ٧٩٣.
٣. ج ٣، ص ١١٨٣.
٥. ق و ش: كانت.
٧. ج ٦، ص ٢٢٢٣.
٩. ج ٦، ص ٢٢٨٨.
١١. ج ٦، ص ٢٣١١.
١٣. ج ٥، ص ١٧٦٠.

- [٥١٥] [أَمَطْتُهُ: نَحَيْتُهُ. ومنه إِمَاطَةُ الْأَذَى عن الطَّرِيقِ (ص)]^١.
- [٥١٦] [مَارَيْنْتُهُ أَمَارِيهِ^٢ مِرَاءً: أَي جَادَلْتُهُ (ص)]^٣.
- [٥١٧] [الْجَدَدُ: الْأَرْضُ الصُّلْبَةُ. وفي الْمَثَلُ: مَنْ سَلَكَ الْجَدَدَ أَمِنَ الْعَقَارَ (ص)]^٤.
- [٥١٨] [بَهَرَهُ بَهْرًا: أَي غَلَبَهُ (ص)]^٥.
- [٥١٩] [الْفِطْرَةُ: الْخِلْقَةُ. وقد فَطَرَهُ يَفْطُرُهُ - بِالضَّم - فَطَرًا: أَي خَلَقَهُ (ص)]^٦.
- [٥٢٠] [النَّسَمُ: جَمْعُ نَسَمَةٍ، وهي النَّفْسُ. والنَّسَمَةُ: الْإِنْسَانُ (ص)]^٧.
- [٥٢١] [أَغْرَقَ النَّازِعُ فِي الْقَوَيْسِ: أَي اسْتَوْفَى مَدَهَا^٨. وَنَزَعَ فِي الشَّبهِ إِلَى أَبِيهِ: أَي ذَهَبَ (ص)]^٩ وَ^{١٠} الْحَمْدُ يَقْوَى مِنْ اسْتَوْفَى ذَهَابًا فِي تَوْفِيَّتِهِ (س).
- [٥٢٢] [النُّخْلَةُ: الْعَطِيَّةُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ (ص)]^{١١}.
- [٥٢٣] [الْأَزْرُ: الْقُوَّةُ. وقوله تعالى: «أَشْدُّدْ بِهِ أَزْدِي»^{١٢} أَي ظَهَّرِي (ص)]^{١٣}.
- [٥٢٤] [نَكَبَ^{١٤} عن الطَّرِيقِ وَيَنْكَبُ نَكُوبًا: أَي عَدَلَ (ص)]^{١٥}.
- [٥٢٥] [الْقَيْنَةُ: أَي طَرَحَتْهُ. وَالْقَيْنْتُ إِلَيْهِ بِالْمَوَدَّةِ (ص)]^{١٦} أَي أَظْهَرْتُهَا لَهُ (س).
- [٥٢٦] [الصُّفْرُ: الْخَالِي^{١٧} (ص)]^{١٨}.
- [٥٢٧] [الدُّلُّ وَالْدَّلَالُ: رَفَعَ النَّفْسَ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَضْلِ. وَالِاسْمُ الدَّلَالَةُ (ص)]^{١٩}.
- [٥٢٨] [أَتَرَفَّتْهُ النُّعْمَةُ: أَي أَطْعَمَتْهُ (ص)]^{٢٠}.

١. ج. ٣، ص. ١١٦٢، ش: - [].
 ٢. ج. ٦، ص. ٢٩١.
 ٣. ج. ٢، ص. ٥٩٨، ش: - [].
 ٤. ج. ٥، ص. ٢٠٤٠.
 ٥. ج. ٣، ص. ١٢٨٩.
 ٦. ج. ٥، ص. ١٨٢٦.
 ٧. ج. ٢، ص. ٥٧٨.
 ٨. ج. ١، ص. ٢٢٨.
 ٩. ق: الخالص.
 ١٠. ش: - [].
 ١١. ش: - أَمَارِيهِ.
 ١٢. ج. ١، ص. ٤٤٩.
 ١٣. ج. ٢، ص. ٧٨١.
 ١٤. ج. ٤، ص. ١٥٣٦.
 ١٥. ق: في.
 ١٦. سورة طه، آية ٣١.
 ١٧. ق: + يَنْكَبُ.
 ١٨. ج. ٦، ص. ٢٤٨٤.
 ١٩. ج. ٢، ص. ٧١٤.
 ٢٠. ج. ٤، ص. ١٣٣٣.

[٥٢٩] [نُطِئَتِ الشَّيْءُ بِغَيْرِهِ: خَلَطَتْهُ بِهِ (س)].^١

[٥٣٠] [تَنْصَلُ فُلَانٌ مِنْ ذُنُوبِهِ: أَيِ تَبَرُّأً (ص)].^٢

[٥٣١] [تَوَخَّذَ اللَّهُ بِعِصْمَتِهِ: أَيِ عَصَمَهُ وَلَمْ يَكِلْهُ إِلَى غَيْرِهِ (ص)].^٣

[٥٣٢] [اسْتَدْرَجَهُ إِلَى كَذْبٍ: إِذَا اسْتَنْزَلَهُ اللَّهُ دَرَجَةً فَدَرَجَةً^٤ حَتَّى يُورِطَهُ فِيهِ. وَاسْتَدْرَجَ

اللَّهُ الْعَصَا أَنْ يَزُرَّ قَهُمُ الصَّحَّةَ وَالنُّعْمَةَ فَيَجْعَلُونَ رِزْقَ اللَّهِ ذَرِيعَةً وَمُتَسَلِّقًا إِلَى اِزْدِيَادٍ / 253b الْكُفْرِ وَالْمَعَاصِي.

[٥٣٣] [تَشَاحَّ^٥ الرَّجُلَانِ عَلَى الْأَمْرِ: لَا يُرِيدَانِ أَنْ يَقُوتَهُمَا. وَفُلَانٌ يُشَاحُّ عَلَى فُلَانٍ: أَيِ

يَضِينُ بِهِ وَيَبْتَخِلُ (ص)].^٦

[٥٣٤] [تَبَرَّهْ تَبِيرًا: كَسَرَهُ وَأَهْلَكَهُ (ص)].^٧

[٥٣٥] [انْحَرَفَ عَنْهُ وَتَحَرَّفَ عَنْهُ وَاحْرَزُوفَ: أَيِ مَالَ (ص)].^٨

[٥٣٦] [الْعَمْرَةُ: الشُّدَّةُ. وَالْجَمْعُ عَمَرَاتٌ. وَغَمَرَاتُ الْمَوْتِ: شِدَائِدُهُ (ص)].^٩

[٥٣٧] [رَهَقَهُ - بِالْكَسْرِ - يَزْهُقُهُ: إِذَا غَشِيَهُ وَلَمْ يَبْعُدْ عَنْهُ. وَ^{١٠} الرَّهَقُ: السَّفَهُ وَالطُّغْيَانُ.

وَمِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾^{١١} (ص)].^{١٢}

[٥٣٨] [أَرْسَلَهُ مِنْ يَدِهِ: إِذَا رَمَاهُ (س)].

[٥٣٩] [السَّقَطَةُ: الْعَنْزَةُ وَالرَّزَّةُ وَكَذَا السَّقَاطُ^{١٣}.

[٥٤٠] [وَهَلَ فِي الشَّيْءِ وَعَنِ الشَّيْءِ يَوْهَلُ وَهَلًا: إِذَا غَلِطَ فِيهِ وَسَهَا (ص)].^{١٤}

١. ش. - []

٣. ج. ١، ص. ٥٤٥

٥. ش. + كشاف (؟)

٧. ج. ٢، ص. ٦٠٠

٩. ج. ٢، ص. ٧٧٢

١١. سورة جن، آية ٣.

١٣. ج. ٣، ص. ١١٣٢

٢. ج. ٥، ص. ١٨٣١

٤. ش. - فدرجة.

٦. ج. ١، ص. ٣٧٨

٨. ج. ٤، ص. ١٣٤٣

١٠. ش. + يقال.

١٢. ج. ٤، ص. ١٤٨٦-١٤٨٧

١٤. ج. ٥، ص. ١٨٤٦

- [٥٤١] الْآلَاءُ: النِّعَمُ. واحدها ألى^١ - بالفتح - وقد يُكسَرُ^٢ (ص) ٣.
- [٥٤٢] السَّمَاتَةُ: الفَرْحُ بِمُصِيبَةِ الْعَدُوِّ (ص) ٤.
- [٥٤٣] الْبَطْشَةُ: السُّطُوءَةُ وَالْأَخْذُ بِالْعَنْفِ. وكذا الْبَطْشُ (ص) ٥.
- [٥٤٤] قَرَعْتُهُ كَذَا: أَيِ ضَرَبْتُهُ. وَالْقَارِعَةُ: الشَّدَّةُ مِنْ شِدَائِدِ الدَّهْرِ، وَهِيَ الدَّاهِيَةُ (ص) ٦.
- [٥٤٥] أَبْلَسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ: أَيِ يَنْسَى. مِنْهُ سُمِّيَ إِبْلِيسُ (ص) ٧.
- [٥٤٦] الْوَجَسُ: فَرَزَعَةُ الْقَلْبِ (ص) ٨.
- [٥٤٧] الدُّونُ: الْحَقِيرُ الْخَسِيسُ (ص) ٩.
- [٥٤٨] الْحَذَرُ: التَّحَرُّزُ (ص) ١٠.
- [٥٤٩] أَعَذَرَ الرَّجُلُ: أَيِ صَارَ ذَا عَذْرِ. وَفِي الْمَثَلِ: أَعَذَرَ مَنْ أَنْذَرَ (ص) ١١.
- [٥٥٠] الْعَمَةُ^{١٢}: التَّحْيِيزُ وَالتَّرَدُّدُ. وَقَدْ عَمِيَ الرَّجُلُ - بِالْكَسْرِ - فَهُوَ عَمِيٌّ وَغَامِيٌّ (ص) ١٣.
- [٥٥١] السَّهْوُ: الْعَفْلَةُ. وَقَدْ سَهَا عَنْ الشَّيْءِ فَهُوَ سَاهٍ (ص) ١٤.
- [٥٥٢] الْكَرُّ: الرُّجُوعُ (ص) ١٥ وَتَلَحُّقُهُ الْهَاءُ (س).
- [٥٥٣] تَبَوَّأْتُ مَنْزِلًا: أَيِ نَزَلْتُهُ. وَتَبَوَّأْتُ لِلرَّجُلِ مَنْزِلًا وَتَبَوَّأْتُهُ بِمَعْنَى^{١٦}: أَيِ هَيَّأْتُهُ وَمَكَّنْتُ لَهُ فِيهِ (ص) ١٧.
- [٥٥٤] أَجْزَلْتُ لَهُ الْعَطَاءَ: أَيِ أَكْثَرْتُ (ص) ١٨.

١. ش: أعلا.
 ٢. ق: وقد تنكر.
 ٣. ج. ٦، ص ٢٢٧.
 ٤. ج. ١، ص ٢٥٥.
 ٥. ج. ٣، ص ٩٩٦.
 ٦. ج. ٣، ص ١٢٦٣.
 ٧. ج. ٢، ص ٩٠٦.
 ٨. ج. ٢، ص ٩٨٤.
 ٩. ج. ٥، ص ٢١١٥.
 ١٠. ج. ٢، ص ٦٢٦.
 ١١. ج. ٢، ص ٧٤٠.
 ١٢. ق: العمة.
 ١٣. ج. ٦، ص ٢٢٤٢.
 ١٤. ج. ٦، ص ٢٣٨٦.
 ١٥. ج. ٢، ص ٨٠٥.
 ١٦. ق: - بمعنى.
 ١٧. ج. ١، ص ٣٧.
 ١٨. ج. ٤، ص ١٦٥٥.

[٥٥٥] النَّوَالُ: الْعَطَاءُ. وَالنَّائِلُ مِثْلُهُ (ص) ١.

[٥٥٦] الدَّعَةُ: الْحَفْضُ (ص) ٢ وهو العَيْشُ الْخَالِي عن التَّشْوِيشِ (س).

[٥٥٧] حَبِطَ عَمَلُهُ - بالكسر - حَبِطًا - بالتسكين - وَحْبُوطًا: بَطَلَ ثَوَابُهُ وَأَخْبَطَهُ

الله (ص) ٣.

[٥٥٨] حَاطَهُ يَحُوطُهُ حَوَاطًا وَحِيطَةً وَحِيطَاةً: أَي كَلَأَهُ وَرَعَاهُ (ص) ٤.

٣٧. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي يَوْمِ الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ

[٥٥٩] غَبِثْتُ الْجَيْشَ: إِذَا هَيَّأْتُهُ فِي مَوَاضِعِهِ (ص) ٥.

[٥٦٠] [أَصَابَهُ: أَي وَجَدَهُ (ص) ٦].

[٥٦١] عَكَفَ عَلَى الشَّيْءِ يَعْكَفُ عُكُوفًا: أَي أَقْبَلَ عَلَيْهِ مَوَاطِبًا ٧.

[٥٦٢] [اِتَّبَرَزْتُ الشَّيْءَ: أَي اسْتَلَبْتُهُ (ص) ٨].

[٥٦٣] شِبَعَةُ الرَّجُلِ: اتِّبَاعُهُ وَأَنْصَارُهُ (ص) ٩.

٣٨. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي دِفَاعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ

[٥٦٤] تَفَجَّيْمُ النَّفْسِ فِي الشَّيْءِ: إِدْخَالُهَا فِيهِ ١٠.

[٥٦٥] الشُّغْبُ - بالكسر -: الطَّرِيقُ فِي الْجَبَلِ. وَالْجَمْعُ الشُّغَابُ (ص) ١١.

[٥٦٦] نَضًا سَيْفُهُ وَانْتِصَاةً: سَلَّهُ (ص) ١٢.

[٥٦٧] ظَبَنَ السَّهْمَ: طَرَفُهُ ١٣ (ص) ١٤ وَظَبَنَ الشَّيْءَ: حَدَّهُ (س).

١. ج ٥، ص ١٨٣٦-١٨٣٧.

٢. ج ٣، ص ١١٢١.

٣. ج ١، ص ١٦٥.

٤. ج ٢، ص ٨٦٢.

٥. ج ٥، ص ٢٠٠٦.

٦. ج ٦، ص ٢٥١١.

٧. ج ٦، ص ٢٤١٧.

٨. ج ٥، ص ١٨٣٦-١٨٣٧.

٩. ج ٣، ص ١١١٨.

١٠. ج ٦، ص ٢٤١٨.

١١. ج ٤، ص ١٤٠٦.

١٢. ج ٣، ص ١٢٤٠.

١٣. ج ١، ص ١٥٦.

١٤. ج ٦، ص ٢٤١٧.

- [٥٦٨] المَذْيَةُ - بالضم -: الشَّفَرَةُ (ص) ^١.
- [٥٦٩] شَبَاةٌ ^٢ كُلُّ شَيْءٍ: حَدُّ طَرَفِهِ. والجمع الشَّبَا (ص) ^٣.
- [٥٧٠] أَرْهَفْتُ سِنْفِي: أَي رَفَقْتُهُ (ص) ^٤.
- [٥٧١] دُفْتُ الدَّوَاءَ وَغَيْرَهُ: أَي بَلَلْتُهُ بِمَاءٍ أَوْ بغيرِهِ (ص) ^٥ لِأَجْلِ الشَّرْبِ (س).
- [٥٧٢] الْمَسْدُودُ: الْمُقْوَمُ. وَسَدَّدَ رُمَحَهُ، هُوَ خِلَافُ قَوْلِكَ: عَرَضَهُ (ص) ^٦ وَسَدَّدَ سَهَامَهُ إِذَا وَجَّهَهَا نَحْوَ الْمَرْمَى (س). / 254a
- [٥٧٣] الرُّعَاقُ: الْمِلْحُ، وَطَعَامٌ مَزْعُوقٌ إِذَا كَثُرَ مِلْحُهُ (ص).
- [٥٧٤] أَرْصَدْتُ لَهُ: أَغَدَدْتُ لَهُ (ص) ^٧.
- [٥٧٥] الْغَلَّةُ: حَرَارَةُ الْعَطَشِ وَكَذَلِكَ الْغَلِيلُ. وَالْغَلِيلُ: الضَّغْنُ وَالْحِقْدُ (ص) ^٨.
- [٥٧٦] [الشَّوَى: جمع] ^٩ شَوَاةٌ، وَهِيَ جِلْدَةُ الرَّأْسِ. وَالشَّوَى: الْيَدَانِ وَالرُّجُلَانِ وَالرَّأْسُ مِنَ الْأَدْمِيِّينَ. يُقَالُ: رَمَاهُ فَأَشَوَاهُ، إِذَا لَمْ يُصِبِ الْمَقْتُلَ ^{١٠} (ص) ^{١١}.
- [٥٧٧] السَّرِيَّةُ: قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَيشِ. وَالْجَمْعُ سَرَايَا (ص) ^{١٢}.
- [٥٧٨] أَضْبَيْتُ عَلَى الشَّيْءِ: أَشْرَفْتُ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ أَظْفَرَ بِهِ ^{١٣}.
- [٥٧٩] الطَّرِيْدَةُ: مَا طَرَدَتْ مِنْ صَيْدٍ وَغَيْرِهِ (ص) ^{١٤}.
- [٥٨٠] النَّهْزَةُ: الْفُرْصَةُ. وَانْتَهَزْتُهَا إِذَا اغْتَنَمْتُهَا ^{١٥} (ص) ^{١٦}.
- [٥٨١] الْمَلَقُ: الْوُدُّ وَاللُّطْفُ الشَّدِيدُ. [وَالْمَلِيقُ: صَاحِبُ الْوُدِّ وَاللُّطْفِ] ^{١٧} (ص) ^{١٨}.

١. ج. ٦، ص. ٢٢٩٠. ش: شبا.
٢. ج. ٦، ص. ٢٣٨٨.
٣. ج. ٤، ص. ١٣٦١.
٤. ج. ١، ص. ٢٧١.
٥. ج. ٥، ص. ١٧٨٤.
٦. ق: يصيب القتل.
٧. ج. ٦، ص. ٢٣٧٥.
٨. ج. ١، ص. ٢٩٩.
٩. ج. ٢، ص. ٩٨٧.
١٠. ج. ٤، ص. ١٥٥٦.
١١. ج. ٦، ص. ٢٣٩٦.
١٢. ج. ٦، ص. ٢٤٠٦.
١٣. ق: غنمتها.
١٤. ش: - []
١٥. ج. ٦، ص. ٢٣٩٦.
١٦. ق: غنمتها.
١٧. ش: - []

[۵۸۲] الحَنْقُ: الغَيْظُ (ص) ۱.

[۵۸۳] الدَّغْلُ - بالتحريك -: الفسادُ مِثْلُ الدَّخْلِ (ص) ۲.

[۵۸۴] الرُّبِيَّةُ: الرَّابِيَةُ^۳ لَا يَغْلُوها الْمَاءُ. والرُّبِيَّةُ: حُفْرَةٌ تُخْفَرُ لِلْأَسَدِ، سُمِّيَتْ بِذَلِكَ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَخْفِرُونَها فِي مَوْضِعٍ غَالٍ (ص) ۴.

[۵۸۵] الرُّكْسُ: رَدُّ الشَّيْءِ مَقْلُوباً (ص) ۵.

[۵۸۶] فَمَعْنُهُ وَأَقَمَعْنُهُ: أَيِ فَهَزْنُهُ وَذَلَّلْتُهُ، فَأَنْقَمَعَ (ص) ۶.

[۵۸۷] الرُّبْقُ - بالكسر -: خَبَلٌ فِيهِ عِدَّةُ عُرَى، تُشَدُّ بِهِ الْبَهْمُ. الْوَاحِدَةُ مِنَ الْعُرَى: رِبْقَةٌ (ص) ۷.

[۵۸۸] الشَّرْقُ: الشَّجَا وَالْقُصَّةُ (ص) ۸ وَشَرَقَ بِكَذَا إِذَا لَمْ يُمَكِّنْهُ تَجَرُّعُهُ (س).

[۵۸۹] سَلَقَهُ بِالْكَلامِ سَلَقاً، إِذَا آذَاهُ، وَهُوَ شِدَّةُ الْقَوْلِ بِاللِّسَانِ (ص) ۱۰.

[۵۹۰] الْجَذْوَلُ: النَّهْرُ الصَّغِيرُ (ص) ۱۱.

[۵۹۱] أَكْذَبْتُ الرَّجُلَ عَنِ الشَّيْءِ: رَدَدْتُهُ. وَأَكْذَى الرَّجُلَ، إِذَا قَلَّ خَيْرُهُ (ص) ۱۲.

۳۹. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الرُّهْبَةِ

[۵۹۲] السُّوْأَةُ: الْعَوْرَةُ وَالْفَاحِشَةُ. وَالسُّوْأَةُ وَالسُّوْأَةُ: الْخُلَّةُ الْقَبِيحَةُ (ص) ۱۳.

[۵۹۳] [أَلْقَى بِيَدِهِ: أَيِ سَقَطَ فِي يَدِهِ. (ص) ۱۴].

[۵۹۴] الرُّمَّةُ - بالكسر -: الْعِظَامُ الْبَالِيَةُ (ص) ۱۵.

۱. ج ۴، ص ۱۴۶۵.

۲. ق و ش: الرابية.

۳. ج ۲، ص ۹۳۳.

۴. ج ۴، ص ۱۴۸۰.

۵. ق: سلق.

۶. ج ۴، ص ۱۶۵۴.

۷. ج ۱، ص ۵۶.

۸. ش: [] در صحاح اللغة هم یافت نشد. در ق کلمه «ینس» هم در پایان آمده که به نظر می رسد زاید باشد.

۹. ج ۵، ص ۱۹۳۷.

۱۰. ج ۴، ص ۱۶۹۷.

۱۱. ج ۶، ص ۲۳۶۶.

۱۲. ج ۳، ص ۱۲۷۲.

۱۳. ج ۴، ص ۱۵۰۱.

۱۴. ج ۴، ص ۱۴۹۷.

۱۵. ج ۶، ص ۲۴۷۲.

٥٠. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي النَّصْرِ

[٥٩٥] الصُّنْعُ وَالصَّنِيعُ: العَطَاءُ^١. وَالصَّنِيعَةُ: الْعَطِيَّةُ (س).

[٥٩٦] الظَّلَامَةُ وَالظَّلِيمَةُ وَالْمَظْلِمَةُ: مَا تَطْلُبُهُ عِنْدَ الظَّالِمِ، وَهُوَ اسْمُ مَا أُخِذَ مِنْكَ

ظُلْماً (ص)^٢.

[٥٩٧] اِنْتَصَرَ مِنْهُ: أَيِ اِنْتَقَمَ مِنْهُ (ص)^٣.

[٥٩٨] التَّضَجُّعُ فِي الْأَمْرِ: التَّقْصِيرُ. وَتَضَجَّعَ فِي الْأَمْرِ: أَيِ تَفَعَّدَ^٤.

٥١. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي الْإِنْحَاكِ

[٥٩٩] اِتَّكَلْتُ عَلَى فَلَانٍ فِي أَمْرِي: إِذَا اعْتَمَدْتَ عَلَيْهِ. وَالتَّوَكَّلْ: إِظْهَارُ الْعَجْزِ

وَالِإِعْتِمَادُ عَلَى غَيْرِكَ (ص)^٥.

٥٢. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي التَّذَلُّلِ

[٦٠٠] كَلَّمْتُهُ فَأَفْحَمْتُهُ: إِذَا أَشْكَيْتَهُ فِي خُصُومَةٍ أَوْ غَيْرِهَا (ص)^٦.

[٦٠١] كَبَا يَكْبُو كَبْوَةً: سَقَطَ^٧.

[٦٠٢] حُرُّ الْوَجْهِ: مَا بَدَأَ مِنَ الْوَجْهِ^٨. وَالْوَجْهَةُ: مَا اِرْتَفَعَ مِنَ الْحَدِيثِ (ص)^٩.

[٦٠٣] الْإِسْتِكَانَةُ: الْخُضُوعُ (ص)^{١٠}.

[٦٠٤] الْأَوْصَالُ: الْمَفَاصِلُ^{١١}.

١. ق: العطاء.

٢. ج. ٥، ص ١٩٧٧.

٣. ج. ٢، ص ٨٢٩.

٤. ج. ٣، ص ١٢٤٨.

٥. ج. ٥، ص ١٨٤٥.

٦. ج. ٥، ص ٢٠٠٠.

٧. ج. ٦، ص ٢٤٧١.

٨. ج. ٢، ص ٦٢٧.

٩. ج. ٦، ص ٢٢١٢.

١٠. ج. ٦، ص ٢١٩٠.

١١. ج. ٥، ص ١٨٤٢.

٥٣. دُعَاؤُهُ ﷺ فِي اسْتِخْشَافِ الْهُمُومِ
[٦٠٥] [التَّلْقِينُ: التَّفْهِيمُ، وَلَقِّنِي: فَهَّمْنِي]١.

تَمَّت حَاشِيَةُ ابْنِ إِدْرِيسَ عَلَى الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ. وَوَافَقَ الْفَرَاغَ مِنْ تَنْسِيخِهِ غَرَّةَ شَهْرِ
جُمَادِي الْأَوَّلِ مِنْ عَامِ ثَمَانٍ وَثَمَانِينَ وَأَلْفٍ مِنْ هِجْرَةِ الرَّسُولِ.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.